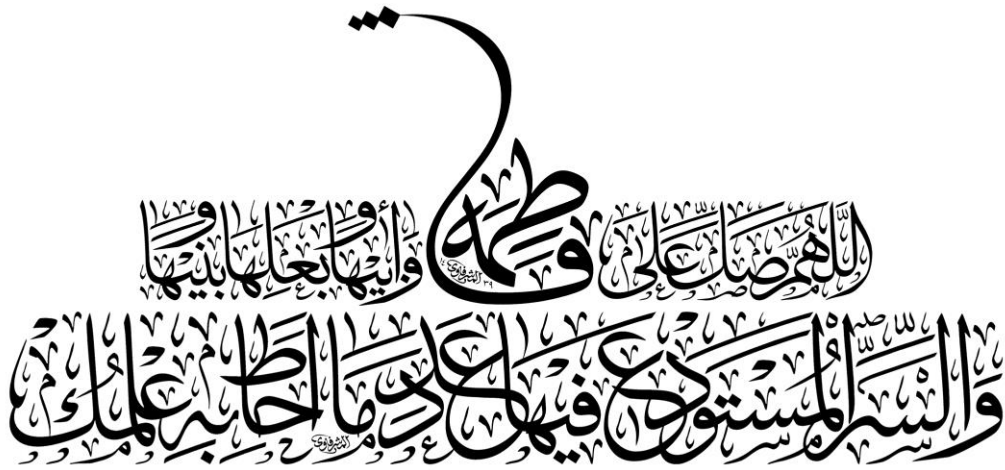


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلِلَّهِ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ

الْعِشْقُ

وَالْغُفْرَانُ لِلَّهِ الْعَلِيمِ
وَالْغُفْرَانُ لِلَّهِ الْعَلِيمِ
وَالْغُفْرَانُ لِلَّهِ الْعَلِيمِ
وَالْغُفْرَانُ لِلَّهِ الْعَلِيمِ
وَالْغُفْرَانُ لِلَّهِ الْعَلِيمِ



تقدیم به:

صدیقۀ طاهره فاطمه زهرا،

دخت گرامی پیامبر گرامی اسلام

و خاندان مطهرش (سلامُ الله علیهم أجمعین)

چاپ این کتاب، با هماهنگی مؤلف، برای تمامی مؤسسات آموزشی آزاد است؛ مشروط
به اینکه قیمت پشت جلد، به قیمت تمام شده باشد. علی حبیبی: ۰۹۱۳۲۵۳۲۹۶۹

مؤلف و مدرس قرائت و تجوید علی حبیبی

آداب و احکام القراءۃ

آداب و احکام قرائت قرآن کریم



به ضمیمه

ذکرهای تلاوت
آیات و سوره های قرآن کریم

شناسنامه كتاب

نام كتاب: آداب واحكام قرائت قرآن كريم

نام مؤلف: على حبيبي

چاپ: سوم - پاييز ۱۳۹۸

تيراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قطع: وزيري ۱۴۴ ص

قيمت: ۲۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول: آداب و احکام پیش از تلاوت.....	۱۳
۱. پاک بودن.....	۱۵
۲. مسواک زدن.....	۲۵
۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن.....	۲۷
۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن.....	۳۱
۵. روبه قبله بودن.....	۳۵
۶. اخلاص در تلاوت قرآن.....	۳۷
۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد.....	۴۱
۸. دعای پیش از تلاوت.....	۴۵
۹. استعاذه (پناه بردن به خداوند).....	۴۷
۱۰. تَسْمِيَه (آغاز کردن با نام خداوند).....	۵۱
فصل دوم: آداب و احکام هنگام تلاوت.....	۵۵
۱. از رو تلاوت کردن قرآن.....	۵۷
۲. قرائت قرآن با لحن عربی.....	۵۹
۳. قرائت قرآن با ترتیل.....	۶۱
۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین.....	۶۹
۵. تَدْبُرُوه جا آوردن حق آیات.....	۷۵
۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن.....	۷۹
۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار.....	۸۳
۸. مقدار تلاوت قرآن.....	۸۹
۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است.....	۹۳
۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است.....	۹۵
۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است.....	۹۹
۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد.....	۱۰۱

- فصل سوم: آداب واحكام پس از تلاوت ١٠٥
١. تصديق (گفتن: صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) ١٠٧
٢. دعای پس از تلاوت ١١١
- خاتمه: ذکرهاي تلاوت، تعقيبات برخي از سوره‌ها و آيات قرآن كريم ١١٣
- پيش گفتار ١١٤
١. شروع قرآن با «إِسْتِعاذه» ١١٥
٢. شروع قرآن با «تَسْمِيَه» و ختم آن با «تَصْدِيق» ١١٦
٣. وقف بر فواصل آيات ١١٧
٤. بعد از تلاوت سوره «حمد»، «تَحْمِيد» (گفتن: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) ١١٨
٥. بعد از تلاوت سوره اخلاص گفتن: «كَذٰلِكَ اللهُ رَبِّي» ١٢٠
٦. بعد از تلاوت سوره «تَبَّت» (مَسَد) برابولهب نفرين گردد ١٢١
٧. بعد از تلاوت سوره «نصر»، تسبيح و تحميد و استغفار خداوند ١٢٢
٨. بعد از تلاوت سوره «كافرون» اقرار به «بندگي خداوند يگانه» ١٢٣
٩. بعد از تلاوت سوره «تين» گفتن: «وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشّٰهِدِينَ» ١٢٤
١٠. بعد از تلاوت سوره «قيامت» گفتن: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلٰى» ١٢٥
١١. پس از تلاوت «سوره شمس»، سخنان «خداوند و رسولش را تصديق كنيد» ١٢٦
١٢. هنگام تلاوت سوره‌هاي «مُسَبِّحات»، «تسبيح» (گفتن: سُبْحَانَ اللهِ اَعْلٰى) ١٢٧
١٣. بعد از خواندن «حواميم»، حمد و شكر الهي به جا آوردن ١٢٨
١٤. هنگام تلاوت «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ اَعْلٰى» گفتن: «سُبْحَانَ رَبِّي اَعْلٰى» ١٢٩
١٥. تكرر آياتي كه در آن «أَمْرٌ وَ نَهْيٌ» آمده و عبرت گرفتن از آنها ١٣٠
١٦. پس از تلاوت آياتي كه ابتدای آنها «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» آمده است، گفتن: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و يا «لَبَّيْكَ رَبَّنَا» ١٣١
١٧. بعد از تلاوت «فَبَايَ ءَالَاءَ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» گفتن: «لَا يَشِيءُ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ اُكْذِبُ» ١٣٢
١٨. «سجده نمودن» هنگام خواندن آياتي كه در آن سجده آمده باشد ١٣٣
١٩. «صلوات فرستادن» هنگام قرائت: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» ١٣٤
٢٠. تقاضای بهشت و پناه بردن به خداوند، هنگام تلاوت آياتي كه ١٣٥
٢١. پس از تلاوت بعضی دیگر از آيات ... گفتن ١٣٦
- پرسش‌هاي چهارگزينه‌اي احكام تلاوت قرآن كريم ١٣٧

پیش‌گفتار

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾.^۱

«و از قرآن آنچه را که برای مؤمنین شفا و رحمت است فرو می‌فرستیم و (لیکن) ستمکاران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید».

«قرآن»، قانون اساسی اسلام است که خداوند آن را برای هدایت بشریت به راه حق و نیکی و خوشبختی نازل کرده است.

﴿إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾.^۲

«بی‌تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است».

و خداوند قرآن را شفا و دوی بیماری‌های فکری و اخلاقی قرار داده است و راهی برای هدایت.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾.^۳

«ای مردم، یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما پند و موعظه‌ای آمده، و شفا برای آنچه (از بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی) در سینه‌ها است و سراسر هدایت و رحمتی است برای مؤمنان».

۱. اسراء / ۸۲.

۲. اسراء / ۹.

۳. یونس / ۵۷.

«شفاء» معمولاً در مقابل بیماری‌ها، عیب‌ها و نقص‌ها است، بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند، همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است.

پس از آن، مرحله «رحمت» فرا می‌رسد که مرحله تَخَلُّق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضائل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند.^۱

اما دشمنان حق به جای اینکه از نور آیات الهی دل و جان خود را روشن سازند و تیرگی‌ها را بزایند، بر جهل و شقاوتشان افزوده می‌شود و این به دلیل آن است که خمیرمایه وجودشان بر اثر کفر و ظلم و نفاق به شکل دیگری درآمده است، از این رو هر جا که نور حق را می‌بینند به ستیز با آن برمی‌خیزند و این مقابله و ستیز با حق، برپیلیدی آنها می‌افزاید و روح طغیان و سرکشی را در آنها تقویت می‌کند.

يك غذای نیروبخش را اگر به عالم مجاهد و دانشمند مبارزی بدهیم از آن، نیروی کافی برای تعلیم و تربیت و یا جهاد در راه حق می‌گیرد ولی همین غذای نیروبخش را اگر به ظالم بیدادگری بدهیم از نیروی آن برای ظلم بیشتر استفاده می‌کند، تفاوت در غذا نیست، تفاوت در مزاج‌ها و طرز تفکرها است!

آیات قرآن، طبق مَثَل معروف، همچون قطره‌های حیات بخش باران است که در باغ‌ها، لاله می‌روید و در شوره‌زارها خس!

و درست به همین دلیل، برای استفاده از قرآن باید قبلاً آمادگی پذیرش را پیدا کرد و به اصطلاح علاوه بر فاعلیت فاعل، قابلیت محل نیز شرط است.

آری قرآن نسخه حیات بخشی است برای آنها که می‌خواهند با جهل و کبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند.

قرآن نسخه شفا بخشی است برای برطرف ساختن ضعف‌ها و زبونی‌ها و ترس‌های بی‌دلیل، اختلاف‌ها و پراکندگی‌ها.

قرآن داروی شفابخشی است برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات، تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوت‌ها رنج می‌برند؛ و سرانجام قرآن نسخه شفابخشی است برای آنها که پرده‌های ظلمانی شهوات، آنها را از رسیدن به قرب پروردگار مانع شده است.^۱

حضرت علی علیه السلام در سخن بسیار جامع خود در نهج البلاغه، این حقیقت را با شیواترین عبارات بیان فرموده است:

«فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لُؤَائِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالنِّفَاقُ وَالْغَيُّ وَالضَّلَالُ».^۲

از این کتاب بزرگ آسمانی، برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بطلبید؛ زیرا در این کتاب درمان بزرگ‌ترین دردهاست: درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت.

در جای دیگر از همان امام بزرگ می‌خوانیم:

«وَعَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالتَّوْرُ الْمُبِينُ وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ وَالرِّيُّ النَّاقِعُ وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ وَالنَّجَاةُ لِلْمُتَعَلِّقِ لَا يَعْوُجُ فَيَقَامُ وَلَا يَزِيغُ فَيُسْتَعْتَبُ وَلَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوُلُوجُ السَّمْعِ مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَمَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ».^۳

کتاب خدا را محکم بگیرید، زیرا رشته‌ای است بسیار مستحکم و نوری است آشکار، دارویی است شفابخش و پربرکت و آب حیاتی است که عطش تشنگان حق را فرو می‌نشاند، هر کس به آن تمسک جوید، او را حفظ می‌کند و آن کسی که به دامنش چنگ زند، نجاتش می‌بخشد، انحراف در آن راه ندارد تا نیاز به راست نمودن داشته باشد و هرگز خطا نمی‌کند تا از خوانندگانش پوزش بطلبد، تکرارش موجب کهنگی و یا ناراحتی گوش نمی‌گردد (و هر قدر آن را بخوانند، شیرین‌تر و دل‌پذیرتر خواهد بود) کسی که با قرآن سخن بگوید، راست می‌گوید و کسی که به آن عمل کند، گوی سبقت را از همگان می‌برد.

۱. تفسیر نمونه / ۱۲ / ۲۳۸ و ۲۳۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳. همان، خطبه ۱۵۶.

این تعبیرهای رسا و گویا که نظیر آن در سخنان پیامبر اکرم ﷺ و سایر گفته‌های حضرت علی علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام کم نیست، به خوبی ثابت می‌کند که قرآن، نسخه‌ای است برای سامان بخشیدن به همه نابسامانی‌ها، بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی. بهترین دلیل برای اثبات این واقعیت، مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت‌شدگان مکتب پیامبر ﷺ در آغاز اسلام است، دیدیم چگونه آن قوم خون‌خوار و جاهل و نادان که انواع بیماری‌های اجتماعی و اخلاقی سرتا پای وجودشان را فرا گرفته بود، با استفاده از این نسخه شفابخش نه تنها درمان یافتند بلکه آن چنان قوی و نیرومند شدند که ابرقدرت‌های جبار جهان را به زانو درآوردند.

و این درست همان حقیقتی است که مسلمانان امروز آن را از یاد برده‌اند و به این حال و روزگار که می‌دانیم و می‌دانید، گرفتار گشته‌اند.

ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که این نسخه مانند نسخه‌های دیگر وقتی مؤثر است که به آن عمل شود و الا صد بار اگر بهترین نسخه‌های شفابخش را بخوانیم و روی سربگذاریم ولی به آن عمل نکنیم نتیجه‌ای نخواهیم گرفت.^۱

برای استفاده و بهره‌مندی بهتر از آیات قرآن کریم، در آیات و روایات معصومین علیهم السلام، آداب و احکامی سفارش شده است که رعایت بعضی از آنها واجب و برخی دیگر مستحب است. سعی ما در این مجموعه بر این است که این آداب و احکام را با استفاده از کتاب‌های تفسیری، روایی و فقهی به صورت فشرده در سه فصل جداگانه در اختیار قاریان و حافظان و علاقه‌مندان قرآن کریم قرار دهیم:

فصل اول: آداب و احکام پیش از تلاوت؛

فصل دوم: آداب و احکام هنگام تلاوت؛

فصل سوم: آداب و احکام پس از تلاوت.

و در پایان، «ذکرهای تلاوت» را به عنوان خاتمه و «پایان بخش آداب و احکام تلاوت» آورده‌ایم تا قاریان قرآن در هنگام قرائت، خود را مخاطب آیات بدانند و

اذکاری که دلالت بر باور آنها دارد بر زبان جاری سازند و خداوند متعال، توفیق عمل به محتوای آیات را به همه ما ارزانی دارد.

با توجه به اینکه در زمینه «آداب و احکام تلاوت»، کتاب‌های مُدَوَّن و جامع، کمتر به رشته تحریر درآمده است و بیشترین آداب و احکام در کتاب‌های تفسیری، روایی و فقهی به صورت پراکنده مورد بحث قرار گرفته است، از این‌رو از کلیه خوانندگان و برادران ارجمند، تقاضا می‌کنیم برای تکمیل این مباحث، پیشنهادهای اصلاحی خود را از طریق کانال سروش به شماره همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹ ارسال دارند.

برای استفاده از سایر تألیفات که لیست آن در آخر کتاب آمده است، به آدرس ما در سروش: **@habibi.tajvid** و یا به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم، قسمت علوم قرآنی، علی حبیبی احمدآبادی مراجعه فرمایید.

من الله التوفیق

۱۸ ذیحجه، عید غدیر خم، سال ۱۴۱۸ هـ. ق

تجدید نظر و اضافات، شب شهادت امام علی (ع)

۲۰ رمضان ۱۴۴۰ هـ. ق

قم - علی حبیبی

قال الله الحكيم في مُحْكَمِ كِتَابِهِ الْكَرِيم:

﴿أَنَّهُ لَقَدْ آتَىٰ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱

«یقیناً این قرآن، قرآن با کرامت و ارزشمندی است (که) در کتابی محفوظ (از

تحریف و تغییر) جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به (واقعیت) آن دست یابند».

﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲

«همانا خداوند می‌خواهد هرگونه پلیدی (و گناه) را از شما اهل بیت بزداید

و شما را کاملاً پاک و پاکیزه سازد».

در روایات فراوانی از منابع اهل سنت آمده است:

بعد از نزول آیه فوق، پیامبر گرامی اسلام ﷺ مدت شش ماه (و در بعضی

روایات تا هشت یا نه ماه)، هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه

الزهراء عليها السلام می‌گذشت صدا می‌زد: «الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ» ﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۳

از این آیه استفاده می‌شود که: «اهل بیت عصمت و طهارت عليهم السلام (که از هرگونه

رجس و پلیدی، پاک ساخته شده‌اند) توسط خداوند به عنوان معلّمان و

مفسران حقیقی قرآن کریم معرفی گردیده است.

۱. واقعه ۷۷/۷۹.

۲. احزاب ۳۳.

۳. تفسیر نمونه ۳۰۰/۱۷ به نقل از شواهد التنزیل ۱۱/۲، ۲۸ و دُرُ الْمَنثور ذیل آیه مورد بحث.



فصل اول : آداب و احکام پیش از تلاوت

۱. پاک بودن
۲. مسواک زدن
۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن
۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن
۵. رو به قبله بودن
۶. اخلاص در تلاوت قرآن
۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد
۸. دعای پیش از تلاوت
۹. استعاذه (پناه بردن به خداوند)
۱۰. تسمیه (آغاز کردن با نام خداوند)

۱. پاک بودن

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱

«به یقین این قرآنی است کریم، که در نوشته‌ای مستور است، که آن (لوح نوشته) را نمی‌توانند لمس کنند جز پاکان (و پاکیزه شدگان)».

بسیاری از مفسران به پیروی از روایاتی که از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده است، این آیه را به عدم جواز مسّ نوشته قرآن، بدون غسل و وضو تفسیر کرده‌اند؛ در حالی که گروه دیگری آن را اشاره به فرشتگان مطهری می‌دانند که از قرآن آگاهی دارند، یا واسطه وحی بر قلب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده‌اند، نقطه مقابل مشرکان که می‌گفتند: این کلمات را شیاطین بر او نازل کرده‌اند!

بعضی نیز آن را اشاره به این معنی می‌دانند که حقایق و مفاهیم عالی قرآن را جز پاکان درک نمی‌کنند، همان گونه که در آیه ۲ سوره بقره می‌خوانیم:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾

«این کتاب، شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیزکاران است».

و به تعبیر دیگر، حداقل پاکی که روح «حقیقت‌جویی» است برای درک حداقل مفاهیم آن، لازم است و هر قدر پاکی و قداس بیشتر شود، درک انسان از مفاهیم قرآن و محتوای آن، افزون خواهد شد.

این مطلب از طریق عقل نیز قابل استدلال است، زیرا اگرچه قرآن مجید برای هدایت عموم است اما می‌دانیم افراد زیادی بودند که قرآن را از لب‌های مبارک

پيامبر ﷺ می شنیدند و این آب زلال حقیقت را در سرچشمه وحی می دیدند اما چون آلوده به تعصب و عناد و لجاجت بودند، کمترین بهره‌ای از آن نگرفتند، اما کسانی که اندکی خود را پاک کردند و با روح حقیقت جویی و تحقیق به سراغ آن آمدند، هدایت یافتند؛ بنابراین هر قدر پاکی و تقوای انسان بیشتر شود، به مفاهیم عمیق‌تر و بیشتری از قرآن مجید دست می‌یابد، به این ترتیب، آیه در هر دو بُعد جسمی و روحانی صادق است. بدیهی است به استناد آیه:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱.

«خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک و پاکیزه سازد».

پيامبر اکرم ﷺ و اهل بیت آن حضرت (ائمہ معصومین علیهم السلام)، روشن‌ترین مصداق «مُطَهَّرِينَ» هستند و حقایق قرآن را از همه بهتر درک می‌کنند.^۲

۱. احزاب / ۳۳.

۲. تفسیر نمونه / ۲۳ / ۲۶۸-۲۷۲؛ المیزان / ۱۷ / ۱۳۷.

روایات طهارت مَسّ

در روایات اسلامی، در رابطه با طهارت شرعی (وضو یا غسل) تأکید فراوانی شده است، زیرا طهارت شرعی، سمبل پاکی و طهارت روحی و بدنی است، از این رو اضافه بر حال نماز «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَر»^۱ در موارد بسیاری از جمله «قرائت قرآن» تأکید شده که باید با طهارت بود، زیرا به واسطه قرآن و نماز، به پیشگاه مقدس و ملکوتی خداوند حضور می‌یابیم و این حضور، بدون طهارت، امکان ندارد، طهارتی که سراسر وجودمان، ظاهر و باطن را فرا می‌گیرد.

در روایتی امام رضا علیه السلام «علت وجوب وضوء» را این‌گونه بیان می‌فرمایند: «لَإِنَّهُ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ، مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ، نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَالنَّجَاسَةِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذِهَابِ الْكَسَلِ وَطَرْدِ النَّعَاسِ وَتَرْكِیَةِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ».^۲

برای اینکه بنده وقتی در مقابل پروردگار جبار به مناجات می‌ایستد، پاک و پاکیزه باشد؛ و امر و فرمان او را که به منظور بر حذر ماندن از پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها صادر شده است، اطاعت کرده باشد و اضافه بر آن، به وسیله وضو، کسالت (سستی و بی‌حالی) و چرت از او برطرف گردد، و قلب نیز از ناپاکی‌های باطنی و معنوی، تزکیه شود تا آمادگی لازم برای ایستادن در مقابل پروردگار، پیدا کند.

اما احادیث وارده در رابطه با طهارت مَسّ نوشته قرآن:

۱. ابی بصیر می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: از «حُكْم» کسی که قرآن را در مصحف «از رُو» می‌خواند و حال آنکه وضو ندارد؟ حضرت فرمودند: «لَا بَأْسَ وَلَا يَمَسُّ الْكِتَابَ».^۳

اشکالی ندارد ولی نباید قرآن را مَسّ کند.

۱. وسائل الشیعة / ۱ / ۲۵۶، باب ۱ از ابواب الوضوء، حدیث ۱ و ۶.

۲. همان، حدیث ۹؛ علل الشرایع، باب ۱۸۲، حدیث ۹.

۳. همان / ۲۶۹، حدیث ۱.

۲. حريز نقل می کند که اسماعیل فرزند امام صادق عليه السلام نزد پدرش بود، حضرت به او فرمود: «اقْرَأِ الْمُصْحَفَ، فَقَالَ: إِنِّي لَسْتُ عَلَى وُضوءٍ، فَقَالَ: لَا تَمَسَّ الْكِتَابَةَ وَمَسَّ الْوَرَقَ وَاقْرَأْهُ»^۱.

قرآن بخوان، در جواب گفت: در حال وضو نیستم، حضرت فرمود: نوشته ها را مَسّ نکن، ورق را مَسّ کن و قرآن را بخوان.

صاحب وسائل بعد از نقل حدیث ۱ و ۲ می فرماید: این دو حدیث شامل جُنُب نیز می شود، زیرا شخص جُنُب در حال وضو نیست.

۳. مرحوم طبرسی رحمته الله صاحب تفسیر مجمع البیان در رابطه با آیه ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ از حضرت باقر عليه السلام نقل می کند: «مِنَ الْأَحَادِيثِ وَالْجَنَابَاتِ، وَقَالَ: لَا يَجُوزُ لِلْجُنُبِ وَالْحَائِضِ وَالْمُحَدِّثِ، مَسُّ الْمُصْحَفِ»^۲.

مراد طاهر (پاك) بودن از حَدَثِها (چیزی که وضو را باطل می کند) و جنابت ها (جنابت، حیض، نفاس)^۳ است. همچنین از آن حضرت نقل می فرماید: جایز نیست بر شخص جُنُب و حائض و کسی که حدثی از او سرزده، مَسّ نمودن قرآن کریم. ۴. محمد بن مسلم می گوید: امام باقر عليه السلام فرمودند: «الْجُنُبُ وَالْحَائِضُ يَفْتَحَانِ الْمُصْحَفَ مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ وَيَقْرَأْنَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا شَاءَ إِلَّا السَّجْدَةَ»^۴.

«جُنُب و حائض، قرآن را از پشت پیراهن می گشایند و از قرآن هر چه بخواهند می خوانند مگر آیات (سوره های) سجده دار».

۱. همان / ۲۶۹، حدیث ۲.

۲. وسائل الشیعة / ۱ / ۲۷۰ - (باب ۱۲ از ابواب الوضوء، حدیث ۵).

۳. «جنابت و جُنُب شدن»: حالت انسان پس از مقاربت یا انزال منی که غسل بر او واجب می شود.

«حیض و حائض»: به خونی که از رحم زن، ماهی یک مرتبه و به مدت چند روز ادامه دارد «حیض» می گویند و به زنی که در حالت عادت ماهیانه باشد، «حائض» گفته می شود.

«نفاس و نفساء»: به خونی که پس از زاییدن از زنان خارج می شود، «نفاس» می گویند و به زنی که تازه زاییده باشد، «نفساء» گفته می شود.

۴. وسائل الشیعة / ۱ / ۴۹۴ - باب ۱۹ از ابواب الجنابة، حدیث ۷.

احکام طهارت مَسّ

۱. وضو گرفتن برای قرائت قرآن، شرط کمال است و برای مَسّ نوشته قرآن، شرط جواز.^۱
۲. مَسّ نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند، مَسّ آن، اشکال ندارد.^۲
۳. ... برای قرائت قرآن، همراه داشتن قرآن، خواندن و نوشتن آن و نیز برای مَسّ حاشیه قرآن ... وضو گرفتن، مستحب است.^۳
۴. در حرام بودن مَسّ خط قرآن برفاقد طهارت، فرقی نیست که مَسّ با دست باشد یا با سایر اجزای بدن، گرچه اجزای باطنی باشد، مانند: زبان و دندان و احوط تَرکِ مَسّ با مواست گرچه بعید نیست که حرام نباشد.^۴
۵. فرقی نیست بین مَسّ ابتدایی (قبل از مَسّ، فاقد طهارت بوده) و استدامی (با وضو قرآن را مَسّ نموده سپس فاقد طهارت شود) پس اگر شخصی (که با طهارت است) دستش روی خط قرآن باشد، سپس فاقد طهارت شود، براو واجب است که فوراً دستش را بردارد و همچنین اگر از روی غفلت و بی توجهی خط قرآن را مَسّ نماید و سپس متوجه شود که فاقد طهارت است.
۶. مَسّی که محوکننده خط قرآن باشد نیز برای فاقد طهارت حرام است، پس برای فاقد طهارت جایز نیست که با زبان یا با دستِ تر، خط قرآن را محو کند.
۷. (در حرام بودن مَسّ خط قرآن) فرقی نیست بین اقسام خط‌ها حتی خطی که متروک شده باشد مانند خط کوفی و همچنین فرقی نیست بین نحوه نوشتن با قلم یا چاپی، خط بریده با کاغذ باشد یا کنده کاری شده.

۱. عروة الوثقی، فی غایات الوضوء.

۲. توضیح المسائل، امام خمینی رحمته الله، مسأله ۳۱۷.

۳. عروة الوثقی (فی الوضوءات المستحبّة «التاسع»).

۴. از مسأله ۴ الی ۲۰، عروة الوثقی، (فی غایات الوضوء، مسأله ۱۹ - ۱۳).

استفتایی از آیه الله العظمی اراکی رحمته الله

سؤال: نابینایان جهت خواندن و نوشتن از خط برجسته نابینایی معروف به خط «بریل» به وسیله لمس کردن انگشتان دست استفاده می‌کنند، با عنایت به اینکه این خط قراردادی، مطابق حروف الفبای خاص از شش نقطه تشکیل گردیده، سؤال این است که آیا نابینایان، هنگام آموزش قرائت قرآن و دست گذاشتن به اسماء متبرکه به خط نابینایان، نیاز به وضو دارند؟

جواب: مَسّ کتابت خط قرآن بدون وضو جایز نیست و فرقی نیست بین انواع خطوط و همچنین است حکم در اسمای متبرکه.^۱

۸. فرقی نیست در (حرمت مَسّ) قرآن، بین آیه و کلمه، بلکه حرف، اگرچه نوشته شود ولی خوانده نشود، مانند «الف» در (آخر) «قَالُوا» و «ءَامَنُوا» و همچنین است حروفی که خوانده می‌شوند ولی نوشته نشده، اگر نوشته شوند، مثل «واو» دوم در «داوود» هرگاه با دو «واو» نوشته شود «داوود» و «الف» در «رَحْمَن» و «لُقْمَن» اگر «رَحْمَان» و «لُقْمَان» نوشته شوند.

۹. (در حرام بودن مَسّ خط قرآن) فرقی نیست بین آنچه که در خود قرآن است و یا در کتابی دیگر بلکه اگر کلمه‌ای از قرآن در کاغذی باشد یا نصف کلمه‌ای از آن از ورق قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، مَسّ آن نیز حرام است.

۱۰. در کلماتی که بین قرآن و غیر قرآن مشترک است، ملاک و معیار قصد نویسنده است.
۱۱. در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده فرقی نیست بین کاغذ و تخته و زمین و دیوار و پارچه و بلکه بدن انسان؛ پس هرگاه (آیه‌ای را) بردست خود نوشت، جایز نیست هنگام وضو گرفتن آن را مَسّ نماید بلکه واجب است اول آن را محو کند سپس وضو بگیرد.

۱۲. هرگاه قرآن را بدون قلم، بر کاغذ بنویسند، ظاهراً مَسّ آن، اشکالی نداشته باشد، زیرا به آن خط نمی‌گویند؛ بلی اگر با چیزی بنویسند که اثرش بعداً ظاهر شود، ظاهراً مَسّ آن، حرام باشد مانند آب پیاز که اثر آن پس از حرارت دادن آشکار می‌شود.

۱۳. حرام نیست (بر فاقد طهارت) مَس نمودن (خط قرآن) از پشت شیشه اگر چه خط آن پیدا باشد و همچنین است خطی که در آینه منعکس شده باشد؛ بلی اگر اثر قلم چنان در کاغذ نفوذ کند که خط از پشت آن ظاهر شود، مَس آن جایز نیست به خصوص هنگامی که معکوس نوشته شده باشد و از طرف دیگر به صورت خط معمول ظاهر شود.

۱۴. در مَس فضای خالی که حرف، آن را احاطه کرده مانند «ح» یا «ع» اشکال است و اقوی جواز آن است.

۱۵. در اینکه آیا فاقد طهارت می تواند آیه ای از قرآن را با انگشت خویش بر زمین یا غیر زمین بنویسد، اشکال است و بعید نیست عدم حرمت، زیرا خط بعد از مَس، ایجاد می شود؛ اما نوشتن خط بر بدن شخصی که فاقد طهارت است حرام است گرچه کاتب با وضو باشد به خصوص در صورتی که اثر آن باقی بماند.

۱۶. واجب نیست منع نمودن اطفال و دیوانگان از مَس نمودن (خط قرآن) مگر وقتی که مَس کردن آنها توهین به قرآن شمرده شود، بلکه احوط آن است که سبب مَس ایشان نشویم و اگر طفل مُمَیز^۱ وضو گرفت چون بنابر اقوی، وضو و سایر عباداتش صحیح است، مَس او نیز اشکالی ندارد.

۱۷. حرام نیست بر فاقد طهارت مَس نمودن غیر از خط قرآن، مانند ورق قرآن حتی بین سطرها و جلد و غلاف، بلکه کراهت دارد همان گونه که به گردن افکندن و حمل نمودن آن نیز مکروه است.

۱۸. ترجمه قرآن به هر لغتی که باشد، قرآن به حساب نمی آید، از این رو مَس آن بدون وضو اشکال ندارد ولی فرقی نیست در حرمت (مَس بدون طهارت) اسم خداوند در هر زبانی که باشد.

۱۹. جایز نیست قرار دادن چیز نجس روی قرآن، گرچه خشك باشد برای اینکه توهین به قرآن است اما چیزی که نجس شده باشد در صورتی که رطوبتی نداشته باشد ظاهراً اشکال نداشته باشد (در صورتی که توهین به قرآن شمره نشود) بنابراین

۱. کودکی که خوب و بد را تشخیص می دهد.

جائز است لمس قرآن با دست نجس برای شخصی که وضو داشته باشد، گرچه اولی ترك آن است.

۲۰. اگر آیه ای از قرآن بر تکه نانی نوشته شده باشد، خوردن آن برای فاقد طهارت جائز نیست اما برای شخص با طهارت مانعی ندارد به خصوص اگر به نیت شفا یا تبرک باشد.^۱

۲۱. پنج چیز بر جُنُب حرام است؛ اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و همچنین بنا بر احتیاط واجب اسم پیامبران و امامان علیهم السلام به طوری که در وضو گفته شد.

۲۲. نه چیز بر جنب مکروه است: ... چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط های قرآن.^۲

۲۳. کسی که جُنُب است اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، حرام است دست به آن نوشته بگذارد و اگر بخواهد غسل کند باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.^۳

۲۴. مستحاضه قلیله^۴ اگر بخواهد غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

۲۵. اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز، جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

۲۶. چند چیز بر حائض حرام است ...، دوم: تمام چیزهایی که بر جُنُب حرام است و در احکام جنابت گفته شد ... (رساندن جایی از بدن به خط قرآن).^۵

۱. از مسأله ۴ الی ۲۰؛ عروة الوثقی ۱/ ۱۸۹-۱۹۲ - فی غایات الوضوء، مسأله ۳ و ۱۹.

۲. توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله، مسأله ۳۵۵ و ۳۵۶.

۳. همان، مسأله ۳۹۰.

۴. «استحاضه»: پیوسته خون آمدن از زن بعد از ایام حیض (خونی است که زن در کمتر از سه روز و یا بیشتر از ده روز در ایام حیض می بیند) و به زن «مستحاضه» می گویند.

استحاضه بر سه قسم است: قلیله، متوسطه و کثیره. جزئیات آن در رساله های عملیه آمده است.

۵. توضیح المسائل امام خمینی رحمته الله، مسأله ۴۲۷-۴۲۹-۴۵۰؛ عروة الوثقی، فی احکام الحائض، الأمر الثاني.

۲۷. خواندن سوره‌های عزایم یا مقداری از آنها بر حائض حرام است.^۱
۲۸. خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خط‌های قرآن... برای حائض مکروه است.
۲۹. توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء حرام است. آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه است.^۲
۳۰. کسی که وظیفه‌اش تَیَمُّم است، اگر برای کاری تَیَمُّم کند، تا تَیَمُّم و عُذْر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد می‌تواند به جا آورد (مانند: مَسّ نوشته قرآن مجید و ورود به مساجد و غیر آن).^۳
۳۱. با تَیَمُّمی که به جهت تنگی وقت انجام داده، چیز دیگری به جز نمازی که وقتش تنگ شده، مباح نمی‌باشد، پس جایز نیست برای او مَسّ نوشته قرآن حتی در حال نماز...^۴
۳۲. کسی که بعد از مَسّ (میت)، غسل کرده است، می‌تواند کارهایی مانند: توقف در مساجد و خواندن سُور عزایم که شرط‌شان طهارت از حَدَث اصغر^۵ [یعنی وضو داشتن] نیست را انجام دهد، ولی برای نماز و مَسّ خط قرآن [یعنی کارهایی که شرط‌شان طهارت از حَدَث اصغر است] بنابر احتیاط واجب باید غسل کند و وضو هم بگیرد.^۶

۱. عروة الوثقی، فی احکام الحائض، (سوره‌های عزایم، عبارت است از: سوره‌هایی که در آن آیات سجده موجود است و برقاری و شنونده آن آیات لازم است که برای خداوند سجده نموده و به تسبیح و حمد پروردگارشان بپردازند).

۲. توضیح المسائل امام خمینی علیه السلام، مسأله ۴۷۷-۵۱۳.

۳. همان، مسأله ۷۲۶.

۴. عروة الوثقی فی احکام التیمم، مسأله ۳۱.

۵. «حَدَث اصغر»: هر امری که موجب وضو برای نماز شود یا به عبارت دیگر، وضو را باطل کند، در مقابل «حَدَث اکبر»: هر امری که موجب غسل برای نماز شود.

۶. عروة الوثقی (فی غسل مَسّ الميت، مسأله ۱۶ و ۱۷).

بعضی از احکام طهارت در ارتباط با قرآن^۱

۱. مستحب است برای وضو گرفتن برای:

۱. قرائت قرآن

۲. نوشتن قرآن

۳. لمس حواشی قرآن

۴. حمل قرآن

۲. حرام است برای شخص بی وضو:

۱. مَسّ خط قرآن

۲. مَسّ اسامی و صفات مختص به خداوند متعال

۳. مَسّ اسامی پیامبران، امامان و ملائکه عَلَيْهِمُ السَّلَام (بنابر احتیاط واجب)

۳. مکروه است برای شخص بی وضو:

۱. مَسّ جلد، اوراق، غلاف و بین سطرهای قرآن

۲. همراه داشتن یا (به گردن آویختن) قرآن.

۱. قرآن در آینه احکام/ ۲۲.

۲. مسواک زدن

حضرت صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «نَظَّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ؛ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: أَفْوَاهُكُمْ؛ قِيلَ بِمَاذَا؟ قَالَ: بِالسَّوَاكِ»^۱.
مسیر قرآن را پاکیزه نمایید؛ گفته شد ای رسول خدا، مسیر قرآن چیست؟ حضرت فرمودند: دهان‌های شماست؛ گفته شد، با چه چیزی؟ حضرت فرمودند: با مسواک زدن.

از امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ تُرْقُ الْقُرْآنَ فَطَهِّرُوهَا بِالسَّوَاكِ»^۲.

دهان‌های شما، راه‌های قرآن است، پس آنها را با مسواک زدن پاکیزه نمایید.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام برای مسواک زدن، تأکید و سفارش بسیاری کرده‌اند و فوائد فراوانی برای آن برشمرده‌اند که برخی از آنها ظاهری و مادی است؛ مانند: «پاکی دهان، استحکام لثه، از بین رفتن زردی و سفید شدن دندان‌ها، روشنی چشم، فزونی عقل و حافظه، اشتها پیدا کردن به غذا و از بین رفتن غم و اندوه».

و برخی دیگر باطنی و معنوی است؛ مانند: «پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، رضایت خداوند رحمان، شادی فرشته‌ها و چند برابر شدن پاداش اعمال خوب و عبادت‌هایی که انجام داده می‌شود»^۳.

۱. وسائل الشیعة / ۱ / ۳۵۷ ح ۱، باب ۷ از ابواب السواک.

۲. همان / ۳۵۸ (ح ۳، باب ۷ از ابواب السواک).

۳. همان / ۳۴۶-۳۵۲ ح ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۲۵، ...، باب ۱ از ابواب السواک.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده كه فرموده اند: «رَكَعَتَانِ بِالسَّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بَغَيْرِ سَوَاكِ».^۱

ثواب دو ركعت نماز با مسواك از هفتاد ركعت بدون مسواك بالاتر است. بدیهی است كه پاداش قرائت قرآن با مسواك نیز همانند نماز با مسواك، هفتاد برابر قرائتی است كه بدون مسواك باشد؛ زیرا بخشی از نماز، قرائت حمد و سوره است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ».^۲

اگر بر اتم، سخت نبود، هر آینه آنها را امر می کردم تا با هر نمازی، مسواك کنند.

۱. اصول کافی / ۳ / ۲۲ (باب السواك من كتاب الطهارة، حدیث ۱).

۲. همان.

۳. انتخاب زمان مناسب برای تلاوت قرآن

قرائت قرآن در هر زمانی که انسان آمادگی داشته باشد، مناسب است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش خود به حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^۱، برتوباد به تلاوت قرآن در همه حال.

از روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود که فضیلت تلاوت قرآن کریم در زیاد خواندن آن نیست، بلکه در خوب خواندن و تدبیر و اندیشه در آن است.

در مجمع البیان در ذیل آیه «فَاَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ روایتی را از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرانش نقل می فرماید: «مَا تيسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَ صَفَاءُ السِّرِّ» آن مقدار بخوانید که در آن، خشوع قلب و صفای باطن (و نشاط روحانی و معنوی) باشد.^۳

هر چند، انسان در هر وقتی که برای او امکان پذیر شد و هر مقداری که برای او میسر بود، قرآن را بخواند، شایسته و خوب است، ولی در قرآن کریم و روایات منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بر تلاوت قرآن در زمان های ذیل، تأکید و سفارش بیشتری شده است:

۱. سحرگاهان (قبل از طلوع فجر)

تلاوت قرآن در دل شب، دارای آثار و برکات فراوانی است و آن بدین جهت است

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۳۹ ح ۱، باب ۱۱ ابواب از قراءۃ القرآن.

۲. منزل / ۲۰.

۳. مجمع البیان / ۱۰ / ۵۷۶.

که انسان در دل شب، فارغ البال است و مشغولیت های ذهنی کمتری دارد.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * يَا أَيُّهَا الْمَزْمِلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا *
نُصَفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۱

«به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، ای جامه به خود پیچیده، شب را جز کمی، به پا خیز، نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن؛ یا به نصف آن بیفز و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».

آیات فوق، اهمیت شب زنده داری و نماز شب و تلاوت قرآن را در آن هنگام که غافلان در خوابند، گوشزد می نماید. عبادت در شب، مخصوصاً در «سحرگاهان و نزدیک طلوع فجر»، اثر فوق العاده ای در صفای روح و تهذیب نفوس و تربیت معنوی انسان و پاکی قلب و بیداری دل و تقویت ایمان و اراده و تحکیم پایه های تقوا در دل و جان انسان دارد.

حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، اوصاف متّقین را این گونه بیان می فرماید: «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ»^۲.

(پرهیزکاران) در شب همواره برپا ایستاده اند، قرآن را شمرده و با تدبّر تلاوت می کنند، با قرآن، جان خویش را محزون می سازند و داروی درد خود را از آن می گیرند.

۲. صبحگاهان و شامگاهان

﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾^۳.

در این آیه، خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله دستور می دهد (این دستور همانند سایر تعبیرهای قرآن یک حکم عمومی است و اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد):

۱. مزمل / ۱-۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳. اعراف / ۲۰۵.

«پروردگارت را در دل خود با حالت تضرع و خوف یاد کن، آرام و آهسته و این کار را همواره صبحگاهان (هنگام طلوع خورشید) و شامگاهان (هنگام غروب خورشید) تکرار کن و هرگز از غافلان و بی خبران از یاد خدا مباش».

یکی از راه‌های «ذکر پروردگار»، «قرائت قرآن» است، زیرا یکی از اوصاف قرآن، «ذکر» است ﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ﴾^۱ تعبیر به «ذکر» اشاره به این واقعیت دارد که قرآن بیدار کننده و آگاه کننده است. اطلاق «ذکر» بر «قرآن» به خاطر این است که قبل از هر چیز، انسان را متذکر و بیدار می‌سازد و حقایقی را که انسان احتمالاً با فطرت خدادادی دریافته با وضوح و تفصیل شرح می‌دهد.^۲

با توجه به آیات ذکر شده می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که یکی از اوقات مناسب برای قرائت قرآن (که ذکر است) صبحگاهان (هنگام طلوع آفتاب) و شامگاهان (هنگام غروب آفتاب) است.

۳. قبل از خواب

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «مَا يَمْنَعُ التَّاجِرُ مِنْكُمْ الْمَشْغُولُ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانُ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ».^۳

«چه چیز مانع می‌شود تاجری که در بازار سرگرم داد و ستد است وقتی که به خانه باز می‌گردد، نخوابد تا اینکه سوره‌ای از قرآن را بخواند، در عوض به جای هر آیه‌ای که تلاوت می‌کند، ده حسنه (خوبی، کار نیک) برای او نوشته شود و ده سیئه (بدی، کار بد) از او محو گردد».

۴. در حال نماز

از حضرت باقر علیه السلام نقل گردیده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِماً فِي صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِئَةً حَسَنَةً وَمَنْ قَرَأَهُ فِي صَلَاتِهِ جَالِساً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَ

۱. انبیاء / ۵۰.

۲. تفسیر نمونه / ۲۰ / ۲۹۷.

۳. اصول کافی / ۲ / ۶۱۱ (کتاب فضل القرآن، باب ثواب قراءة القرآن، ح ۲).

مَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ»^۱.

«کسی که قرآن را ایستاده در نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، صد حسنه می نویسد و کسی که نشسته در نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، پنجاه حسنه می نویسد، و کسی که قرآن را در غیر نماز بخواند، خداوند برای او به هر حرفی، ده حسنه می نویسد».

یادسپاری: خواندن قرآن در نماز، از روی نوشته قرآن، کراهت دارد.

۵. در ماه مبارك رمضان

حضرت صادق عليه السلام می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ رَّبِيعٌ، وَرَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ»^۲.

برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است.

حضرت رضا عليه السلام از پدرانش از حضرت علی عليه السلام نقل می کند: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَظَبْنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ... فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُؤَقِّقَكُمْ لِيَصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ... وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ...»^۳.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یکی از روزها، خطبه ای برای مردم خواند و فرمود: ای مردم همانا رو آورده است بر شما، ماه خداوند (ماه مبارك رمضان) که با برکت و رحمت و مغفرت همراه است... پس از خداوندی که پروردگار شماست بخواهید، با نیت های راست و دل های پاک که شما را موفق بدارد برای روزه گرفتن در این ماه و تلاوت کتابش قرآن کریم... (پس بدانید) هر کس در این ماه آیه ای از قرآن را بخواند، برای او همانند پاداش کسی است که يك ختم قرآن را در غیر ماه مبارك رمضان خوانده باشد.

۱. اصول کافی / ۲ / ۶۱۱ (کتاب فضل القرآن، باب ثواب قراءة القرآن / ۱).

۲. وسائل الشیعه / ۷ / ۲۱۸ باب ۱۷ از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۲.

۳. همان / ۲۲۷-۲۲۸ باب ۱۸ از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۲۰.

۴. انتخاب مکان مناسب برای تلاوت قرآن

همان‌گونه که قرائت قرآن در هر زمانی که انسان آمادگی آن را داشت مناسب است، در هر مکانی که بی‌احترامی به قرآن قلمداد نشود نیز مناسب است، ولی در روایات اسلامی دو مکان است که سفارش بسیاری درباره آنها شده است، یکی «خانه» و دیگر «مسجد».

۱. قرائت قرآن در خانه

در روایات، تأکید فراوان بر قرائت قرآن در منزل وارد شده است، و از تأثیر فراوان و برکات ارتباط با قرآن در خانواده سخن به میان آمده است، صدای نافذ قرآن در فضای خانه، روح و روان اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار داده و آنان را به سوی حقیقت طلبی و انس بیشتر با قرآن سوق می‌دهد.

از امام رضا علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَجْعَلُوا لِبُيُوتِكُمْ نَصِيْباً مِنَ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ، تَيَسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ، وَكَثُرَ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ، وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ، ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ، وَقَلَّ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي نُقْصَانٍ»^۱.
برای خانه‌هایتان سهمی از قرآن قرار دهید؛ زیرا خانه، وقتی در آن قرآن خوانده شود، باعث آسانی و راحتی اهل آن خانه خواهد شد و خیر و برکتش فراوان و ساکنین آن رو به زیادی خواهند رفت و اگر قرآن در آن قرائت نشود بر اهلش تنگ گرفته و خیر و برکتش اندک گشته و ساکنین آن رو به کمی خواهند گذاشت.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «نُورُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَلَا تَتَّخِذُوهَا قُبُوراً كَمَا

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۵۱-۸۵۰ باب ۱۶ از ابواب قراءة القرآن، ح ۵.

فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَلَّوْا فِي الْكِنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَظَلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا»^۱.

خانه‌های تان را با تلاوت قرآن نورانی کنید، و آن را همچون گورستان قرار ندهید آن‌گونه که یهود و نصاری چنین کردند. در کنیسه‌ها و معابدشان نماز خواندند و خانه‌هایشان را معطل گذاشتند. همانا خانه هرگاه در آن تلاوت قرآن افزون گردد، خیر و برکتش فراوان گشته و اهل آن خانه به وسعت می‌رسند (و مورد عنایات گسترده الهی قرار خواهند گرفت) و آن خانه برای اهل آسمان روشنی می‌بخشد آن‌گونه که ستارگان آسمان برای اهل دنیا روشنی می‌بخشند.

۲. قرائت قرآن در مساجد

یکی از مکان‌هایی که سفارش شده که در آنجا، قرآن خوانده و آموزش داده شود، مساجد است.

در صدر اسلام تا به امروز، مساجد محلی برای اقامه نماز، آموزش و قرائت قرآن، و محلی برای تحصیل معارف اسلامی بوده است و این سُنَّتِ حَسَنَه (راه و روش نیکو) به خاطر تأکید و سفارش فراوان پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بوده است و برای نماز و قرائت قرآن در مساجد، اجروپاداش مضاعفی بیان فرموده‌اند، تا مساجد پایگاهی برای تعلیم و تعلّم معارف دین باشد.

از پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ...»^۲.

هیچ قومی جلوس نکردند در مجلسی از مساجد خداوند، در حالی که کتاب خداوند را تلاوت می‌کنند و آن را در میان خود به بحث و گفتگو می‌گذارند، مگر اینکه آرامش الهی به تدریج بر آنان نازل می‌گردد و رحمت الهی، آنان را در بر

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۵۰ باب ۱۶ از ابواب قراءة القرآن، ح ۴ و ج ۳ (باب ۶۹ از احکام المساجد).

۲. مستدرک الوسائل / ۱ / ۲۲۷ باب ۳ از ابواب احکام المساجد، ح ۲۰.

می‌گیرد و خداوند آنان را در زمره مقربین درگاهش یاد می‌نماید.
و در حدیث دیگری از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ...»^۱

کسی که قرآن سخنش و مسجد خانه‌اش باشد، خداوند برایش خانه‌ای در بهشت، بنا می‌کند.

و در روایت دیگری امام زین‌العابدین علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشَّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ، فَقُولُوا: فَضَّ اللَّهُ فَاكًا، إِنَّمَا تُصِيبُ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^۲.

(هرگاه) شنیدید کسی در مسجد، شعر می‌گوید (به او) بگویید: خداوند دهانت را بشکند؛ همانا مساجد برای قرآن، پایه‌گذاری شده است.

با توجه به جایگاه و موقعیت بعضی از مساجد، به عبادت در بعضی از مساجد، سفارش بیشتری شده است.

امام باقر علیه السلام به ابی حمزه ثمالی فرمودند: «الْمَسَاجِدُ الْأَرْبَعَةُ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَمَسْجِدُ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله وَمَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَمَسْجِدُ الْكُوفَةِ، يَا أَبَا حَمْزَةَ، الْفَرِيضَةُ فِيهَا تَعْدِلُ حَجَّةً وَالنَّافِلَةُ تَعْدِلُ عُمْرَةً»^۳.

مساجد چهارگانه، «مسجد الحرام، مسجد پیامبر، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه»، (ثواب) نماز واجب در آن، معادل (ثواب) حج (واجب) است و (ثواب) نماز نافله، معادل (ثواب) عُمرة (مستحبی) است.

و با توجه به احادیث فراوانی که سفارش شده، نماز را در مساجد به جا آورید و برای

۱. همان / ۲۲۶، ح ۷.

۲. وسائل الشیعه / ۳ / ۴۹۳ باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، ح ۱.

با توجه به اینکه بیشتر اشعار عرب در صدر اسلام، در رابطه با دنیا بوده است، از این رو پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله شعرگویی در مساجد را نهی فرمودند تا مسجد، محلی برای عبادت و قرآن باشد، و این نهی دلالت بر کراهت دارد، والا اگر اشعار در رابطه با دعوت به خداوند باشد اشکالی ندارد، همان‌گونه که از روایات دوم و چهارم همین باب، استفاده می‌شود.

۳. من لایحضره الفقیه / ۲ / ۱۴۸ فی فضل المساجد و حرمتها، ح ۵.

آن، اجرو پاداش فراوانی قائل شده‌اند، بسیار شایسته و بجاست که مسلمانان، جلسات قرآن را در مساجد (که به فرموده پیامبرگرمی اسلام ﷺ برای قرآن بنا نهاده شده‌اند) برگزار نمایند تا اضافه بر آبادانی مساجد و استفاده از قرآن‌های موجود در محل، از ثواب و پاداش مضاعفی نیز برخوردار شوند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ، وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَّالٍ، وَمُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ».^۱ سه چیز است که نزد خداوند شکایت می‌کنند؛ مسجد ویرانی که اهالی آن (محل) در آن نماز نمی‌گذارند، دانشمندی که میان جاهلان است (و از علم او بهره نمی‌برند) و قرآن رها شده (و بلا استفاده) ای که غبار بر آن نشسته باشد و خوانده نشود.

احکام قرائت در مساجد

مساجد و زیارت‌گاه‌ها از مشترکات بوده و عموم مسلمین در آنها شریکند و در استفاده از آنها همه مساوی هستند، پس اگر کسی برای نماز یا عبادت یا زیارت یا قرائت قرآن یا دعا حتی تدریس و وعظ و... به جایی از مسجد یا زیارتگاه سبقت گیرد، کسی حق مزاحمت او را ندارد،^۲ بلکه بعید نیست که نماز جماعت و یا فردی مقدم بر سایر اغراض باشد.

۱. وسائل الشیعة / ۱ / ۴۸۴ باب ۵ از ابواب احکام المساجد، ج ۱.

۲. تحریر الوسيلة، امام خمینی رحمته الله، کتاب احیاء الموات والمشرکات، م ۱۵ و ۱۹.

۵. رو به قبله بودن

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱

«از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجد الحرام کن، این دستور حقی است از طرف پروردگارت، و خداوند از آن چه شما انجام می‌دهید غافل نیست.»

جهتی که به آن رو می‌کنیم و به نیایش خداوند می‌پردازیم، «قبله» نام دارد. گرچه به هر سو که بایستیم رو به خداست، ولی توجه به يك کانون مقدس مانند کعبه، الهام بخش توحید و یادآور خط توحیدی ابراهیم علیه السلام است.

در آغاز اسلام، سال‌ها قبله مسلمانان، «بیت المقدس» بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌خواست کعبه را که به صورت بتخانه درآمده بود، قبله عبادت قرار دهد. ولی پس از هجرت، شرایطی پیش آمد که قبله مسلمانان از «بیت المقدس» به «مسجد الحرام» تغییر یافت. یکی از علل آن، زخم زبان‌هایی بود که یهودیان به مسلمین می‌زدند و می‌گفتند: شما خودتان قبله ندارید و به سوی قبله ما نماز می‌خوانید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله از این وضع، آشفته بود و انتظار گشایشی را از سوی خدا می‌کشید، که آیات قرآن نازل شد و دستور آمد که هر کجا هستید، رو به «مسجد الحرام» بایستید و نماز بخوانید. آیات تغییر قبله، در طول تاریخ به مسلمانان این درس را می‌دهد که مستقل و آزاد باشند و زیر بار منت دیگران، حتی در مسائل عبادی هم

نروند و شرافتمندانه زندگي كنند.

مسلمانان، بايد در عبادت، روبه كعبه كنند، حتى در كارهايي همچون خواب و خوراك، خوب است به سمت قبله باشند. ذبح حيوانات بايد روبه قبله باشد، وگرنه گوشت آنها حرام مي شود. اين جهت گيري در همه امور به سوي كعبه توحيد، درس ايمان و ياد خدا به مسلمانان مي دهد تا همواره توجه به خانه محبوب و معبود داشته باشند و از غفلت به درآيند.^۱

روايات قبله

در كتاب روايي وسائل الشيعه آمده است كه از ائمه ما عليهم السلام روايت شده است:

«خَيْرُ الْمَجَالِسِ مَا اسْتَقْبَلَ بِهِ الْقِبْلَةَ».^۲

بهتر نشست ها، نشست هايي است كه روبه روي قبله باشد.

احكام قبله

مستحب است روبه قبله كردن در چند موضع: حالت دعاء، و حالت «قرايت قرآن» و حالت ذكر و حالت تعقيات (نماز) و حالت سجده شكر و سجده تلاوت بلكه حالت نشستن مطلقاً (هر نشستني).^۳

۱. پرتوي از اسرار نماز، محسن قرائتي / ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. وسائل الشيعه / ۸ / ۴۷۵، باب استحباب القبلة في كل مجلس من ابواب احكام العشرة.

۳. عروة الوثقى، فيما يستقبل القبلة، مسأله ۳.

۶. اخلاص در تلاوت قرآن

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ * أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾^۱
«ما این کتاب را به حق برتوناازل کردیم، پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان * آگاه باشید، دین خالص از آن خداست».

ممکن است منظور از «دین» در اینجا «عبادت خداوند» باشد، زیرا قبل از آن با جمله ﴿فَاعْبُدِ اللَّهَ﴾ دستور می‌دهد، بنابراین دنباله آن، که ﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ است، شرط صحت عبادت یعنی اخلاص و خالی از هرگونه شرک و ریا و غیر خدا بودن را بیان می‌کند.

با این حال وسعت مفهوم «دین» و عدم هیچ‌گونه قید و شرط در آن، معنی گسترده‌تری را می‌رساند که هم عبادت را شامل می‌شود و هم اعمال دیگر و هم اعتقادات را، به تعبیر دیگر «دین»، مجموعه حیات معنوی و مادی انسان را در بر می‌گیرد و بندگان خالص خدا باید تمام شؤون زندگی خود را برای او خالص گردانند، غیر او را از خانه دل و صحنه دل و میدان عمل و دایره گفتار بزدایند، به او بیندیشند و برای او دوست بدارند، از او سخن بگویند و به خاطر او عمل کنند و همیشه در راه رضای او گام بردارند که «اخلاص دین» همین است.

در آیه بعد، بار دیگر روی مسأله «اخلاص» تأکید کرده می‌گوید: آگاه باشید، دین خالص از آن خداست ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...﴾.

آنچه خدا می‌پذیرد، تنها «دین خالص» است و تنها تنها تسلیم بی‌قید و شرط در

برابر فرمان او است و هرگونه شرك و ریا و آمیختن قوانین الهی به غیر آن، مردود و مطرود است.^۱

روایات اخلاص

حضرت صادق علیه السلام در تفسیر فرموده خداوند متعال «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» می فرماید: «لَيْسَ يَعْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا وَلَكِنْ أَصَوَّبَكُمْ عَمَلًا وَإِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَالنِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَالْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ: الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى...».^۲

منظور عمل بیشتر نیست، بلکه منظور این است که کدام یک صحیح تر عمل می کنید، و عمل صحیح آن است که توأم با خداترسی و نیت پاک باشد، سپس فرمود: نگهداری عمل از آلودگی (به ریا و نیت نادرست) مشکل تر است از خود عمل، و عمل خالص، عملی است که نخواهی هیچ کس جز خداوند متعال ترا به خاطر آن ستایش کند.

و در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يَأْكُلُ بِهِ النَّاسُ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ لَا لَحْمَ فِيهِ».^۳

«هر کس قرآن را بخواند تا از این راه (نانی) بخورد، روز قیامت می آید در حالی که در صورت او جز استخوان، چیزی نیست».

و در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «إِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ: فُلَانٌ قَارِئٌ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَلَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَنْتَفِعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَلَيْلِهِ وَنَهَارِهِ».^۴

«همانا برخی از مردم، قرآن را می خوانند تا مردم بگویند فلانی قاری قرآن است و برخی دیگر قرآن را می خوانند برای به دست آوردن مال دنیا، در این گونه قرائت ها

۱. تفسیر نمونه / ۱۹ / ۳۶۴ - ۳۶۵.

۲. کافی / ۲ / ۱۶ (کتاب الایمان و الکفر، باب الاخلاص، ح ۴).

۳. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۳۷ باب ۸ از ابواب قراءه القرآن، ح ۷.

۴. همان / ۸۳۶، ح ۲.

هیچ خیری نیست و برخی از مردم قرآن را می‌خوانند تا از راهنمایی‌های آن بهره‌مند شوند و در نماز و در هر حال، شب و روز از آیات الهام بخش قرآن بهره‌مندی و فکری بردارند.

از پیامبر ﷺ نقل شده است: «وَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ سُمْعَةً وَالتَّمَّاسَ الدُّنْيَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهُهُ عَظِيمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ وَرَجَّ الْقُرْآنُ فِي قَفَاهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ يَهْوِي فِيهَا مَعَ مَنْ هَوَى... وَمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ وَتَفَقُّهَا فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ جَمِيعِ مَا أُعْطِيَ الْمَلَائِكَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلُونَ...»^۱

کسی که قرآن را از روی تظاهر و ریا و برای به دست آوردن مال دنیا بخواند، در روز قیامت محشور می‌شود در حالی که در صورت او جز استخوان چیز دیگری نیست و قرآن از پشت به او می‌کوبد تا داخل آتشش کند (و در شعله‌ها رهاش می‌سازد) و در آتش داخل می‌شود به همراه داخل شوندگان....

و کسی که قرآن را جهت خوشنودی خداوند و آگاهی در دین قرائت نماید برای او اجر است همانند پاداشی که به فرشتگان و پیامبران و رسولان خدا شده است.

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۳۷ و ۸۳۸ باب ۸ از ابواب قراءة القرآن، ح ۸.

احکام اخلاص

در نماز و مطلق عبادات (همچون قرائت قرآن)، خالص بودن نیت از ریا شرط است، پس اگر آنها را به قصد ریا انجام دهد آن عبادت باطل خواهد شد. ریا از گناهان کبیره است زیرا شرك به خداوند متعال است.^۱

انواع ریا در عبادت (قرائت قرآن)

تقسیم‌بندی ذیل برداشتی است از توضیح انواع ریا در عبادات که از کتاب عروة الوثقی مبحث نیت نماز استفاده شده.

۱. قرائت، صرفاً برای خودنمایی باشد؛
۲. قرائت، هم برای خدا و هم برای خودنمایی باشد؛
۳. قرائت بعضی از آیات برای خدا و بعضی دیگر برای خودنمایی باشد؛
۴. اصل قرائت برای خدا باشد ولی بعضی از مستحبات قرائت برای خودنمایی باشد، مثلاً هنگام رسیدن به آیات بهشت و جهنم، از خداوند طلب بهشت نماید و از عذاب جهنم به خدا پناه برد و قاری این عمل را برای خودنمایی انجام دهد؛
۵. قرائت برای خدا باشد ولی مکان یا زمانی را که برای قرائت قرآن انتخاب کرده برای خودنمایی باشد؛
۶. قرائت برای خدا باشد ولی اوصاف عمل، ریایی باشد، مثلاً با صدای خیلی نیکو و یا چند آیه را با يك نفس بخواند تا مردم خوششان بیاید و او را تحسین کنند؛
۷. قرائت برای خدا باشد ولی اعمال خارجی ریایی باشد، مثلاً لباسی را انتخاب می‌کند تا جلب توجه بیشتری نماید و یا به نحوی می‌نشیند که برای مردم تازگی داشته باشد.

۱. عروة الوثقی، فی النیة، مسأله ۸.

۷. درود فرستادن بر محمد و آل محمد

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱
«خداوند و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، براو درود فرستید و سلام گوید و تسلیم فرمائش باشید».

خداوند متعال در این آیه از مؤمنین خواسته است که بر پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود فرستند و تسلیم دستورات آن بزرگوار باشند و این فرمان (دستور) اختصاص به زمان معینی ندارد، از این رو مسلمانان به محض شنیدن نام آن حضرت، براو و خاندانش درود می فرستند.

یکی از بهترین اوقاتی که لازم است بر آن حضرت و خاندانش درود فرستاده شود، زمانی است که قرآن کریم را برای تلاوت کردن به دست می گیریم، در این وقت برای قدرشناسی از صاحب این معجزه الهی و مُعَلِّم و مُفَسِّر بزرگ قرآن کریم حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامی او عَلَيْهِمُ السَّلَام که زحمات طاقت فرسایی را جهت گسترش تعالیم قرآن کریم متحمل شده اند، یاد آن بزرگواران را در دل خود زنده سازیم و بر آنها درود بفرستیم.

روايات درود فرستادن و نحوه آن

در تفسير «درالمنثور» در ذيل همين آيه با سندهاى متعدد نقل مى كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله در جواب سؤال كنندگانى كه كيفيت صلوات را مى پرسيدند، چنين فرمودند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^۱.

خداوند! درود بفرست بر محمد و آل محمد، همان گونه كه درود فرستادى بر ابراهيم و آل ابراهيم، همانا تو ستوده و بزرگوارى و مبارك گردان بر محمد و آل محمد، همان گونه كه مبارك گرداندى بر ابراهيم و آل ابراهيم، همانا تو ستوده و بزرگوارى.

«ابن حجر» در «صواعق» چنين نقل مى كند: پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله فرموده اند: «لَا تُصَلُّوا عَلَى الصَّلَاةِ الْبَتْرَاءِ، فَقَالُوا وَمَا الصَّلَاةُ الْبَتْرَاءُ؟ قَالَ صلى الله عليه وآله: تَقُولُونَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَتُسَكِّنُونَ، بَلْ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»^۲.

هرگز بر من صلوات ناقص نفرستيد، عرض كردند: صلوات ناقص چيست؟ حضرت فرمودند: اينكه فقط بگوئيد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» و ادامه ندهيد؛ بلكه بگوئيد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

امام صادق عليه السلام از پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه وآله نقل مى كند: «صَلَّاتُكُمْ عَلَى إِجَابَةِ لِدُعَائِكُمْ وَزَكَاةُ لِعَمَالِكُمْ»^۳.

درود شما بر من، (مايه) اجابت است براى دعاهاى شما و زكات است براى اعمالتان.

اباذر از پيامبر گرامى اسلام صلى الله عليه وآله نقل مى كند: «لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مُحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي»^۴.

۱. تفسير دُرِّ الْمَنْشُور / ۵ / ۲۱۵-۲۲۰؛ مجمع البيان / ۷ / ۳۶۹.

۲. تفسير نمونه / ۱۷ / ۴۲۰ به نقل از صواعق / ۱۴۴.

۳. وسائل الشيعة / ۴ / ۱۱۳۸ باب ۳۶ از ابواب الدعاء، ح ۱۵.

۴. همان، ح ۱۳.

پیوسته دعا اجابت نمی شود تا اینکه بر من و اهل بیتم، درود فرستاده شود.
امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ»^۱.

همه دعاها (اجابت نمی شوند) و پوشیده می ماند از آسمان، تا اینکه درود فرستاده
شود بر محمد و آل محمد.

۱. همان، ح ۱۶.

احکام صلوات

آیا فرستادن صلوات بر پیامبر ﷺ واجب است یا نه؟ و اگر واجب است در کجا واجب می باشد؟ این سؤالی است که فقها به آن پاسخ می گویند: «تمام فقهای اهل بیت، آن را در تشهد اول و دوم نماز واجب می دانند^۱ و در غیر آن مستحب» و علاوه بر احادیثی که از طرق اهل بیت علیهم السلام در این زمینه رسیده، در کتب اهل سنت نیز روایاتی که دالّ بر وجوب است، کم نمی باشد؛ از جمله در روایت معروفی، عایشه می گوید: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَقْبَلُ صَلَاةٌ إِلَّا بِطَهْوٍ وَبِالْصَّلَاةِ عَلَيَّ». نماز بدون طهارت و درود بر من قبول نخواهد شد.

از فقهای اهل سنت، شافعی آن را در تشهد دوم واجب می داند و احمد در یکی از دوروایتی که از او نقل شده و جمعی دیگر از فقها، ولی بعضی مانند ابو حنیفه آن را واجب نشمرده اند.

جالب اینکه شافعی، همین فتوا را در شعر معروفش صریحاً آورده است، در آنجا که می گوید:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضَ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ إِنَّكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لِاصَّلَاةِ لَهُ

ای اهل بیت رسول الله؛ محبت شما از سوی خداوند در قرآن واجب شده است، در عظمت مقام شما همین بس که هر کس بر شما «صلوات» نفرستد، نمازش باطل است.^۲

۱. عروة الوثقی، فصل فی التشهد.

۲. تفسیر نمونه / ۱۷ / ۴۲۱.

۸. دعای پیش از تلاوت

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت قبل از قرائت قرآن کریم، هنگامی که قرآن را به دست می گرفتند، (در حدیث دیگر آمده است که قرآن را به دست راست می گرفتند) این دعا را می خواندند:

«اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّ هٰذَا کِتَابُکَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِکَ عَلٰی رَسُوْلِکَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِاللهِ صلی الله علیه و آله، وَکَلَامُکَ النَّاطِقُ عَلٰی لِسَانِ نَبِیِّکَ، جَعَلْتَهُ هَادِیًّا مِنْکَ اِلٰی خَلْقِکَ وَحَبَلًا مُّتَّصِلًا فِیْمَا بَیْنِکَ وَبَیْنَ عِبَادِکَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ نَشَرْتُ عَهْدَکَ وَکِتَابَکَ، اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِیْ فِیْهِ عِبَادَةً، وَقِرَائَتِیْ فِیْهِ فِکْرًا، وَفِکْرِیْ فِیْهِ اَعْتِبَارًا، وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ اتَّعَظَ بِبَیَانِ مَوَاعِظِکَ فِیْهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِیْکَ، وَلَا تَطَّعَ عِنْدَ قِرَائَتِیْ عَلٰی سَمْعِیْ، وَلَا تَجْعَلْ عَلٰی بَصْرِیْ غِشَاوَةً، وَلَا تَجْعَلْ قِرَائَتِیْ قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِیْهَا، بَلِّ اجْعَلْنِیْ اَتَدَبَّرُ اَیَاتِیْهِ وَ اَحْکَامَهُ، اَخِذْ بِشَرَائِعِ دِیْنِکَ، وَلَا تَجْعَلْ نَظْرِیْ فِیْهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَائَتِیْ هَذَرًا، اِنَّکَ اَنْتَ الرَّؤُوْفُ الرَّحِیْمُ»^۱

خداوندا، من گواهی می دهم که این همان کتاب تو است که فرو فرستاده شده از سوی تو بر پیامبرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، و زبان گویای توست که بر زبان پیامبرت جاری گشته است، تو آن را از سوی خویش، راهنمای خلق و ریسمانی (وسیله ارتباط) میان خود و بندگان قرار داده ای.

خداوندا، من پیمان و کتابت را گشودم، از این رو خدایا، نگاهم را در آن عبادت و خواندنم را (همراه با) اندیشه، و اندیشه ام را در آن، مایه عبرت قرار ده، و مرا از کسانی قرار ده که با اندرزهای آن پند گیرد و از نافرمانی تو بر حذب باشد، و برگوشم

۱. بحار الأنوار/۹۲/۲۰۷ (باب ادعیه التلاوة).

به هنگام خواندن آن مُهرمگذار و برچشمم، پرده میپوشان، و تلاوتم را تلاوتی که در آن اندیشه نباشد قرار مده، بلکه مرا آنگونه بدار که در آیات واحکامش بیندیشم، و قوانین آیین تورا به کار بندم، و نگاهم را در آن مایه غفلت و تلاوتم را بیهوده گویی قرار مده که تو خود مهربان و بخشایشگری.

۹. اِسْتَعَاذَه (پناه بردن به خداوند)

«اِسْتَعَاذَه»، در لغت به معنای: «پناه خواستن، پناه بردن» است. و در اصطلاح قرائت: گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است. ابتدا و شروع قرآن کریم، براساس دستور خداوند در قرآن کریم، باید با «اِسْتَعَاذَه» باشد.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱

«هنگامی که قرآن می خوانی، به خداوند پناه ببر از شر شیطان رانده شده». این آیه طرز استفاده از قرآن مجید را بیان می کند، زیرا پربار بودن محتوای قرآن به تنهایی کافی نیست، باید موانع نیز از وجود ما و از محیط فکر و جان ما برچیده شود تا به آن محتوای پربار دست یابیم. البته منظور تنها ذکر جمله «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» نیست، بلکه تخلّق به آن شرط است یعنی ذکر این جمله، مقدمه تحقق حالتی در نفس و جان انسان گردد؛ حالت توجّه به خدا، حالت جدایی از هوی و هوس های سرکش که مانع فهم و درک صحیح انسان است، حالت بیگانگی از تعصب ها و غرورها و خودخواهی ها و خودمحوری هایی که انسان را وادار می کند که از همه چیز، حتی از سخنان خدا به نفع خواسته های انحرافیش استفاده کند. و تا چنین حالتی در روح و جان انسان پیدا نشود، درک حقایق قرآن برای او ممکن نیست، بلکه به عکس ممکن است قرآن را با توّسل به «تفسیر به رأی» وسیله ای قرار دهد برای توجیه خواسته های

شرک آلودش.^۱

نکته: چهره حقیقت هر قدر آشکار و درخشان باشد تا در برابر دیده بینا قرار نگیرد، درک آن ممکن نیست، و به تعبیر دیگر برای شناختن حقایق، دو چیز لازم است: آشکار شدن چهره حق و دارا بودن وسیله دید و درک.

اما چه چیز باعث می شود که انسان از دیدن و شنیدن آیات حق محروم شود؟ بدون شک در درجه اول، پیش داوری های غلط، هوی و هوس های نفسانی، تعصب های کورکورانه افراطی، و گرفتار بودن در چنگال خودخواهی و غرور و خلاصه هر چیزی که صفای دل و پاکی روح انسان را برهم زند و رنگ های تیره و تار به آن می دهد، همه اینها مانع درک حقیقت می باشند.

بنابراین منظور از آیه فوق، این نیست که تنها با گفتم «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قناعت کنیم، بلکه باید این ذکر را تبدیل به فکر و فکر را تبدیل به یک حالت درونی کنیم و به هنگام خواندن هر آیه، به خدا پناه ببریم از اینکه وسوسه های شیطانی، حجاب میان ما و کلام حیات بخش خداوند متعال گردد.^۲

«استعاذه»، «شعار قرائت قرآن کریم است»، از این رو گفته شده که بهتر است با صدای بلند (جهر) خوانده شود تا شنوندگان ساکت شده و به آیات الهی، توجه پیدا کنند.^۳

شاطبی در بیت ۹۵ اشعار «حرز الأمانی و وجه التّهانی» می فرماید:

إِذَا مَا أَرَدْتَ الدَّهْرَ تَقْرَأُ فَاسْتَعِذْ جَهَاراً مِنَ الشَّيْطَانِ بِاللَّهِ مُسَجِّلاً

«هرگاه خواستی قرآن را بخوانی، آشکارا (جهاراً) از شیطان به خداوند پناه ببر که این حکمی شایع است.»

۱. تفسیر نمونه ۳۹۶/۱۱.

۲. تلخیص از تفسیر نمونه ۳۹۹/۱۱.

۳. سرالبیان فی علوم القرآن، ص ۲۶۲.

روایات استعاذه

در کتاب روایی وسائل الشیعه، روایتی نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ قبل از قرائت قرآن، «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می‌گفته است.^۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «أَغْلِقُوا أَبْوَابَ الْمَعْصِيَةِ بِالْإِسْتِعَاذَةِ وَافْتَحُوا أَبْوَابَ الطَّاعَةِ بِالتَّسْمِيَةِ».^۲

درهای معصیت را با «استعاذه» ببندید و درهای اطاعت را با «تسمیه» باز کنید. حلبی می‌گوید از امام صادق علیه السلام در رابطه با حکم استعاذه هنگام شروع هر سوره قرآن کریم پرسیدم، حضرت فرمود: «نَعَمْ، فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ...».^۳ بله، پس پناه ببر به خداوند از شیطان رانده شده.

سماعه از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه» پرسیدم که چگونه بگویم؟ آن حضرت فرمود: تقول: «أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۴

پناه می‌برم به خداوند شنوا و دانا از شر شیطان رانده شده.

در کتاب وسائل الشیعه از حضرت صادق علیه السلام در رابطه با نحوه «استعاذه» نقل می‌کند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۵

در کتاب احتجاج، نحوه اقامه حجت و دلیل، توسط حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برهارون الرشید، این‌گونه بیان می‌کند: وقتی که آن حضرت می‌خواست به آیه‌ای از قرآن، استشهاد نماید، نخست می‌گفت: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سپس آیه را می‌خواندند.^۶

شیخ طوسی، فقیه و مفسر بزرگ شیعه می‌فرماید: کلیه قُرْآن اتفاق دارند برگفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قبل از گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^۷

۱. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۰۱، (باب ۵۷ از ابواب القراءة فی الصلاة).

۲. سفینه البحار / ۲ / ۴۱۷ (باب القاف بعد الزاء، ما يتعلق بالقرآن المجید).

۳. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۵، ح ۶. به نقل از: تفسیر العیاشی / ۲ / ۲۷۰.

۴. تفسیر عیاشی / ۲ / ۲۷۰؛ بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۸، ح ۱۵ و ۱۶.

۵. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۰۱، باب ۵۷ (از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۷).

۶. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۰، ح ۲؛ الاحتجاج / ۲ / ۱۶۴.

۷. التبیان فی تفسیر القرآن / ۱ / ۲۲.

احکام استعاذه

فقه‌های بزرگوار، گفتن «استعاذه» را (پیش از قرائت در رکعت اول) مستحب می‌دانند و در رابطه با نحوه گفتن «استعاذه»، جملات «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را نقل نموده‌اند.^۱ شیخ طوسی در المبسوط (ج ۱، ص ۱۰۴)، «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» را مطابق با لفظ قرآن می‌داند، با این حال عبارت دوم را نیز جایز می‌داند. طبرسی در تفسیر مجمع البیان در ذیل سوره حمد درباره مذاهب قراء سبعة و کیفیت استعاذه ایشان بیان می‌دارد:

۱. ابن کثیر و ابوعمر و عاصم: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛
۲. نافع و ابن عامر و کسائی: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛
۳. حمزه: «نَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۲

۱. عروة الوثقی / ۱ / ۶۶۱ فی مستحبات القراءة.

۲. مجمع البیان / ۱ / ۸۹.

۱۰. تَسْمِيَه (آغاز کردن با نام خداوند)

«بَسْمَلَه»^۱ و «تَسْمِيَه» معادل عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» در زبان فارسی است و به معنای: گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است.

خداوند بزرگ در نخستین آیاتی که بر پیامبرش ﷺ وحی فرمود، دستور می دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام، این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع نماید «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ».

بعضی از مفسرین، کلمه «قرآن» را بعد از «أَقْرَأْ» در تقدیر می دانند، یعنی: «أَقْرَأْ الْقُرْآنَ بِاسْمِ رَبِّكَ» قرآن را با نام پروردگارت بخوان.^۲

از این رو بر مسلمانان نیز لازم است که قرآن را با «بِسْمِ اللَّهِ» شروع کند.

گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» در آغاز هر کار، هم به معنی «استعانت جُستن» به نام خدا است و هم «شروع کردن به نام او» و این دو یعنی «استعانت» و «شروع» لازم و ملزوم یکدیگرند، یعنی هم با نام او شروع می کنم و هم از ذات پاکش استمداد می طلبم.^۳ علمای علم قرائت، جملگی ذکر «بِسْمِ اللَّهِ» آغاز قرائت هر بخشی از قرآن را، لازم می دانند و هیچیک از آنان، آغاز قرائت را بدون «بَسْمَلَه» جایز نمی شمارند.^۴

۱. «بَسْمَلَه»، گفتن یا نوشتن «بِسْمِ اللَّهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است، این مصدر به روش نَحْت (تراشیدن) از عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» ساخته شده، یعنی از کنار هم نهادن پاره ای از حروف يك عبارت ساخته شده اند. (دانشنامه جهان اسلام / ۳ / ۴۲۶).

۲. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۱۵۵.

۳. تفسیر نمونه / ۱ / ۱۵.

۴. النشر فی القراءات العشر، ابن الجزری / ۱ / ۲۶۳.

علاوه بر توصیه‌های عام، نسبت به ذکر «بَسْمَلَه»، در مواردی خاص، مانند اوقات خوردن غذا، نوشتن، رفتن به بستر برای خواب و برخاستن از بستر، تأکید بیشتری شده است، از این رو ذکر «بَسْمَلَه» برای مسلمانان به صورت شعار و نشانه دین اسلام درآمده است و بلند گفتن آن، از نشانه‌های ایمان شمرده می‌شود، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ هنگام تلاوت قرآن، «بَسْمَلَه» را به صدای بلند می‌گفت و مشرکان از او روی می‌گرداندند،^۱ «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّاعِلًا أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا».^۲

«و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی برمی‌گردانند».

روایات بَسْمَلَه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، نخستین عبارت قرآن است که در اول سوره علق بر پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله ﷺ نازل شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: اولین چیزی که بر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نازل شده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ» است و آخرین چیزی که بر آن حضرت نازل شد «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» است.^۳

فَرَاتُ بْنُ أَحْنَفٍ می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمود: «أَوَّلُ كُلِّ كِتَابٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَلَا تُبَالِي إِلَّا تَسْتَعِيدَ، وَإِذَا قَرَأْتَ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سَتَرْتُكَ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».^۴

ابتدای همه کتاب‌هایی که از (طرف خداوند از) آسمان نازل شده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» است، پس وقتی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را خواندی، (بر تو) باکی نیست که «استعاذه» را نگوئی، پس هنگامی که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را

۱. دانشنامه جهان اسلام / ۳ / ۴۲۸.

۲. اسراء / ۴۶.

۳. اصول کافی / ۲ / ۶۲۸ (کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ح ۵).

۴. فروع کافی / ۳ / ۳۱۳ (کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ۳).

خواندی تورا پوشش می دهد (حفظ می کند) آنچه که بین آسمان و زمین است.
ابی حمزه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْهَرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ بِهَا، فَإِذَا سَمِعَهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَوْ مُدْبِرِينَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾»^۱.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره «بسم الله» را بلند می گفت و صدایش را بلند می کرد، پس هنگامی که به گوش مشرکین می رسید، پشت کرده و روی بر می گرداند، پس خداوند (این آیه را) نازل فرمود «و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می کنی، آنها پشت می کنند و از تو روی بر می گردانند».

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُذَكَّرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرٌ»^۲.
هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بی فرجام خواهد بود.

۱. تفسیر العیاشی / ۱ / ۲۰، ح ۶.

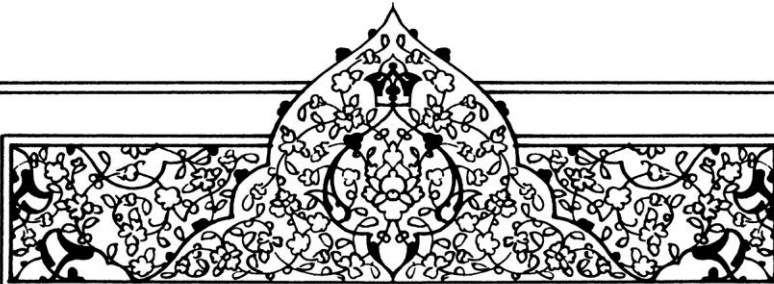
۲. بحار / ۲۶ / ۳۰۵.

احکام تَسْمِيَّه

۱. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ جزئی از هر سوره است و خواندن آن واجب است به استثنای سوره براءت (که «بِسْمِ اللَّهِ» ندارد).
۲. ... اگر کسی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را به قصد سوره خاصی بگوید، در صورتی که از آن سوره به سوره دیگری عدول کند، به آن «بِسْمِ اللَّهِ» نمی‌تواند اکتفا کند بلکه واجب است «بِسْمِ اللَّهِ» را [به نیت سوره مورد نظر] اعاده نماید.
۳. اگر کسی ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را برای سوره خاصی مشخص نماید و سپس فراموش کند که کدام سوره را مشخص کرده؟ واجب است برای هر سوره‌ای که اختیار می‌کند «بِسْمِ اللَّهِ» جداگانه‌ای بگوید.
۴. اگر کسی بدون اینکه سوره‌ای را مشخص نماید، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بگوید در این صورت می‌تواند هر سوره‌ای که خواست بعد از آن بخواند.^۱
۵. مستحب است بلند گفتن «بِسْمِ اللَّهِ» در نماز ظهر و عصر، برای حمد و سوره.^۲

۱. عروة الوثقی / ۱ / ۶۴۶-۶۴۸ فی احکام القراءه، مسأله ۸ الی ۱۳.

۲. همان / ۶۵۰، مسأله ۲۱.



فصل دوم: آداب و احکام هنگام تلاوت

۱. از رو تلاوت کردن قرآن؛
۲. قرائت قرآن با لحن عربی؛
۳. قرائت قرآن با ترتیل؛
۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین؛
۵. تدبیر و به جا آوردن حق آیات؛
۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن؛
۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار؛
۸. مقدار تلاوت قرآن؛
۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است؛
۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است؛
۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است؛
۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد.

۱. از رو تلاوت کردن قرآن

از رسول الله ﷺ روایت شده است: «أَفْضَلُ عِبَادَةٍ أُمِّي تَلَاوَةُ الْقُرْآنِ نَظْرًا».^۱
«برترین عبادت اُمّت من، تلاوت قرآن با نگاه کردن روی متن آن است».
در احادیثی که از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام نقل گردیده است، سفارش بسیار شده که «قرائت قرآن از روی متن آن و همراه با نگاه کردن روی آیات باشد»، هر چند قاری قرآن، آیاتی را که تلاوت می کند از حفظ باشد و برای این نوع قرائت، آثار و بهره هایی ذکر کرده اند.
اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم، من قرآن را بر صفحه دلم از بَرَم، پس از بَر بخوانم بهتر است و یا اینکه در قرآن بنگرم (و بخوانم)؟ حضرت فرمود: «بَلْ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ، فَهُوَ أَفْضَلُ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ؟».^۲
«بلکه در قرآن نگاه کنی و بخوانی بهتر است، مگر نمی دانی که «نگاه کردن در قرآن عبادت است؟».
و در روایتی دیگر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ، مُتِّعَ بِبَصَرِهِ، وَخُفِّفَ عَنِ الدَّيَةِ وَإِنْ كَانَ كَافِرِينَ».^۳
«کسی که قرآن را از روی آن بخواند، چشمش بهره مند می شود و بارگناه پدر و مادرش سبک می گردد هر چند هر دو کافر باشند».

۱. محجة البيضاء / ۲ / ۲۳۱ به نقل از کتاب آداب المتعلمين علامه طوسی رحمه الله.

۲. اصول کافی / ۲ / ۶۱۳ باب قراءة القرآن في المصحف، ح ۵.

۳. اصول کافی / ۲ / ۶۱۳ باب قراءة القرآن في المصحف، ح ۱.

علت اين همه سفارش بر نگاه كردن در قرآن در هنگام قرائت، اضافه بر بهره‌مند شدن چشم و نقش بستن آيات بر صفحه دل، تأثير اين نوع قرائت است در تمرکز حواس و زمينه‌سازي جهت تفكر و تدبر در آيات تلاوت شده. بديهي است كه اين نوع قرائت، نقش سازندگي خاصي در خودسازي مسلمانان خواهد داشت، از اين رو براي شيطان (كه هدفش بازدارندگي از خودسازي است) سخت‌ترين حالت است. از پيامبر اكرم عليه السلام نقل شده است: «لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا»^۱.

«سخت‌ترين حالت براي شيطان، قرائت قرآن با نگاه كردن روي آن است».

يادسپاري: قرائت قرآن در نماز، از روي نوشته قرآن كراهت دارد.

۱. وسائل الشيعه / ۴ / ۸۵۳ باب ۱۹ از ابواب قراءه القرآن، ح ۲.

۲. قرائت قرآن با لحن عربی

قرآن به لغت عرب نازل گشته است و آیات متعددی براین امر دلالت دارد از این رو بر مسلمانان است که با لغت و زبان عرب آشنا شده و قرآن را با لحن عربی تلاوت نمایند.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱
﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۲

روایات قرائت قرآن با لحن عربی

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ فَإِنَّهَا كَلَامُ اللَّهِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ خَلْقَهُ»^۳.

«عربی را فرا گیرید، زیرا عربی کلام خداوند است که به وسیله آن با خلقش گفتگو کرده است».

و در روایتی دیگر حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ»^۴.

«قرآن را به صورت عربی آن فرا بگیرید».

و در روایتی دیگر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «أَعْرَبِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ»^۵.

۱. یوسف / ۲. «ما قرآن را عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید و بیندیشید».

۲. زخرف / ۳. «ما آن را قرآنی (فصحیح و) عربی قرار دادیم، شاید شما درک کنید».

۳. تفسیر نور الثقلین / ۲ / ۴۰۹ ذیل آیه ۲ سوره یوسف.

۴. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۱.

۵. کافی / ۲ / ۶۱۵ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۵).

«فصاحت ورسایی قرآن را آشکار سازید، زیرا قرآن به صورت عربی فصیح است». البته این در صورتی است که یادگیری قرآن با لحن عربی، برای افراد غیر عرب امکان پذیر باشد در غیر این صورت همان قرائت معمولی از آنها پذیرفته خواهد شد.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعَجْمِيَّةٍ فَتَرْفَعُهُ الْمَلَائِكَةُ عَلَى عَرَبِيَّةٍ»^۱. «غیر عرب زبانان از امت من، قرآن را به لهجه عجمی خود می خوانند ولی فرشتگان آن را با لحن عربی بالا می برند».

۱. کافی / ۲ / ۶۱۹ (باب ان القرآن یرفع کما انزل، ح ۱).

۳. قرائت قرآن با ترتیل

﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾^۱

یکی از آدابی که رعایت آن، چه در نماز و چه در غیر نماز مستحب مؤکد است، قرائت قرآن با ترتیل می باشد.

«ترتیل»، در لغت به معنای: «منظم بودن و مرتب بودن» است؛^۲ و در اصطلاح قرائت: «خواندن قرآن است به صورت منظم و شمرده که حروف و کلمات صحیح ادا شوند، همراه با تدبّر در معانی آیات».

در رابطه با معنای ترتیل، عبارتی به همین مضمون از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده است: «الَّتَرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَبَيَانُ الْحُرُوفِ».^۳

«ترتیل»: «انتخاب محل مناسب برای وقف کردن و تلفظ صحیح حروف است».

در تفسیر «ترتیل» روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل گردیده که هر کدام به یکی از ابعاد وسیع آن اشاره می کند.

در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم که: «بَيِّنُهُ تَبْيَانًا وَلَا تَهْذُهُ هَذَا الشَّعْرُ وَلَا تَنْشُرُهُ نَشْرَ الرَّمْلِ وَلَكِنْ اقْرَعْ بِهِ الْقُلُوبَ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمٌّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ».^۴

۱. مزمل / ۴. «و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».

۲. تفسیر نمونه / ۲۵ / ۱۰۰.

۳. تفسیر صافی / ۱ / ۴۵ و در بحار / ۶۷ / ۳۲۳، «حفظ الوقوف و اداء الحروف» آمده و در کتاب النشر فی القراءات العشر / ۱ / ۲۰۹ «تجوید الحروف و معرفة الوقوف»، مضمون هر سه عبارت یکی است.

۴. مجمع البیان / ۱۰ / ۳۷۸. همین حدیث با مختصر تفاوتی در اصول کافی / ۲ / ۶۱۴ باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱ آمده: «وَلَكِنْ افْرَعُوا قُلُوبَكُمْ الْقَاسِيَةَ وَلَا يَكُنْ هَمٌّ أَحَدِكُمْ آخِرُ السُّورَةِ».

«ترتیل» یعنی: (حروف و کلمات) آن را به طور روشن ادا کن، نه همچون شعر آن را با سرعت پشت سرهم بخوان و نه مانند دانه های شن آن را پراکنده کن، لکن چنان بخوان که دل های سنگین را با آن بکوبی و بیدار کنی، هرگز هدف شما این نباشد که به آخر سوره برسید (بلکه مهم اندیشه و تدبر و بهره گیری از قرآن است).

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام در تفسیر «ترتیل» می خوانیم: «إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَسَلِّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۱.

«هنگامی که به آیه ای می رسی که در آن بیان بهشت است، توقف کن و از خدا بهشت را بطلب (و خود را برای آن بساز) و هنگامی که به آیه ای برخورد می کنی که در آن نام آتش دوزخ است از آن به خدا پناه بر (و خویشتن را از آن دور دار)». در روایت دیگری از همان امام علیه السلام آمده که در تفسیر «ترتیل» فرموده است: «هُوَ أَنْ تَتَمَكَّثَ فِيهِ وَتُحَسِّنَ بِهِ صَوْتَكَ»^۲.

«ترتیل آن است که آیات را با تأثی، و با صدای زیبا بخوانی».

و نیز در حدیث دیگری از همان حضرت چنین نقل شده است: «إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذَرَمَةً وَلَكِنْ يُرْتَلُّ تَرْتِيلاً إِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ وَقِفْتَ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْتَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ...»^۳.

«قرآن را سریع و تند نباید خواند، بلکه باید با ترتیل خوانده شود، هرگاه از آیه ای می گذری که در آن سخنی از دوزخ است، می ایستی و از آتش دوزخ به خدا پناه میبری».

و بالاخره در حالات پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت آیات را از یکدیگر جدا می کرد و صدای خود را می کشید.^۴

۱. مجمع البیان / ۱۰ / ۳۷۸ - همین حدیث با مختصر تفاوتی در اصول کافی / ۲ / ۶۱۷ باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۲ آمده: «فَقِفْ عِنْدَهَا وَسَلِّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ... فَقِفْ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْ...».

۲. همان / ۳۷۸.

۳. اصول کافی / ۲ / ۶۱۸ (باب فی کم یقرأ القرآن ویختم، ح ۵).

۴. مجمع البیان / ۱۰ / ۳۷۸. (یعنی بر آخر آیات، وقف می کرد، و حروف مدّی را با دو حرکت مدّ و کشش می خواند).

این روایات و روایات دیگری که به همین مضمون در «اصول کافی» و «نور الثقلین» و «دُرِّ المَنثور» و سایر کتب «حدیث» و «تفسیر» نقل گردیده، همگی گواه بر این حقیقت است که نباید آیات قرآن را به عنوان الفاظی خالی از محتوا و پیام، تلاوت کرد بلکه باید به تمام اموری که تأثیر آن را در خواننده و شنونده عمیق می‌سازد، توجه داشت و فراموش نکرد که این پیام الهی است و هدف، تحقق بخشیدن به محتوای آن است.^۱

بدیهی است چنین قرآن خواندنی می‌تواند به سرعت به انسان رشد و نمو معنوی و شهادت اخلاقی و تقوا و پرهیزگاری ببخشد و اگر بعضی از مفسران آن را به معنی نماز خواندن تفسیر کرده‌اند به خاطر آن است که یکی از بخش‌های مهم نماز «تلاوت قرآن» است.^۲

نکته: همان گونه که دقت فرمودید در معنای «ترتیل قرآن کریم» اضافه بر «قرائت صحیح» و «انتخاب محلّ مناسب برای وقف کردن»؛ «توجّه به معانی و تدبّر در آیات قرآن» نیز مورد تأکید قرار گرفته است، نکته‌ای که متأسفانه امروز، بسیاری از مسلمانان از این واقعیت فاصله گرفته‌اند و از قرآن، تنها به الفاظی اکتفا کرده‌اند و همشان فقط ختم سوره و ختم قرآن است، بی‌آنکه بدانند این آیات، برای چه نازل شده؟ و چه پیامی را ابلاغ می‌کند؟ درست است که الفاظ قرآن نیز محترم و خواندن آن دارای فضیلت است ولی نباید فراموش کرد که این الفاظ و تلاوت، مقدمه بیان محتوا است.

پیامبر اکرم ﷺ در معرفی بهترین قاری قرآن فرموده‌اند:

«بهترین قاری قرآن کسی است که وقتی تلاوتش را می‌شنوی، احساس کنی که او از خداوند می‌ترسد».^۳

۱. تفسیر نمونه / ۲۵ / ۱۷۰-۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۶۷.

۳. بحار / ۹۲ / ۱۹۵. «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ سُئِلَ أَيُّ النَّاسِ أَحْسَنُ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ».

احكام ترتيل

١. مستحبات قرائت در نماز: ...
سوم: ترتيل، يعنى قرائت با دقت و آرام و آشكار ساختن حروف به نحوى كه شنونده بتواند آنها را بشمارد...؛
پنجم: وقف كردن بر فواصل آيات^١؛
ششم: ملاحظه كردن معانى آنچه را كه مى خواند و مُتَعَيِّظ شدن (پند گرفتن) به آنها،
هفتم: طلب كردن نعمت از خداوند متّان هنگام تلاوت آيه اى كه در آن ذكر نعمتى است؛ و پناه بردن به خداوند متعال هنگام تلاوت آيه اى كه در آن ذكر عذابى شده است...^٢.
٢. كسى كه قرائتش صحيح نيست، واجب است ياد بگيرد...^٣.
٣. كسى كه قرائتش صحيح نيست و يا نمى تواند بعضى از حروف را درست تلفظ كند و توان يادگيرى صحيح هم نداشته باشد، مى تواند به آنچه كه مى داند اكتفا كند....
٤. اگر كسى عمداً به چيزى از كلمات يا حروف (حمد و سوره) خلل وارد كند، يا حرفى را به حرف ديگر تبديل نمايد، حتى «ضاد» را به «ظاء» يا بالعكس، نمازش باطل است و همچنين اگر اخلاص در حركت بنائى يا اعرابى يا مدّ واجب، يا تشديد يا سكون لازم باشد و يا حرفى را از غير مخرج ادا كند به طورى كه در عُرْف عرب از صدق آن حرف، بيرون رود، نماز باطل است.
٥. واجب است حذف همزه وصل در وسط كلام، مثل همزه «اللّٰه» و «الرّحمن» و «الرّحيم» و «اهدنا» و اگر آن را بخواند، باطل است و همچنين واجب است اثبات همزه قطع، مثل همزه «أنعمت» و اگر آن را حذف كند، باطل است.

١. «فواصل»، (جمع فاصله) در لغت به معناى: «جداكننده دو چيز از يكديگر» است و در اصطلاح قرائت: «كلمه آخر آيه است».

به آخر آيات، «فواصل» گفته مى شود، براى اينكه بين آيات قبل و بعد فاصله و جدائى مى اندازد (لغتنامه اصطلاحات قرائت قرآن كريم، از همين نويسنده).

٢. عروة الوثقى، فصل فى مستحبات القراءة.

٣. از مساله شماره ٢ الى ١٠ عروة الوثقى، فصل فى القراءة، مسأله ٣٢ الى ٤٣.

۶. احتیاط آن است که وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید.
۷. اگر کسی بخواهد کلمه‌ای را به ما بعدش وصل نماید، واجب است که حرکت آخر آن را بداند، مثلاً اگر نخواهد روی کلمه «الْعَالَمِينَ» وقف کند و بخواهد آن را با «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وصل نماید، واجب است بداند که حرکت نون «عَالَمِينَ» مفتوح است و همین طور در سایر کلمات.
۸. واجب نیست دانستن مخارج حروف، براساس آنچه را که علمای تجویدی بیان کرده‌اند، بلکه همین قدر که حروف از مخارجشان بیرون آیند کفایت می‌کند، اگرچه (قاری) متوجه آن نباشد...^۱
۹. مدّ واجب، مدّی است که بعد از حروف مدّی (واو ما قبل مضموم، یاء ما قبل مکسور، الف ما قبل مفتوح) همزه باشد، مثل: «جَاءَ» و «سُوءٌ» و «جِئَ» و یا بعد از حروف مدّی، سکون لازم (ثابت) باشد به خصوص در صورتی که حرف ساکن در حرف دیگر ادغام شده باشد، مثل: «الضَّالِّينَ».
۱۰. اگر در هنگام مدّ (واجب باشد یا جایز) بیشتر از مقدار متعارف «مدّ» دهد، در صورتی کلمه از صدق آن کلمه بودن خارج نشود، نماز را باطل نمی‌کند.
۱۱. واجب نیست رعایت نمودن مُحَسِّنَاتِ قِرَاءَتِ که علمای تجویدی ذکر کرده‌اند، مانند: اِمَاله، اِشْبَاع، تَفْخِيم و تَرْقِيق و امثال آن، بلکه ادغام به استثنای آنهایی که (لازم بود رعایت آنها که) قبلاً ذکر شد؛ اگرچه رعایت نمودن آنها بهتر است.^۲
۱۲. شایسته است رعایت نمودن مطالبی را که علمای تجوید بیان کرده‌اند، از اظهار تنوین و نون ساکن در صورتی که بعد از آنها یکی از حروف حلقی باشد، و

۱. مراد تجوید ثنوی است که دانستن آن واجب نیست و آنچه واجب است تجوید عملی است که هنگام قرائت باید حروف از مخارجشان ادا شوند هر چند قاری محل دقیق آنها را نداند. در تجوید عملی، حروف باید از مخارجی ادا شوند که علمای قرائت و تجوید به صورت یکسان و متواتر نقل کرده باشند و شهید اول رحمه الله در کتاب الفیه (که هزار مسأله واجب نماز را در آن بیان کرده است) آن را جزء واجبات قرائت شمرده است. الرابع عشر (من واجبات القراءة): «اِخْرَاجُ كُلِّ حَرْفٍ مِنْ مَخْرَجِهِ الْمَنْقُولِ بِالتَّوَاتُرِ».

۲. عروة الوثقی، (فصل فی قراءه، ۵۳)

قلب نمودن تنوين و نون ساكن به «ميم» در صورتی كه بعد از آنها حرف «باء» باشد، و ادغام آنها در صورتی كه بعد از آنها یکی از حروف «يرملون» باشد و يا اخفای آنها در صورتی كه بعد از آنها یکی از حروف مابقی باشد. لكن رعایت هیچ يك از اين موارد واجب نیست، حتی ادغام در «يرملون».^۱

۱۳. اگر در قرائت آیه يا كلمه ای شك كند در صورتی كه از محلّ آن نگذشته باشد بايد آن را اعاده نماید و اگر از محلّ آن گذشته باشد به قصد احتیاط اعاده جایز است. اگر مکرّر در آیه يا كلمه ای شك كند اگر از روی وسواس نباشد، تکرار آن اشکالی ندارد، ولی اگر از روی وسواس باشد، قائل به صحت اعاده، مشکل است.^۲

ملاك صحت قرائت (ترتیل)

«ملاك در صحت قرائت، موافقت آن با نحوه قرائت اهل لغتی است كه قواعد تجوید از آنها گرفته شده است. بنابراین اگر اختلاف نظرات علمای تجوید در کیفیت تلفظ یکی از حروف، ناشی از اختلاف آنان در فهم نحوه تلفظ اهل لغت باشد، مرجع حلّ اختلاف، خود عرف اهل لغت است. ولی اگر اختلاف نظرات آنان ناشی از اختلاف خود آنان در کیفیت تلفظ باشد، مكلف در انتخاب هریك از آن اقوال مخیر است. کسی كه قرائت خود را صحیح نمی داند، باید در صورت تمكّن برای یادگیری قرائت صحیح اقدام نماید».^۳

«واجب است كه همه ذكرهای واجب نماز، از قبیل حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ كلمات عربی را نمی داند، واجب است كه یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است».^۴

۱. همان، مسأله ۵۴.

۲. عروة الوثقی، فصل فی مستحبات قراءه، مسأله ۱۲.

۳. اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری جواب سؤال ۴۶۵، پاورقی مسأله شماره ۸، معنای اهل لغت را روشن ساخته است.

۴. همان، جواب سؤال ۴۶۷.

سؤال ۴۷۶: «اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه‌ای که انسان به آن تکلم می‌کند، اشتباهی در قرائت حمد و سوره و یا اعراب و حرکات کلمات نماز رخ دهد، مثلاً کلمه «یُولَد» به جای فتح لام به کسر لام خوانده شود، نماز چه حکمی دارد؟»
 جواب: اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) باشد، نماز باطل است، وگرنه نماز صحیح است. البته اگر نمازهای گذشته را با اعتقاد به صحت، به صورت مذکور خوانده باشد، در هر صورت قضای آنها واجب نیست.^۱

حکم امام جماعتی که قرائتش صحیح نمی‌باشد

«اگر قرائت مکلف، صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد، نماز او صحیح است، ولی دیگران نمی‌توانند به وی اقتدا کنند».^۲
 «ملاك صحت قرائت، عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و اداء حروف از مخارج آن، به طوری که اهل لسان، آن را اداء آن حرف بدانند نه حرف دیگر؛ اگر مأموم قرائت امام را مطابق قواعد و صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند و در صورت اقتداء، نماز او صحیح نیست و اعاده آن واجب است».^۳
 «رعایت مُحَسِّنَات تجوید لازم نیست ولی اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند، لکن شرکت ظاهری در نماز جماعت برای يك غرض عقلانی، اشکال ندارد».^۴

۱. همان، سؤال و جواب ۴۷۶.

۲. همان، سؤال و جواب ۵۸۷.

۳. همان، سؤال و جواب ۵۸۹.

۴. همان، سؤال و جواب ۵۹۱.

آثار قرائت قرآن

حضرت امام خمینی رحمته الله ضمن استناد به برخی روایات، می فرمود: مطلوب ترین نوع تلاوت قرآن، آن تلاوتی است که قرآن در اعماق قلب انسان تأثیر کند و باطن انسان، صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملکه، به مرتبه تحقق رسد، ... آنجا که {معصوم} فرماید: «جوان مؤمن اگر قرائت قرآن کند، قرآن در گوشت و خون او وارد شود». این کنایه از آن است که صورت قرآن در قلب، مستقر و جایگزین گردد، به طوری که خود باطن انسان، کلام الله مجید و قرآن حمید گردد، به اندازه لیاقت و استعداد .

کسی که خود را عادت داد به قرائت آیات و اسمای الهیه کتاب تکوین و تدوین الهی، کم کم قلب او صورت ذکری و آیه ای به خود گیرد و باطن ذات، محقق به ذکر الله و اسم الله و آیت الله شود. چنانچه ذکر، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام و اسماء حسنی به ائمه هدی و آیت الله نیز به آن بزرگواران، تفسیر و تطبیق شده است، آنها آیات الهیه و اسماء الله حسنی و ذکر الله اکبرند.

۴. تلاوت قرآن با صدای نیکو و حزین

صدای نیکو و زیبا، تأثیر شگرفی در تحوّل و دگرگونی روح انسان دارد، از این رو خداوند متعال، همه پیامبرانش را با صدای نیکو و زیبا، فرستاد تا بهتر بتوانند مردم را به سوی صراط مستقیم هدایت کنند.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ».^۱

«خداوند هیچ پیامبری، مبعوث نفرمود، مگر اینکه صدایش نیکو بوده است».

امام باقر علیه السلام فرموده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ».^۲

«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خوش صداترین مردم بود نسبت به قرائت قرآن».

حضرت صادق علیه السلام فرموده است: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ السَّقَاوُونَ يَمْتَرُونَ، فَيَقِفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ، وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا».^۳

«صدای علی بن الحسین - صلوات خداوند بر او باد - در تلاوت قرآن از همه مردم، خوش تر بود، و سقاها در هنگام گذشتن از خانه آن حضرت، می ایستادند و به قرائتش گوش فرا می دادند؛ و امام باقر علیه السلام نیز خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود».

شکی نیست که یکی از معجزات قرآن، فصاحت کلمات و تعبیرات، بلاغت کلام و دقت اعجاز آمیز در گزینش کلمات و هماهنگی همه اینها با مدلول آیات است.^۴

۱. اصول کافی / ۲ / ۶۱۶ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۰).

۲. تفسیر العیاشی / ۲ / ۲۹۵، ح ۸۵؛ تفسیر صافی / ۱ / ۹۷۲.

۳. اصول کافی / ۲ / ۶۱۶ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۱).

۴. مقصود لحن، سخن و گفتار است؛ اینکه جمله خبری است یا انشائی؟ سؤالی است یا تعجبی؟ هر يك آهنگ خاص خود را در سخن گفتن و قرائت، نیاز است.

اگر آیات قرآن، اضافه بر تلفظ صحيح حروف و رعایت آهنگ بیانی آیات با لحن عربی و صدای نیکو نیز خوانده شود، بیشتر و بهتر در عمق جان مستمعین، نفوذ خواهد کرد، از این رو در روایات، تأکید فراوانی شده که اضافه بر قرائت قرآن با ترتیل و به صورت عربی آن، با صدای نیکو و خوش نیز خوانده شود.

حضرت صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند: «لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَحَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ»^۱.

«برای هر چیز، زینتی است و زینت قرآن، صدای خوش و نیکو می باشد.»
حضرت رضا علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می فرمایند: «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»^۲.
«قرآن را با صدای خوش و نیکو، زینت دهید، زیرا صدای خوش و نیکو بر زیبایی قرآن می افزاید».

صدای خوش و زیبا اگر همراه با توجه به معنای آیات و خوف و هراس از عظمت مقام الهی باشد، تأثیر آن در روح و روان قاری و مستمعین، اعجاز آمیز خواهد بود.
از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که از آن حضرت پرسیده شد: «أَيُّ النَّاسِ أَحْسَنُ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ: مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرَاءَتَهُ رَأَيْتَ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ»^۳.

کدام مردم، صدای قرآن شان نیکوتر است؟ فرمودند: کسی که وقتی قرائتش را می شنوی، می بینی که خَشِیت خداوند (را در دل) دارد.

«خَشِیت به معنی ترسی است آمیخته با تعظیم، و غالباً در مواردی به کار می رود که از علم و آگاهی به چیزی سرچشمه می گیرد و لذا در قرآن، این مقام را مخصوص عالمان شمرده شده است، پس خَشِیت یعنی: ترس از مسئولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار»^۴.

۱. اصول کافی / ۲ / ۶۱۵ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۹).

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۵۹ (باب ۲۴ از ابواب قراءة القرآن، ح ۶).

۳. بحار / ۹۲ / ۱۹۵ باب ۲۱ از ابواب القرآن، ح ۱۰.

۴. تفسیر نمونه / ۱۸ / ۲۴۷.

از این رو در روایات، اضافه بر صدای نیکو، به قرائت قرآن با صدای حزین و دل‌نشین نیز تأکید شده است.

زیرا قرآن، کتاب هدایت و یادآور مسئولیت خطیر انسانی و هشدار دهنده عاقبت شوم زندگی بر اساس افکار غلط و روحیات فاسد است و پیوسته حقایق زندگی دنیا و آخرت را به ما گوشزد می‌کند و فضای نزول قرآن با حزن آمیخته شده بر این اساس از ما نیز خواسته شده تا قرآن را با صوت حزین و دل‌نشین بخوانیم. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ، فَأَقْرُؤْهُ بِالْحُزْنِ».^۱ «همانا قرآن توأم با حزن، نازل گشته است، پس آن را با حزن بخوانید».

و در حدیث می‌خوانیم: «خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که هرگاه در برابرم ایستادی پس همچون فرد ذلیل بی‌چیز بایست و هرگاه تورات خواندی، پس با صوت حُزن‌آمیزی، آن را به من بشنوان».

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ فَقِفْ مَوْقِفَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ إِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ فَاسْمِعْنِيهَا بِصَوْتٍ حَزِينٍ».^۲ و این حالت، در سیره ائمه معصومین علیهم السلام نیز مشاهده می‌کنیم:

حفص بن غیاث (از اصحاب و یاران نزدیک آن حضرت) می‌گوید: «فَمَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام وَلَا أَرْجَى النَّاسِ مِنْهُ، وَكَانَتْ قِرَاءَتُهُ حُزْنًا، فَإِذَا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخَاطَبُ إِنْسَانًا».^۳

«من از جهت خوف خدا بر نفس خود، کسی را شدیدتر از موسی بن جعفر علیه السلام ندیدم، و همچنین امیدوارترین مردم (به رحمت خداوند نیز کسی مثل او مشاهده ننمودم)، قرائت آن حضرت حزن‌آمیز بود، پس هرگاه قرآن می‌خواند، گویا انسانی را مورد خطاب قرار می‌داد».

قرائت در فضای حزن، برخاسته از دردمندی و احساس مسئولیت الهی، حساب و کتاب روز قیامت است.

۱. اصول کافی / ۲ / ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۲).

۲. همان (ح ۶).

۳. همان / ۶۰۶ باب فضل حامل القرآن، ح ۱۰.

در پایان تذکر این نکته لازم است که: روایات در کنار تأکید بر قرائت قرآن با صدای نیکو و حزین، از قرائت قرآن با لحن و آهنگ اهل فسق و فجور نیز نهی فرموده‌اند. امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «أَقْرَأُوا الْقُرْآنَ بِالْحَنِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونِ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يُرْجِعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيْعَ الْغِنَاءِ وَالنُّوحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ لَا يَجُوزُ تَرْاقِيْعُهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ»^۱.

«قرآن را با لحن و آهنگ عرب بخوانید؛ و از لحن و آهنگ اهل فسق و گناهان کبیره بر حذر باشید، پس بی شک بعد از من اقوامی می‌آیند که قرآن را در گلو می‌چرخانند همانند چرخاندن آوازخوانان و نوحه خوانان و راهبان که از حنجره‌هایشان فراتر نمی‌رود؛ دل‌های آنها وارونه است و دل‌های کسانی که از کار اینان به شگفت درآیند».

۱. اصول کافی / ۲ / ۶۱۴ (باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۳).

احکام صدای نیکو

مستحبات قرائت در نماز...

چهارم: قرائت قرآن با صدای خوش و نیکو کردن صوت بدون غنا.^۱

سؤال: اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد نامحرم می‌تواند به آن گوش دهد؟ آیا در این مورد، تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده، قرآن بخواند، مانعی ندارد؛ ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند، گوش دادن مرد اجنبی، جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.^۲

آیت الله خویی رحمته الله معتقد است که دو چیز در تحقق غنا معتبر است:

اول: ماده (محتوای) آن امری باطل و لهُو باشد؛

دوم: هیئت (لحن) آن مشتمل بر مدّ و ترجیع باشد.

هرگاه یکی از این دو عنصر منتفی باشد، غنا صدق نمی‌کند. بنابراین، زیبا ساختن صدا در قرائت قرآن و ترقیق صوت قرآن و نیز قسمت‌هایی از کلمات خطبا و وعاظ که به صورت ترجیع ادا می‌گردد، خارج از غنا هستند، البته از قرائت قرآن با لحن اهل فسق (با هیئت و کیفیتی که مختص مجالس لهو طرب است) نهی گردیده است.^۳

شهید ثانی رحمته الله در شرح لمعه (ج ۳، ص ۲۱۲) غنا را این‌گونه تعریف نموده است: «إِنَّهُ مَدُّ الصَّوْتِ الْمُشْتَمِلُ عَلَى التَّرْجِيعِ الْمُطْرَبِ».

مراد از غنا، کشش صوت است که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد.

امام خمینی رحمته الله در تحریر الوسیله (ج ۱، ص ۴۹۷) می‌فرماید:

«غنا» مجرد صوت خوب نیست، بلکه کشیدن صوت و ترجیع آن به کیفیت خاص مطربی که مناسب مجالس لهو، محافل طرب و آلات لهو ملاحی است باشد.

۱. عروة الوثقی، فصل فی مستحبات القراءة.

۲. احکام بانوان، آیت الله مکارم شیرازی، سؤال ۷۱۷.

۳. محاضرات فی الفقه، به قلم سید علی شاه‌رودی / ۲۳۸.

امام خيمنى رحمۃ اللہ علیہ در كتاب «مكاسب المحرمۃ» در توضيح كلام فيض كاشانى و محقق سبزوارى در همين باب چنين مى فرمايد:

ظاهر عبارت آن بزرگان اين است كه غنا برد و قسم است: غناى حق و غناى باطل.

غناى حق: خوانندگى با اشعارى است كه متضمن يادآورى بهشت و جهنم و تشويق كننده به سوى دار قرار (آخرت) است؛

غناى باطل: آن نوع غناى متعارف در مجالس اهل لهو، همچون مجالس بزمى بنى اميه و بنى عباس است.

۵. تَدَبُّر و به جا آوردن حق آیات

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^۱

(این قرآن) کتاب پربرکتی است که به سوی توفرو فرستادیم تا در آیات آن بیندیشند و صاحبان مغز و اندیشه از آن پند گیرند. (ص ۲۹).

«تَدَبُّر»، از ماده «دَبَر» به معنی: پشت سرو عاقبت چیزی است، بنابراین «تَدَبُّر»، یعنی: بررسی نتایج و عواقب و پشت و روی چیزی است. تفاوت آن با «تَفَكُّر» این است که تفکر مربوط به بررسی علل و خصوصیات یک موجود است، اما «تَدَبُّر»، مربوط به بررسی عواقب و نتایج آن است.

«قرآن»، این کتاب بزرگ آسمانی، تنها برای قرائت و خواندن نیست، بلکه هدف از نزول آن، این است که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه، و مایه بیداری وجدان‌ها گردد و آن نیز به نوبه خود حرکتی در مسیر عمل بیافریند.^۲

خداوند در آیه‌ای دیگر، «یکی از علل انحراف» را «عدم تَدَبُّر در آیات قرآن» بیان می‌کند ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^۳.

آیا آنها در آیات قرآن تَدَبُّر نمی‌کنند (تا حقیقت را دریابند و وظائف خود را انجام دهند) یا بردل‌های آنها قفل نهاده شده است.

۱. ص ۲۹.

۲. تفسیر نمونه / ۱۹ / ۲۶۸.

۳. محمد / ۲۴.

و در آیه ای دیگر، «مؤمنان واقعی» را کسانی می داند که «حق تلاوت» را به جا می آورند.^۱

﴿الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۲

کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می کنند (و آن قرائت با تدبیر و به قصد عمل است)، آنان اهل ایمان به آن (کتاب) هستند و کسانی که به آن کفر می ورزند، آنان زیانکارند.

از روایات اسلامی به خوبی استفاده می شود که فضیلت تلاوت قرآن، در زیاد خواندن آن نیست، بلکه در خوب خواندن و تدبیر و اندیشه در آن است.^۳

در روایتی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از جدش در تفسیر آیه ﴿فَاَقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ﴾ نقل می کند: «ما تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعٌ وَ صَفَاءُ السِّرِّ»^۴ آن مقداری بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد.

مردم در برابر آیات الهی سه دسته اند:

۱. دسته ای که تمام قواعد صحیح خوانی و تجوید را رعایت می کنند اما کاری به عمل ندارند و در آیات آن نیز تفکر نمی کنند؛

۲. دسته ای که اضافه بر صحیح خوانی و رعایت قواعد تجویدی، در آیات آن تفکر

۱. فرق معنایی تلاوت و قرآن

«قِرَاءَت»: «خواندن صورت ظاهری الفاظ قرآن است»؛ ولی «تلاوت»: «قِرَاءَت قرآن با توجه معانی، مفاهیم، مصادیق، اوامر و نواهی آن است.»

«حَقَّ تلاوت»: آن است که زبان و عقل و قلب در آن مشارکت داشته باشد.

«حَقَّ زبان»: تلفظ صحیح حروف به تلاوت ترتیل است.

«حَقَّ عقل»: فهم و درک معانی قرآن است.

«حَقَّ قلب»: پند گرفتن از قرآن است.

۲. بقره / ۱۲۱.

۳. تفسیر نمونه / ۲۵ / ۱۹۹.

۴. مجمع البیان / ۱۰ / ۳۸۲.

و اندیشه می‌کنند و در ریزه‌کاری‌ها و نکات قرآن می‌اندیشند و از علوم آن آگاهند اما از عمل خبری نیست؛

۳. دسته‌ای که قرآن را به عنوان یک کتاب عمل و یک برنامه کامل زندگی پذیرفته‌اند خواندن الفاظ و اندیشه در معانی و درک مفاهیم این کتاب بزرگ را مقدمه‌ای برای عمل می‌دانند، و لذا هر زمان که قرآن را می‌خوانند، روح تازه‌ای در کالبد آنها پیدا می‌شود، تصمیم و اراده تازه، آمادگی و اعمال تازه و این است حق تلاوت.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ذکر شده می‌خوانیم: «يُرْتَلُونَ آيَاتِهِ وَيَتَفَقَّهُونَ بِهِ وَيَعْمَلُونَ بِأَحْكَامِهِ وَيَرْجُونَ وَعْدَهُ وَيَخَافُونَ وَعِيدَهُ وَيَعْتَبرُونَ بِقَصَصِهِ وَيَأْتَمِرُونَ بِأَوَامِرِهِ وَيَنْتَهُونَ بِنَوَاهِيهِ، مَا هُوَ وَاللَّهُ حِفْظُ آيَاتِهِ وَدُرُوسُ حُرُوفِهِ وَتِلَاوَةُ سُورِهِ وَدُرُسُ أَعْشَارِهِ وَأَخْمَاسِهِ حَفْظُوا حُرُوفَهُ وَأَضَاعُوا حُدُودَهُ وَإِنَّمَا هُوَ تَدَبُّرُ آيَاتِهِ وَالْعَمَلُ بِأَحْكَامِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾»^۱.

منظور این است که: آیات آن را با دقت می‌خوانند و حقایق آن را درک می‌کنند و به احکام آن عمل می‌نمایند؛ به وعده‌های آن امیدوار و از وعیدهای آن ترسانند؛ از داستان‌های آن عبرت می‌گیرند، به اوامرش گردن می‌نهند و از نواهی آن را دوری می‌کنند؛ به خدا سوگند منظور (تنها) حفظ آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره‌ها و یاد گرفتن اَشار^۲ و اَخماس آن نیست، آنها حروف قرآن را حفظ کردند اما حدود آن را تباه ساختند، بلکه منظور تنها این است که در آیات آن بیندیشند و به احکامش عمل کنند، زیرا خداوند می‌فرماید: «این کتاب پربرکتی است که ما بر تو فرو فرستادیم و بسیار پرخیر و برکت است تا که در آیاتش تدبّر و اندیشه کنند».

۱. تفسیر المیزان / ۱ / ۲۶۶؛ تفسیر نمونه / ۱ / ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲. منظور از «اَشار» و «اَخماس» تقسیماتی است که در قرآن می‌شود، مانند تقسیم به سی جزء و یا هر جزء به چهار حزب و امثال آن است، در تقسیم‌بندی اولیه قرآن، هر پنج آیه، پنج آیه می‌شمردند، پنج آیه اول را «خمس» و پنج آیه دوم را «عشر» می‌گفتند و جمع آنها «اخماس» و «اعشار» است.

بنابراین «حَقَّ تلاوت»، تلاوت همراه با تدبر در آیات است. بر همین اساس است که در روایات، از قرائت بدون تَدَبُّر، نهی گردیده است.

عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: «... أَلَا لَأَخِيرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ...»^۱

آگاه باشید قرائتی که تدبر و اندیشه به همراه نداشته باشد، هیچ خیر و نفعی در آن نیست.

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۳۰ (باب ۳ از ابواب قِراءة القرآن، حدیث ۷).

۶. سکوت در هنگام شنیدن قرآن

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^۱

«مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آن خوانده می‌شود ایمانشان افزون می‌گردد و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».

نشانه تلاوت صحیح و واقعی، آن است که در خواننده اثر کند و برایمان شنونده افزوده شود. تلاوت قرآن آن چنان حرمتی دارد که شنونده موظف است گوش فرا دهد.

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲

«هنگامی که قرآن خوانده می‌شود (با توجه) به آن گوش دهید و ساکت باشید که مشمول رحمت شوید».

بعضی از فقهای امامیه، فتوا به وجوب استماع دادن و دیگران فتوا به استحباب آن و گفته‌اند وجوب استماع و انصات مخصوص در نماز جماعت است که مأموم باید گوش به قرائت امام دهد.

علی‌ای حال؛ تلاوت قرآن آن قدر محترم است که استماع و انصات یا واجب است و یا مستحب، زیرا یکی از بهترین آثار آن، افزایش ایمان مؤمنان راستین

۱. انفال / ۲.

۲. اعراف / ۲۰۴. (استماع، یعنی با دقت گوش دادن، به خلاف «سماع» که به گوش خوردن است «وَأَنْصِتُوا» از ماده «انصات» به معنی سکوت توأم با گوش فرا دادن است.

است. چنانکه در نگهداری آن سهم به سزایی دارد، زیرا گوش فرا دادن به قرآن موجب می‌گردد که معانی آن به خوبی فهمیده شود و هم سبب پیدایش حالت اندرز پذیری خواهد بود تا در نتیجه به احکام آن عمل شود و عمل به محتوای قرآن، خود ایمان است و باعث ازدیاد ایمان می‌گردد.^۱

از امام باقر علیه السلام نقل شده: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فِي الْفَرِيضَةِ خَلَفَ الْإِمَامُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».^۲

«هنگام خوانده شدن قرآن در نماز واجب، پشت سر امام، به آن گوش فرا دهید تا مورد رحمت الهی واقع شوید».

زاره می‌گوید از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «يَحِبُّ الْإِنصَاتُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَغَيْرِهَا وَإِذَا قُرِئَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ، وَجَبَ عَلَيْكَ الْإِنصَاتُ وَالِاسْتِمَاعُ».^۳

«واجب است سکوت کردن برای قرآن، چه در نماز و چه در غیر نماز، هرگاه نزد تو قرآن خوانده شود بر تو واجب است که سکوت کنی و گوش فرا دهی».

بعضی از آثار استماع قرآن

۱. ترفیع درجه و محو سیئه

قال الصادق علیه السلام: «مَنْ اسْتَمَعَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَحَمَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً».^۴

«هر کس يك حرف از کتاب خداوند را بدون اینکه بخواند به دقت گوش فرا دهد برایش حسنه‌ای نوشته می‌شود و گناهی از او پاک می‌گردد و يك درجه مقامش افزایش می‌یابد».

۱. تفسیر موضوعی قرآن آیت الله جوادی آملی / ۵ / ۱۲ و ۱۳.

۲. تفسیر برهان / ۲ / ۵۶ و ۵۷.

۳. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۶۱ باب ۲۶ از ابواب قراءه القرآن، ح ۶.

۴. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۰۱.

۲. دفع بلاهای دنیوی و اخروی

أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْ مُسْتَمِعِ الْقُرْآنِ بَلَوَى الدُّنْيَا وَعَنْ قَارِئِهِ بَلَوَى الْآخِرَةِ».^۱
خداوند از مستمع قرآن، گرفتاری دنیا و از تلاوت کننده آن گرفتاری آخرت را دفع می‌نماید.

۳. ایجاد نور در قیامت

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^۲
«هر کس به يك آیه از قرآن به دقت گوش فرا دهد، برایش نوری در قیامت خواهد بود».

۱. همان / ۱۸۲.

۲. احیاء علوم الدین / ۱ / ۲۸۹.

احکام استماع قرآن

«اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند ولی باید آهسته بخواند» و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.^۱

سؤال: در مراسم فاتحه، در بعضی از شهرستان ها رسم است که هنگام تلاوت قرآن، افراد شرکت کننده با صدای بلند به بازماندگان تسلیت می گویند و بازماندگان جواب آنها را می دهند. آیا این عمل جایز است؟

جواب: بهتراست احترام قرآن را بیشتر رعایت کنند و از این کار پرهیزند.^۲

۱. رساله عملیه امام خمینی (رحمه الله)، مسأله ۱۴۶۲.

۲. استفتاءات جدید، آیت الله مکارم شیرازی / ۱، سؤال ۱۷۱۲.

۷. سجده کردن هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده دار

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ الْعَزَائِمَ أَرْبَعٌ: أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، وَالتَّجْمُ، وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ، وَحَمَّ السَّجْدَةِ».^۱

«همانا سوره های عزائم چهارتا است، ۱. أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (سوره علق)، ۲. وَالتَّجْمُ (سوره نجم)، ۳. وَتَنْزِيلُ السَّجْدَةِ (سوره سجده)، ۴. حَمَّ السَّجْدَةِ (سوره فصلت)».

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید، «عزائم» در لغت به معنای: «واجبات» است و علت نام گذاری آن به «عزائم» به اعتبار واجب شدن سجده در هنگام قرائت است.^۲ «عزیمت» در مقابل «رخصت» به معنای: «چیزی که انجام دادن آن لازم است»، «عزائمُ السُّجود» سوره هایی هستند که در آن، آیات سجده موجود است و برقاری و شنونده آن آیات، لازم است که برای خداوند سجده نموده و به تسبیح و حمد پروردگارشان پردازند و این سجده، واجب است و حتماً باید انجام پذیرد، در مقابل، آیات سجده دیگری است که برقاری و شنونده آن آیات، سجده کردن لازم و حتمی نیست بلکه مستحب است.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «الْعَزَائِمُ: الَّتِي تَنْزِيلُ، وَحَمَّ السَّجْدَةِ، وَالتَّجْمُ، وَأَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ، وَمَا عَدَّاهَا فِي جَمِيعِ الْقُرْآنِ مَسْنُونٌ وَلَيْسَ بِمَفْرُوضٍ».^۳

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۸۱ باب ۴۲ از ابواب قراءة القرآن، ح ۷.

۲. بحار الانوار / ۸۱ / ۵۵.

۳. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۸۱ باب ۴۲ از ابواب قراءة القرآن، ح ۹.

«عزائم عبارتند از: اَلَمْ تَنْزِيل، وَحَمَّ السَّجْدَه، وَالتَّجْمَ وَاَقْرَأ بِاسْمِ رَبِّكَ وَ سَوای اینها در تمامی قرآن مستحب است و واجب نیست.»

محمد بن مسلم می گوید: از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم از شخصی که در حال یادگیری سوره های عزائم است و این آیات (آیاتی که سجده واجب دارد) براو به تکرار خوانده می شود؟

حضرت پاسخ فرمودند: «عَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ كُلَّمَا سَمِعَهَا وَعَلَى الَّذِي يُعَلِّمُهُ أَيْضًا أَنْ يَسْجُدَ»^۱.

«در برابر هر بار شنیدن، يك سجده براو واجب می شود و همچنین بر کسی که آیات را براو می خواند.»

احکام سجده تلاوت

۱. واجب است سجده کردن بر قاری و شنونده (بلکه هر کس که به گوشش برسد بنا بر اظهار) یکی از آیات چهارگانه ای که در چهار سوره قرآن آمده است و آنها عبارتند از:

۱. سوره سجده (آیه ۱۵) وقتی که به ﴿وَلَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ رسید؛
 ۲. سوره فصلت (آیه ۳۷) وقتی که به ﴿إِنِّيَا تُعْبُدُونَ﴾ رسید؛
 ۳. سوره نجم (آیه ۶۲ آخر سوره) وقتی که به انتهای آیه رسید؛
 ۴. سوره علق (آیه ۱۹ آخر سوره) وقتی که به انتهای آیه رسید.
- و مستحب است سجده کردن در یازده مورد و آنها عبارتند از:
۱. سوره اعراف (آیه ۲۰۶ آخر سوره)، وقتی که به ﴿وَلَهُ يُسْجُدُونَ﴾ رسید؛
 ۲. سوره رعد (آیه ۱۵) وقتی که به ﴿وَوَيْلٌ لَهُم بِالْغُذُو وَالْأَضَالِ﴾ رسید؛
 ۳. سوره نحل (آیه ۴۹ و ۵۰) وقتی که به ﴿وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ رسید؛
 ۴. سوره بنی اسرائیل (آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹) وقتی که به ﴿وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ رسید؛
 ۵. سوره مریم (آیه ۵۸)، وقتی که به ﴿خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ رسید؛
 ۶. سوره حج (آیه ۱۸)، وقتی که به ﴿يَفْعَلْ مَا يَشَاءُ﴾ رسید؛
 ۷. سوره حج (آیه ۷۷)، وقتی که به ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرِ﴾ رسید؛
 ۸. سوره فرقان (آیه ۶۰)، وقتی که به ﴿وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾ رسید؛
 ۹. سوره نمل (آیه ۲۵ و ۲۶)، وقتی که به ﴿رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ رسید؛
 ۱۰. سوره ص (آیه ۲۴)، وقتی که به ﴿وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾ رسید؛
 ۱۱. سوره انشقاق (آیه ۲۱)، وقتی که به ﴿إِذَا قُرِئَ﴾ رسید؛

بلکه احتیاط بهتر، سجده کردن نزد هر آیه ای است که در آن امر به سجده شده باشد.

۲. وجوب و استحباب سجده، مختص قاری و شنونده و کسی است که آیات (مذکوره) به گوشش بخورد اما بر کسی که آیات را بنویسد و یا تصور کند و یا آنکه نوشته آن را ببیند و یا به قلبش خطور دهد، سجده واجب نمی شود.

۳. آنچه که سبب سجده می شود، تمامی آیه است، بنابراین با خواندن مقداری از آیه، هر چند لفظ سجده آن باشد، سجده کردن واجب نمی شود.
۴. وجوب سجده، فوری است و تأخیر آن جایز نیست و اگر فراموش نماید و یا از روی معصیت ترك کرده باشد هر وقت یادش بیاید، باید سجده کند.
۵. اگر بخشی از آیات مذکور را خودش قرائت کند و بقیه اش را بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند.
۶. اگر آیات سجده را خودش غلط بخواند و یا قاری غلط بخواند و او بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند.
۷. اگر آیات سجده پشت سر هم تکرار شود، خواه این تکرار به خواندن باشد یا شنیدن، بایستی سجده را نیز به همان تعداد تکرار کرد، بلکه اگر خواندن و شنیدن همزمان باشد به اینکه در هنگام خواندن او، شخصی و یا جماعتی نیز همزمان همان آیات را بخوانند در این جا نیز احتیاطاً باید سجده را تکرار کند.
۸. در وجوب سجده فرقی نیست بین شنیدن (آیات سجده) از مکلف یا غیر مکلف مثل صغیر یا مجنون در صورتی که به قصد قرائت قرآن بخوانند.
۹. اگر در بین نماز، آیات سجده را بشنود و یا قرائت نماید، باید با اشاره سجده کند و بعد از نماز، سجده را به جا آورد و نماز را دوباره اعاده نماید.
۱۰. اگر کسی در حال سجده، آیه سجده را بخواند و یا بشنود، واجب است سراز سجده بردارد و سپس به سجده رود و ادامه دادن همان سجده به قصد سجده واجب و یا کشیدن پیشانی از جای سجده به طرف دیگر، کفایت نمی کند.
۱۱. ظاهراً لازم نیست نیت سجده را در حال نشستن یا ایستادن کرده باشد و بعد به سجده رود یا این که سرازیر شدن نیز به قصد سجده باشد بلکه اگر اندکی قبل از گذاردن پیشانی بر زمین نیز نیت کند کافی است.
۱۲. ظاهراً آن است که در وجوب سجده، بودن قرائت به قصد قرآن معتبر است، بنابراین اگر شخصی به وسیله آیه سخن بگوید بدون اینکه قصد تلاوت قرآن را داشته باشد، با شنیدن آن، سجده واجب نمی شود و همچنین اگر آیه سجده را از بچه غیر ممیز یا شخص خواب و یا از ضبط صوت بشنود. اگر چه احتیاط آن است که در همه موارد سجده نماید.

۱۳. لازم است هنگام شنیدن، کلمات و حروف آیه را از هم تمیز دهد؛ بنابراین با شنیدن همه، سجده واجب نمی شود، اگر چه احوط آن است که سجده کند.

۱۴. با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده، سجده واجب نمی شود، اگر چه به قصد ترجمه آیه باشد.

۱۵. در این سجده، اضافه بر تحقق سجده، نیت و مباح بودن مکان و بلند نبودن موضع سجده پیش از چهار انگشت نیز معتبر است و احتیاط آن است که مواضع سجده را بر زمین گذارد و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و سایر شرایط سجده معتبر نیست، مانند: طهارت از حدث، ... استقبال قبله، طهارت موضع سجده، ستر عورت، ... تنها لباس نباید غصبی باشد ...

۱۶. در این سجده، تشهد و سلام و گفتن «اَللّٰهُ اَكْبَرُ» در اول آن، لازم نیست، بلکه مستحب است گفتن «اَللّٰهُ اَكْبَرُ» وقتی که سراز سجده بر می دارد، بلکه احتیاط در گفتن آن است.

۱۷. مجرد سجده کفایت می کند و گفتن ذکر واجب نیست، اگر چه گفتن ذکر، مستحب است و در انجام این مستحب هر ذکری کفایت می کند و لکن بهترین است که گفته شود: «سَجَدْتُ لَكَ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُتَعَظِّمًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»^۱.

یا بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»^۲.

۱. سجده می کنم برای تو پروردگارا از روی عبودیت و بندگی تا اعلام نمایم که نسبت به عبادت تو تکبری ندارم و آن را ترک نخواهم کرد و خود را در برابر تو بزرگ نمی دانم بلکه در برابر تو بنده ای ذلیل، ناتوان، ترسان و پناه آورنده ام.

۲. هیچ معبودی حقیقتاً جز «الله» نیست، هیچ معبودی را جز «الله» باور نداشته و تصدیق نمی کنم، هیچ معبودی جز «الله» عبادت و بندگی نخواهم کرد، پروردگارا برای تو سجده می کنم و به خاطر اظهار عبودیت و بندگی و اعلام می دارم که بنده مخالف کننده و مُتکبر نیستم بلکه در برابر تو بنده ای ذلیل، ناتوان، ترسان و پناه آورنده ام.

«إِلَهِي أَمَّا بِمَا كَفَرُوا، وَعَرَفْنَا مِنْكَ مَا أَنْكَرُوا، وَأَجَبْنَاكَ إِلَى مَا دُعُوا، إِلَهِي فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ».^۱
 يا بگويد آن چیزی را که پیامبر ﷺ در سجده سوره «علق» فرمودند و آن این است:
 «أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَمُعَافَاتِكَ عَنْ عُقُوبَتِكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ».^۲

۱۸. اگر آیات سجده را مکرر شنیده و در حداقل و حداکثر آن شك کند، جایز است به حداقل اکتفا نماید و اگر تعداد سجده واجب را بداند ولی در تعداد سجده های انجام شده شك کند در این جا نیز باید بنا را بر اقل بگذارد (و باقی را انجام دهد).

۱۹. در صورت وجوب تکرار سجده، مجرد برداشتن پیشانی از زمین و گذاردن مجدد آن به جهت سجده دیگر کافی است و لازم نیست بنشینند و باز به سجده رود، بلکه برداشتن سایر مواضع سجده هم معتبر نیست اگرچه احوط برداشتن آنها است.^۳

۲۰. بر شخص جُنُب واجب نیست برای سجده تلاوت، غُسل کند.^۴

۲۱. سؤال: «شنیدن آیاتی که سجده در اثر شنیدن آنها واجب می شود از نوارهای قرآن که از ضبط صوت یا صدا و سیما پخش می شود چه حکمی دارد؟
 جواب: در فرض مرقوم، سجده واجب است».^۵

۲۲. بر زن حائض واجب است سجده (تلاوت) هنگامی که آیات سجده دار را بشنود.^۶

۱. خداوند ایمان آوردیم به آنچه دیگران کافر شدند و معرفت پیدا کردیم از جانب مقدس به چیزهایی که دیگران منکر شدند، و اجابت نمودیم آنچه را که از طرف تو دعوت شدیم. خداوند پس مرا مورد عفو و بخشش قرار ده.

۲. پناه می برم به رضایت از غضب و به عفو از مجازات و پناه می برم به وجود مقدس از انتقام گرفتنت، نمی توانم ثنایت را بگویم چگونه که خود ثنا نمودی.

۳. عروة الوثقی (فصل فی سائر اقسام السجود از مسأله ۲ الی ۲۰).

۴. همان (فصل فیما یتوقف علی الغسل من الجنابة).

۵. اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، سؤال ۵۰۰.

۶. عروة الوثقی، فی احكام الحائض، مسأله ۲.

۸. مقدار تلاوت قرآن

﴿فَاقرءُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

قرآن، کلام خداوند رحمان، سند نبوت و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است. قرآن، معیار و الگو، محک درستی و نادرستی اندیشه ها و احکام و رفتارها است.

آنچه با قرآن، مخالف باشد بی اعتبار است و تطبیق و هماهنگی هر کلام و فکری با وحی الهی، دلیل حجتیت و اعتبار آن است، از این رو خداوند متعال از همه مسلمانان خواسته است که «هر قدر برای آنها امکان پذیر و آسان است به قرائت و تلاوت قرآن کریم پردازند» تا نسبت به معارف قرآن کریم و اصول و فروع دین مبین اسلام، آشنایی لازم را پیدا کنند.

در کتاب های تفسیر، مقدار آیاتی که هر روز باید خوانده شود را بعضی پنجاه آیه و بعضی به يك صد آیه و بعضی دویست آیه تفسیر کرده اند، ولی هیچ يك از این اعداد، دلیل خاصی ندارد، بلکه مفهوم آیه، این است که هر مقداری که انسان به زحمت نمی افتد، از قرآن بخواند.

بدیهی است، منظور از «تلاوت قرآن» در این جا، تلاوتی است به عنوان درس و فراگیری برای خودسازی و پرورش ایمان و تقوا.^۲

تفسیر مجمع البیان، ذیل این آیه، روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «ما تيسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشوعُ الْقَلْبِ وَصَفَاءُ السِّرِّ».^۳ آن مقدار بخوانید که در آن، خشوع قلب و صفای باطن (و نشاط روحانی و معنوی) باشد.

۱. زمزم / ۲۰. «پس آنچه برای شما امکان پذیر و آسان است از قرآن بخوانید».

۲. تفسیر نمونه / ۲۵ / ۱۹۴؛ مجمع البیان / ۵ / ۳۸۳ ذیل آیه.

۳. مجمع البیان / ۵ / ۳۸۳.

در مجموعه روايي ما، سفارش و تأكيد فراواني از پيامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومين عليه السلام در رابطه با قرائت روزانه قرآن كريم و نهي از ترك قرائت شده است؛ اما در رابطه با مقدار تلاوت روزانه، روايات مختلف است و از مجموع آنها چنين استفاده می شود که ملاك، خواندن با فهم و تدبر در آیات است؛ از اين رو ائمه اطهار عليه السلام با توجه به حال سؤال کننده، جواب می فرمودند، به بعضی، هفته ای يك ختم، و به بعضی ديگر، ماهی يك ختم قرآن، بيشترا اجازه نمی دادند.^۱

در اين مبحث به چندتای آنها اشاره می كنيم:

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده است: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً».^۲

قرآن عهد و برنامه الهی است و بسيار شايسته است که هر فرد مسلمانی در عهدنامه الهی (اندرز و سفارش خداوند به مخلوقش انسان)، به دقت نظر افکند و هر روز دست کم پنجاه آیه را (با تدبر) تلاوت کند.

مُعمر بن خلاد می گوید از امام رضا عليه السلام شنيدم که می فرمود: «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً».^۳

سزاوار است برای مرد (مرد بون خصوصیتی ندارد در اینجا چون مخاطب حضرت مرد بوده است) وقتی که صبح می کند بعد از تعقیبات، پنجاه آیه بخواند.

در حدیثی از امام باقر عليه السلام از خصوصیات شیعه امام علی عليه السلام بودن «كثرت تلاوت قرآن برمی شمارد: «إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ ... كَثِيرَةُ تِلَاوَتِهِمْ لِلْقُرْآنِ».^۴

شیعیان علی عليه السلام کسانی هستند که ... تلاوتشان از قرآن فراوان است.

محمد بن عبدالله می گوید از حضرت صادق عليه السلام پرسیدم: قرآن را در يك شب بخوانم؟ حضرت فرمودند: «لَا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقَلِّ مِنْ شَهْرٍ».^۵

«پسند نمی آید اینکه قرآن را در کمتر از يك ماه بخوانی».

۱. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۶۲ باب ۲۷ از ابواب قراءة القرآن.

۲. کافی / ۲ / ۶۰۹ باب فی قراءته، ح ۱.

۳. وسائل الشیعة / ۴ / ۸۴۹ باب ۱۵ از ابواب قراءة القرآن، ح ۳.

۴. همان / ۸۵۰ (باب ۱۱ از ابواب قراءة القرآن، ج ۱۴).

۵. کافی / ۲ / ۶۱۷ (باب فی کم یقرأ القرآن و یختم، ح ۱) و حدیث ۹ «قال: لا یعجبني أن یقرأ القرآن فی أقل من شهر»، وسائل الشیعة / ۴ / ۸۶۴، ح ۹.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ»^۱.

«چه چیز مانع می شود، تاجری از شما که مشغول است در بازار، وقتی که به خانه اش بازگشت، ن خوابد مگر اینکه سوره ای از قرآن را بخواند، تا برای او نوشته شود به جای هر آیه ای که می خواند، ده حسنه و پاک گردد از او ده سیئه (گناه).»
از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ... وَمُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ»^۲.

«سه گروه نزد خداوند شکایت می کنند... مصحف قرآنی که رها شده و غبار گرفته ای که خوانده نشود».

برای بهره مند شدن هر چه بیشتر از قرآن کریم شایسته است برنامه ای مرتب برای خواندن قرآن کریم داشته باشیم و در شبانه روز، قسمتی از اوقات خود را برای خواندن آیات قرآن و فهم معانی آن در نظر بگیریم؛ مثلاً می توانیم هر روز بعد از نماز صبح و یا نماز مغرب و عشاء، چند دقیقه ای قرآن بخوانیم تا به یاری خداوند روز به روز با این کتاب مقدس بیشتر مانوس شویم.

پیوستگی در قرائت

در فضیلت قرائت تأکید شده است که قرآن به صورت منظم و پیوسته دوره شود؛ از سوره «حمد» آغاز کرده و هر روز ادامه داده تا به سوره «ناس» رسیده، قرآن ختم گردد.

به امام صادق علیه السلام گفته شد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله کدام از مردان (در کار خیر) برترند؟

حضرت فرمود: شخصی فرود آینده کوچ کننده.

گفته شد: و فرود آینده کوچ کننده چیست؟

۱. کافی / ۲ / ۶۱۱ باب ثواب قراءة القرآن، ح ۲.

۲. همان / ۶۱۳ (باب قراءة القرآن في المصحف، ح ۳).

حضرت فرمود: آغاگر پایان دهنده، کسی که قرآن را (از ابتدای آن) می خواند و (به صورت منظم و پیوسته تا پایان) ختم می کند.

پس او برای اوست نزد خداوند، دعایی که اجابت شده است.

«قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الرِّجَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الْحَالُّ الْمُتَحِلُّ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْحَالُّ الْمُتَحِلُّ؟ قَالَ: أَلْفَاتِحُ الْخَاتِمِ الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَيَخْتِمُهُ، فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ».^۱

نامیدن قاری قرآن به «فرود آینده کوچ کننده» از این رو است که گویا آیات قرآن به منزله راه خداوند است که شخص قاری در هر منزلی فرود آمده پس از کسب توشه و استراحت به طرف منزلگاه بعدی به راه می افتد تا اینکه به منزلگاه نهایی برسد؛ این چنین فردی وقتی با جریان قرآن همراه شود به مقامی می رسد که دعایش نزد خداوند مقبول است.^۲

حکم شرعی «تلاوت مقدار ممکن از قرآن»

آیا تلاوت مقدار ممکن از قرآن (که در آیه ۲۰ سوره مُزَّمِّل دو بار به آن امر شده) واجب است، یا جنبه استحباب دارد؟

بعضی گفته اند: مسلماً مستحب است و بعضی احتمال وجوب داده اند، زیرا تلاوت قرآن، موجب آگاهی بر دلائل توحید و ارسال رُسل و اعجاز این کتاب آسمانی و فراگیری سایر واجبات دین می گردد، بنابراین تلاوت قرآن مقدمه واجب است و واجب می باشد....^۳

۱. وسائل الشیعه ۴/ ۸۴۲ (باب ۱۱ از ابواب قِراءة القرآن، ح ۹).

۲. پژوهشی پیرانن تدبّر در قرآن، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۳. تفسیر نمونه ۲۵/ ۱۹۵.

۹. مواردی که خواندن قرآن واجب است

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

تمامی مفسران و فقهای شیعه، اتفاق نظر دارند که این آیه، دلالت بر وجوب قرائت قرآن در نماز شب و نمازهای واجب روزانه دارد؛ و مقدار آن در نمازهای واجب، قرائت سوره حمد و یک سوره کامل دیگر است.^۲

در روایتی، از امام رضا علیه السلام علت وجوب قرائت قرآن در نماز را این گونه بیان می فرماید: «أَمَرَ النَّاسَ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا وَلِيَكُنْ مَحْفُوظًا مَدْرُوسًا فَلَا يَضْمَحِلُّ وَلَا يُجْهَلُ...»^۳

به مردم دستور داده شده «به قرائت قرآن در نماز»، تا که قرآن متروک و ضایع نگردد، بلکه محفوظ بمانده و (به عنوان) درس درس خوانده شود و نابود و فراموش نگردد. و در روایت دیگری، علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام می پرسد: شخصی در نمازهای واجب، تنها یک سوره را می خواند، در حالی که سوره های دیگر را نیز به خوبی بلد است، حکم او چیست؟ حضرت در جواب می فرماید: اگر غیر از آن سوره را به خوبی بداند، این کار را نکند؛ و الا اگر نمی داند، اشکالی ندارد.^۴ و روایات متعدد دیگری که از جمله آنها می توان «وجوب قرائت قرآن در نماز» را استنباط نمود؛ و حداقل آن، قرائت حمد و یک سوره کامل دیگر است.

۱. مزمل / ۲۰. «پس آنچه برای شما امکان پذیر و آسان است از قرآن بخوانید».

۲. مجمع البیان / ۱۰ / ۳۸۲؛ بحار الانوار / ۸۵ / ۱۰؛ تفسیر نمونه / ۲۵ / ۱۹۴؛ حقائق الناظره / ۸ / ۹۰ و...

۳. وسائل الشیعه / ۴ / ۷۳۳ (باب ۱ از ابواب القراءة القرآن فی الصلاة، ح ۳).

۴. همان / ۷۳۸ (باب ۶ از ابواب القراءة القرآن فی الصلاة، ح ۱).

اما حكم شرعى قرائت قرآن در غير نماز، بعضى از فقهاء گفته اند مستحب است و بعضى احتمال وجوب داده اند، زيرا تلاوت قرآن، موجب آگاهى بر دلائل توحيد و ارسال رُسل و اعجاز اين كتاب آسمانى و فراگيرى ساير واجبات دين مى گردد، بنا بر اين تلاوت قرآن، مقدمه واجب است و واجب مى باشد.^۱ در اين صورت بر هر مَكَلَّفى واجب است، براى تعليم و تربيت و آگاهى بر اصول و فروع اسلام و همچنين حفظ قرآن و رساندن آن به نسل هاى آينده، به مقدار ميسور، قرآن را تلاوت كند.

احكام وجوب قرائت قرآن

۱. واجب است در نماز صبح و دو ركعت اول از ساير نمازهاى واجب، قرائت سوره حمد و يك سوره كامل ديگر بعد از آن.^۲
۲. قرائت قرآن به واسطه نذر، عهد و قسم واجب مى شود.^۳
۳. اگر شخصى شيعى را به كسى اهدا كند و شرط نمايد كه مقدار معينى از قرآن را بخواند در اين صورت بر شخص گيرنده هديه، عمل به شرط واجب مى شود.^۴
۴. اگر كسى براى قرائت قرآن اجير شده باشد، براو واجب مى شود.^۵

۱. تفسير نمونه / ۲۵ / ۱۹۵.

۲. عروة الوثقى، فصل فى القراءة.

۳. استفتاءات جديد آيت الله تبريزى، سؤال ۱۳۱۱ و استفتاءات آيت الله مكارم، سؤال ۱۰۱۶.

۴. همان، سؤال ۱۷۳۹، و سؤال ۱۰۱۸.

۵. استفتاءات جديد آيت الله تبريزى، سؤال ۱۹۳۴.

۱۰. مواردی که خواندن قرآن مستحب است

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾^۱

آیا تلاوت مقدار ممکن از قرآن که در این آیه دو بار به آن امر شده، واجب است یا جنبه استحبابی دارد؟
ظاهر امر در جمله ﴿فَاقْرَءُوا﴾ وجوب است (چنان که در اصول فقه بیان شده) مگر اینکه گفته شود این «امر» به قرینه «اجماع فقها بر عدم وجوب» يك امر استحبابی است.

قرائت قرآن در روایات

صاحب وسائل، بعد از بحث قرائت قرآن در نماز، بحثی را تحت عنوان «ابواب قرائت قرآن در غیر نماز» مطرح کرده و صدها روایت در ۵۱ باب آورده که بیشتر آنها، حداقل دلالت بر استحباب یادگیری و قرائت قرآن کریم به صورت روزانه دارد، برای نمونه به چند تای آن، اشاره می‌کنیم:

۱. از پیامبر ﷺ نقل شده است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ».^۲

«برترین عبادت‌ها، قرائت قرآن است».

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَةِ وَكَانَ الْقُرْآنُ حَاجِزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...».^۳

۱. مزمل / ۲۰. «پس آنچه برای شما ممکن و آسان است از قرآن بخوانید».

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۲۵ (باب ۱ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱۰).

۳. همان / ۴ / ۸۳۳ (باب ۶ از ابواب قراءه القرآن، حدیث ۱).

هر کس قرآن را بخواند در حالی که جوان مؤمنی باشد، قرآن با گوشت و خون او عجین خواهد شد و خداوند او را با سفیران بزرگوار و نیکوکار قرار خواهد داد و قرآن جدا کننده او (از عذاب آخرت) خواهد بود در روز قیامت.

۳. امام صادق علیه السلام (در رابطه با سفارش های پیامبر به حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»). برتوباد به تلاوت قرآن در هر حالی.^۱

و در روایتی دیگر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «عَلَيْكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ، اقْرَأْ وَارْقُ فَكُلَّمَا قَرَأَ آيَةً يَرْقِي دَرَجَةً».^۲

بر شما باد به تلاوت قرآن، پس به درستی که درجات بهشت براساس تعداد آیات قرآن است، هنگامی که قیامت می شود، به قاری قرآن می گویند؛ بخوان و بالا برو، و (قاری قرآن) هر آیه ای که می خواند، یک درجه بالا می رود.

با توجه به هدف از نزول قرآن و آیات و روایاتی که از همه می خواهد تا به قرائت قرآن بپردازند، (اگر دلالت بروجوب نداشته باشند)، شکی باقی نمی ماند که «قرائت قرآن یک امر مستحب و مورد تأکید اسلام» می باشد و قرائت قرآن همیشه و همه جا مطلوب است، اما در بعضی موارد، سفارش بیشتری شده و قاری قرآن از اجرو پاداش مضاعفی برخوردار خواهد شد، از جمله:

۱. در حال نماز

در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، خواندن حمد و یک سوره کوتاه، کفایت می کند ولی تأکید شده که در نماز، قرآن بیشتری خوانده شود،^۳ زیرا اجرو پاداش قرائت قرآن در نماز، ده برابر حالت غیر نماز است.

۱. وسائل الشیعة ۴/ ۸۳۹ (باب ۱۱ از ابواب قراءة القرآن، حدیث ۱).

۲. همان ۸۴۲، ح ۱۰.

۳. عروة الوثقی، فصل فی مستحباب القراءة، مسأله ۱۰.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِئَةً حَسَنَةٍ وَمَنْ قَرَأَهُ فِي صَلَاتِهِ جَالِسًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَمَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ».^۱

کسی که قرآن را ایستاده در نمازش بخواند خداوند در برابر هر حرفی صد حسنه برای او می نویسد و کسی که نشسته در نمازش بخواند خداوند در برابر هر حرفی پنجاه حسنه برای او می نویسد و کسی که در غیر از نماز بخواند در برابر هر حرفی ده حسنه برای او می نویسد.

۲. در حال وضو و بعد از آن

بعضی از مستحبات وضو...، پانزده: خواندن «سوره قدر» در حال وضو؛ شانزده: خواندن «آیه الكرسي» بعد از وضو.^۲

۳. در حال تعقیب نماز

در تعقیب نماز، خواندن قرآن مستحب است، ولی بعضی از سوره ها و آیات تأکید بیشتری شده، مانند: سوره حمد و آیه الكرسي و آیه ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...﴾،^۳ و آیه ملك،^۴ و خواندن دوازده مرتبه سوره توحید و سپس دعا کردن.^۵

۴. هنگام زیارت قبور مؤمنین:

(فصل: در مستحبات قبل از دفن و هنگام دفن و بعد از آن است، و آنها عبارتند از): ... سی و پنجم: مستحب است زیارت قبور مؤمنین و درود فرستادن بر آنها... و همچنین مستحب است قرائت قرآن و طلب رحمت و مغفرت برای آنها و تأکید می شود که در روز دوشنبه و پنجشنبه به خصوص بعد از ظهر پنجشنبه... و مستحب است برای زائر اینکه دستش را بر قبر گذارد و رو به قبله باشد و هفت بار

۱. کافی / ۲ / ۶۱۱ باب ثواب قراءة القرآن، ح ۱.

۲. عروة الوثقی، فصل فی بعض المستحبات الوضوء.

۳. آل عمران / ۱۸.

۴. آل عمران / ۲۶ ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ﴾.

۵. عروة الوثقی، فصل فی التعقیب، امر هشتم و یازدهم.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ (سوره قدر) را بخواند و مستحب است خواندن سوره «حمد» و «مُعَوِّذَتَيْنِ» و «آية الكرسي» هريك سه بار و بهترين است روبه قبله بنشيند و جايز است ايستاده باشد؛ و نيز مستحب است خواندن «يس» و...^۱

۵. در بالين محتضر

مستحب است براي زودتر راحت شدن محتضر (كسي كه در حال جان كندن است) در بالين او، سوره «يس» و «صافات» خوانده شود و همچنين مستحب است خواندن «آية الكرسي» و آيه پنجاه و چهار سوره اعراف و سه آيه آخر بقره و سوره احزاب بلكه هر چه از قرآن ممكن است.^۲

۱. عروة الوثقى، في مستحبات الدفن، مورد ۳۵.

۲. همان، في احكام الأموات، فصل فيما يتعلق بالمحتضر، الخامس.

۱۱. مواردی که خواندن قرآن حرام است

قد است قرآن، اقتضا می‌کند که قاری قرآن در حالتی سزاوار و در مکانی مناسب به تلاوت و تدبیر پردازد؛ از این رو در احادیث وارده، از خواندن قرآن در بعضی از حالت‌ها، نهی شدید شده است که دلالت بر حرمت آن دارد و بعضی از حالت‌ها، پرهیز داده شده است که دلالت بر کراهت دارد.

مواردی که دلالت بر حرمت دارد

۱. خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند، بر شخص جُنُب، حرام است. هر چند بعضی از قسمت‌های آن باشد (بنابر احتیاط)، ولی اقوی این است که حرمت قرائت، تنها اختصاص به آیات سجده باشد (نه کل سوره).^۱
۲. خواندن آیات سجده و بنابر احتیاط خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند بر زن حائض حرام است.^۲
۳. حکم نفساء، همانند حکم حائض است در قرائت آیات سجده‌دار.^۳

۱. عروة الوثقی، فصل فی ما یحرم علی الجُنُب، الخامس.

«جنابت و جُنُب شدن»: حالت انسان پس از مقاربت یا انزال منی که غسل بر او واجب می‌شود.

۲. همان، فصل فی احکام الحائض، الثالث.

«حیض و حائض»: به خونی که از رحم زن، ماهی یک مرتبه و به مدت چند روز ادامه دارد «حیض» می‌گویند و به زنی که در حالت عادت ماهیانه باشد «حائض» گفته می‌شود.

۳. همان، فی احکام النفاس، مسألة ۱۰.

«نفاس و نفساء»: به خونی که پس از زاییدن از زنان خارج می‌شود، «نفاس» می‌گویند و به زنی که تازه زاییده باشد «نفساء» گفته می‌شود.

۴. برای مستحاضه متوسطه و کثیره، جایز نیست قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند، ولی اگر به وظایفش (از غسل و وضو) عمل کند در این صورت جایز است قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند و مَسّ کتاب قرآن.^۱
۵. خواندن قرآن به صورت سرود همراه با آهنگ جایز نیست.^۲

۱. عروة الوثقی، فی احکام الاستحاضه، مسأله ۱۸. (استحاضه: خون آمدن از رحم زن بعد از ایام حیض، پیوسته خون آمدن از زن پس از روزهای عادت، و به زن در آن حالت، مستحاضه می‌گویند).

۲. استفتاءات امام خمینی علیه السلام / ۲ / ۱۴، مسأله ۳۲؛ استفتاءات جدید آیت الله تبریزی (ره)، سؤال ۱۹۶۵.

۱۲. مواردی که خواندن قرآن کراهت دارد

حضرت صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می فرماید که حضرت علی علیه السلام فرمود: «سَبْعَةٌ لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ: الزَّكَعُ وَالسَّاجِدُ وَفِي الْكَنِيفِ وَفِي الْحَمَامِ وَالْجُنُبُ وَالنُّفْسَاءُ وَالْحَائِضُ»^۱.

قَالَ الصَّدُوقُ رحمته الله: «هَذَا عَلَى الْكَرَاهَةِ لَا عَلَى النَّهْيِ...».

هفت گروه قرآن نخوانند، آن کس که در حال رکوع است، در حال سجده است، در مُستراح (دستشویی)، در حمام، شخص جنب و نفساء و حائض. صدوق رحمته الله در ذیل این حدیث می فرماید: «نهی حضرت در اینجا دلالت بر کراهت دارد نه حرمت».

لازم به توضیح است که در مُستراح (دستشویی) خواندن «آیة الكرسي» و آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» استثناء شده است:

عمر بن یزید می گوید از حضرت صادق علیه السلام درباره تسبیح خداوند و قرائت قرآن در مُستراح (دستشویی) پرسیدم؟ حضرت فرمودند: «لَمْ يُرَخَّصْ فِي الْكَنِيفِ أَكْثَرُ مِنْ آيَةِ الْكُرْسِيِّ وَيَحْمَدُ اللَّهُ أَوْ آيَةِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»»^۲. جایز نیست در مُستراح (دستشویی) بیشتر از «آیة الكرسي» و «حمد خداوند» و آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» خوانده شود.

۱. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲. وسائل الشیعه / ۱ / ۲۲۰ ح ۷، باب ۷ از ابواب احکام الخلوة.

از حضرت صادق عليه السلام نقل شده است: «تَتَوَضَّأُ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَأْكُلَ، وَ إِذَا كَانَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَوَضَّأَتْ، وَاسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ، وَهَلَّلَتْ، وَكَبَّرَتْ، وَتَلَّتِ الْقُرْآنَ، وَ ذَكَرَتْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ».^۱

زن حائض وقتی خواست - چیزی - بخورد، وضو می گیرد، و هرگاه وقت نماز شد، وضو می گیرد و رو به قبله می نشیند و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» می گوید، و قرآن تلاوت می کند و خداوند عزیز و جلیل را یاد می کند.

محمد بن مسلم: از امام باقر عليه السلام سؤال کردم آیا امیرمؤمنان عليه السلام از خواندن قرآن در حمام نهی می کرد؟

حضرت فرمود: «لَا إِنَّمَا نَهَى أَنْ يَقْرَأَ الرَّجُلُ وَهُوَ عُرْيَانٌ فَأَمَّا إِذَا كَانَ عَلَيْهِ إِزَارٌ فَلَا بَأْسَ».^۲

نه، فقط نهی کرد از اینکه شخص قرآن بخواند در حالی که عریان است، اما وقتی که براو لنگی (پوشیده) باشد پس اشکالی ندارد.

ابی بصیر می گوید: از حضرت در رابطه با قرائت قرآن در حمام پرسیدم، حضرت فرمودند: «إِذَا كَانَ عَلَيْكَ إِزَارٌ فَاقْرَأِ الْقُرْآنَ إِنْ شِئْتَ كُلَّهُ».^۳

اگر بر تو لنگی (پوشیده) باشد، پس بخوان قرآن را اگر خواستی همه آن را.^۴
نَقَلَ مِنَ خَطِّ الشَّهِيدِ عليه السلام: «نَهَى عَلِيُّ عليه السلام عَنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ عُرْيَانًا».^۵

۱. وسائل الشیعة / ۲ / ۵۸۸ باب ۴۰ از ابواب الحيض، ح ۵.

۲. همان ۳۷۳/۱ (أبواب آداب الحمام، باب ۱۵، حدیث ۱).

۳. همان، ص ۳۷۴ (حدیث ۷).

۴. به طور کلی، از خواندن قرآن در حالت عریان بودن، نهی شده است و در حمام بودن خصوصیتی ندارد، جز آنکه فرض مذکور (عریان بودن) بیشتر در حمام رخ می دهد.

۵. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۶. (کتاب القرآن، باب آداب القراءة وأوقاتها، ح ۱۹).

احکام

۱. کراهت دارد در رکوع اموری ... چهارم: قرائت قرآن در حالت رکوع.^۱
 ۲. کراهت دارد قرائت قرآن در حالت سجده، همانگونه که در حالت رکوع کراهت دارد.^۲
 ۳. کراهت دارد بر جُنب ... خواندن بیش از هفت آیه از قرآن به استثنای سوره‌هایی که سجده واجب دارند (که قرائت آنها به کلی حرام است) و خواندن بیش از هفتاد آیه کراهتش بیشتر است.^۳
 ۴. کراهت دارد برای حائض: خواندن قرآن اگرچه کمتر از هفت آیه باشد.^۴
 ۵. نفساء، همانند حائض است ... و همچنین در کراهت قرائت قرآن (اگرچه کمتر از هفت آیه باشد).^۵
 ۶. خواندن سوره توحید به يك نفس مکروه است.^۶
 ۷. کراهت دارد تکرار يك سوره در دو رکعت.^۷
- یادسپاری:** کراهت قرائت قرآن برای حائض و نفساء و مستحاضه، مربوط به غیر وقت نماز است، اما در هنگام نمازهای روزانه، مستحب است که خودش را پاکیزه کند و وضو بگیرد، روبه روی قبله بنشیند و به تحمید و تسبیح و درود فرستادن بر محمد ﷺ و قرائت قرآن بپردازد.^۸

۱. عروة الوثقی (فی مستحبات الركوع و مکروهاته، م ۲۷).

۲. همان، (فی مستحبات السجود، م ۳، توضیح المسائل، م ۳۵۶).

۳. همان، (فصل فی ما یکره علی الجنب).

۴. همان، (فی احکام الحائض، م ۴۲).

۵. همان، (فی احکام النفاس، م ۱۰).

۶. همان، (فی مستحبات القراءة، م ۲).

۷. همان، (م ۳).

۸. همان، (فی احکام الحائض، م ۴۱).

بعضی از مکروهات در ارتباط با قرآن^۱

۱. خواندن قرآن بر:

۱. شخص جُنُب اگریش از هفت آیه بخواند؛
۲. حائض اگرچه کمتر از هفت آیه بخواند؛
۳. نَفَسَاء اگرچه کمتر از هفت آیه بخواند.

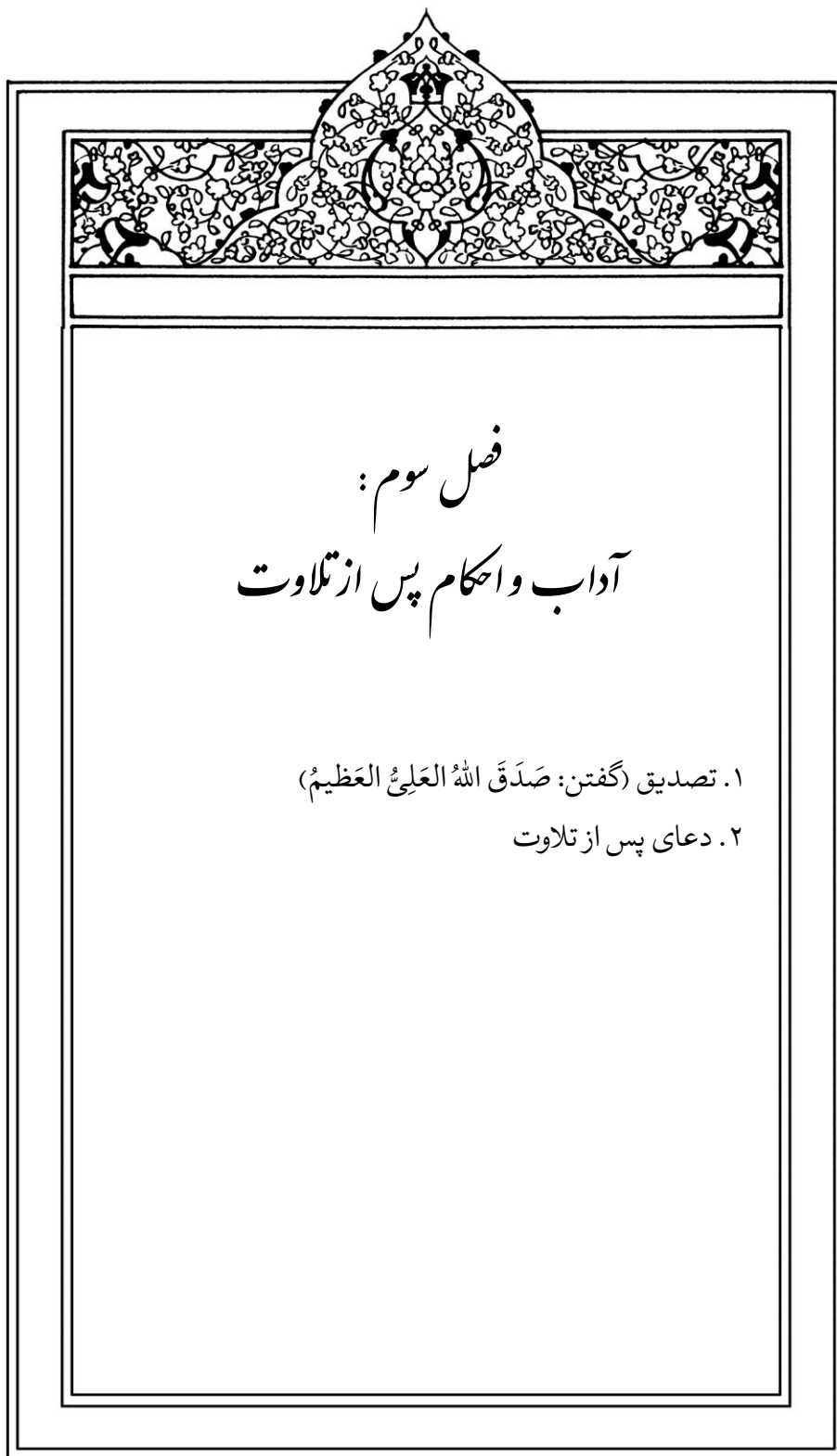
۲. مَسّ جلد، حواشی و بین سطور قرآن بر:

۱. شخص بی وضو؛
۲. جُنُب؛
۳. حائض؛
۴. نَفَسَاء.

۳. حمل کردن و آویختن قرآن بر:

۱. شخص بی وضو؛
۲. جُنُب؛
۳. حائض؛
۴. نَفَسَاء.

۱. قرآن در آئینه احکام / ۱۱۷.



فصل سوم: آداب و احکام پس از تلاوت

۱. تصدیق (گفتن: صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)

۲. دعای پس از تلاوت

۱. تصدیق (گفتن: صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)

«تصدیق»، در لغت به معنای: «باور کردن، به راستی و درستی امری گواهی دادن» است.

و در اصطلاح قرائت: «باور کردن و گواهی دادن به راستی و درست بودن آیات تلاوت شده با گفتن جمله صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ».

قرآن، کلام خداوند است و آن گاه که قرآن می خوانیم در واقع خدای مهربان با ما سخن می گوید، ادب اقتضا می کند که هنگام تلاوت یا شنیدن کلام وحی، خود را مخاطب آیات الهی ببینیم و در معنای سخنانش تأمل کنیم و به مناسبت معنای آیات، سخنان شایسته ای بگوییم و در گفتگو با پروردگارمان شرکت کنیم.

در روایات مختلف از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سفارش شده که آیات قرآن باید با توجه به معنای آن خوانده شود و اذکاری متناسب با آن آیات، گفته شود، از جمله وقتی آیه ﴿فَبَايَ الْآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ را تکرار می کنید، بگویید: «لَا بَشَىءٌ مِنْ غَالِئِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»، و یا با خواندن آیات ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ بگویید: «لَبَّيْكَ رَبَّنَا» و یا با خواندن سوره «شمس»، بگویید: «صَدَقَ اللهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»^۱.

از جمله سفارش شده که در پایان قرائت، جمله «تصدیق» را بر زبان جاری شود و به درستی و راست بودن آیات تلاوت شده با گفتن «صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»، گواهی داده شود.

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۵۷-۷۵۸ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلوة).

ابن عباس نقل می کند که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جواب سؤال عالم یهودی (ابن سلام) که از حضرت خواسته بود تا آغاز و ختم قرآن را به او خبر دهد، حضرت فرمودند: آغاز قرآن ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و پایان و ختم قرآن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» است.^۱

علامه مجلسی در پایان حدیث (ص ۲۶۲) در توضیح این فراز می فرماید: یعنی سزاوار است که ختم قرآن، با تصدیق کلام خداوند باشد.

در مفاتیح الجنان، یکی از اعمال نیمه رجب را، عمل اُمّ داوود بیان کرده است؛ اُمّ داوود مادر داوود بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام و مادر رضاعی امام صادق علیه السلام است.

اُمّ داوود برای رهایی فرزندش از زندان منصور نزد امام صادق علیه السلام آمد و درخواست دعا کرد.

حضرت صادق علیه السلام به او فرمودند: روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب را روزه بگیر و سپس اعمالی را به او یاد داد که انجام دهد از جمله آن، خواندن سوره های خاصی از قرآن کریم است، سپس حضرت فرمودند: پس از فراغت از قرائت قرآن کریم می گویی: «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ».^۲

راست فرمود خدای بزرگ که معبوی جزا و نیست، خدای زنده و به خود پاینده، دارای بزرگی و بزرگواری، مهربان و بخشنده، بردبار و کریم، که چیزی همانند او نیست و او شنوای دانای بینای آگاه است.

عالم ربّانی، ملا احمد نراقی رحمته الله در آداب ظاهریه قرائت قرآن کریم آورده است: و از هر سوره که فارغ شود بگوید: «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَبَلَغَ رَسُولُهُ الْكَرِيمُ، اَللّهُمَّ اَنْفَعْنَا بِهِ وَبَارِكْ لَنَا فِيهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۳.

۲. مفاتیح الجنان، اعمال نیمه رجب؛ بحار الانوار/ ۹۸/ ۴۰۰. باب ۱۲۶ از کتاب اعمال السنین والشهور والایام.

۳. معراج السعادة / ۸۷۱.

راست گفت خداوند والا مرتبه بزرگ، و ابلاغ کرد پیامبر بزرگوارش، خداوند، بهره‌مند ساز ما را به وسیله قرآن، و خیر و برکت قرار ده برای ما در آن، حمد و سپاس ویژه خداوند، پروردگار جهانیان است.

و در کتاب سرالبیان، از جمله دعا‌های ختم قرآن را، این دعا آورده است:
«صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَصَدَقَ وَبَلَغَ رَسُولُهُ النَّبِيُّ الْكَرِيمُ وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ وَالشَّاكِرِينَ، سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

راست گفت خداوند والا مرتبه بزرگ، و راست گفت و ابلاغ کرد پیامبر بزرگوارش، و ما بر این گفتار از گواهان و سپاس گزارانیم، پاک و منزّه است خداوند غالب و قاهر از آنچه که توصیفش می‌کنند و سلام بفرستادگان (از طرف خدای متعال) و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.

نکته: آیا گفتن «صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» از بدعت‌های شیعه است؟ و متضمن

«غلو» درباره «حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام)» است؟

اولاً: لفظ «عَلِيٌّ» در جمله اختتامیه قرآن که شیعه می‌گوید، وصف است برای خداوند تبارک و تعالی، نه این که «عَلَم» باشد برای شخص «حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام)».

ثانیاً: اگر این تعبیر، بدعت باشد، بدعت‌گزاران، خداوند متعال است که در کلامش لفظ «عَلِيٌّ» را توأم با لفظ «عَظِيم» وصف خود قرار داده است:

۱. «... وَلَا يُؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^۱.

۲. «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^۲.

ثالثاً: عبارت «صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ» که اهل سنت می‌گویند، آن شکوه و رسایی ستایشی را ندارد که عبارت «صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» دارد، زیرا لفظ «عَلِيٌّ» در قرآن، فقط در بیان خوبی‌ها و وصف خداوند متعال استعمال شده است، اما لفظ

۱. بقره / ۲۵۵.

۲. شوری / ۴، و در چند جای دیگر، «هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» آمده است.

«عظیم» هم در وصف خوبی‌ها آمده و هم در وصف بدی‌ها استعمال گردیده است؛ مانند:

۱. ﴿... وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾.^۱

۲. ﴿... وَجَاءَ وَبِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾.^۲

۳. ﴿... إِنَّ كَيْدُكَ عَظِيمٌ﴾.^۳

۴. ﴿... سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾.^۴

نتیجه آنکه گفتن: «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» نه تنها «بدعت» و متضمن «غلو» درباره امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نیست بلکه ستایش و توصیف خداوند متعال است به بهترین وصفی که خداوند در قرآن برای خود آورده است.

۱. بقره / ۷.

۲. اعراف / ۱۱۶.

۳. یوسف / ۲۸.

۴. نور / ۱۶.

۲. دعای پس از تلاوت

در کتاب بحار آمده که حضرت علی علیه السلام هنگام ختم قرآن این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ اشْرَحْ لِقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ بِالقُرْآنِ بَدَنِي وَنَوِّرْ بِالقُرْآنِ بَصْرِي وَأَطْلِقْ بِالقُرْآنِ لِسَانِي وَأَعِثْ عَلَيَّ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ»^۱.

«بار خدایا، سینه ام را با قرآن بگشا و بدنم را به واسطه قرآن (به کار گیر) و چشمم را با قرآن نورانی گردان و زبانم را با قرآن گویا کن و تا زنده ام مرا در راه قرآن یاری کن، زیرا هیچ نیرو و قدرتی جز به توست».

در کتاب مُحَجَّجَةُ الْبَيْضَاء آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ختم قرآن این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِالقُرْآنِ وَاجْعَلْهُ لِي إِمَامًا وَنُورًا بَيْنَ يَدَيَّ وَهُدًى وَرَحْمَةً، اللَّهُمَّ ذَكِّرْنِي مِنْهُ مَا نَسِيتُهُ وَعَلِّمْنِي مِنْهُ مَا جَهِلْتُ وَارْزُقْنِي تِلَاوَتَهُ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاجْعَلْهُ حُجَّةً يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۲.

بار خدایا به برکت قرآن بر من رحم کن و آن را پیشوا و مایه نور و هدایت و رحمت قرار ده، بار خدایا آنچه را فراموش کرده ام به خاطر بیاور و به من آموزش ده، آنچه را که نمی دانم و روزیم کن تلاوتش را در آغاز و انجام روز و آن را دلیل و راهنمای من قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده هنگامی که از قرائت قرآن فارغ می شد، این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صلی الله علیه و آله، فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ

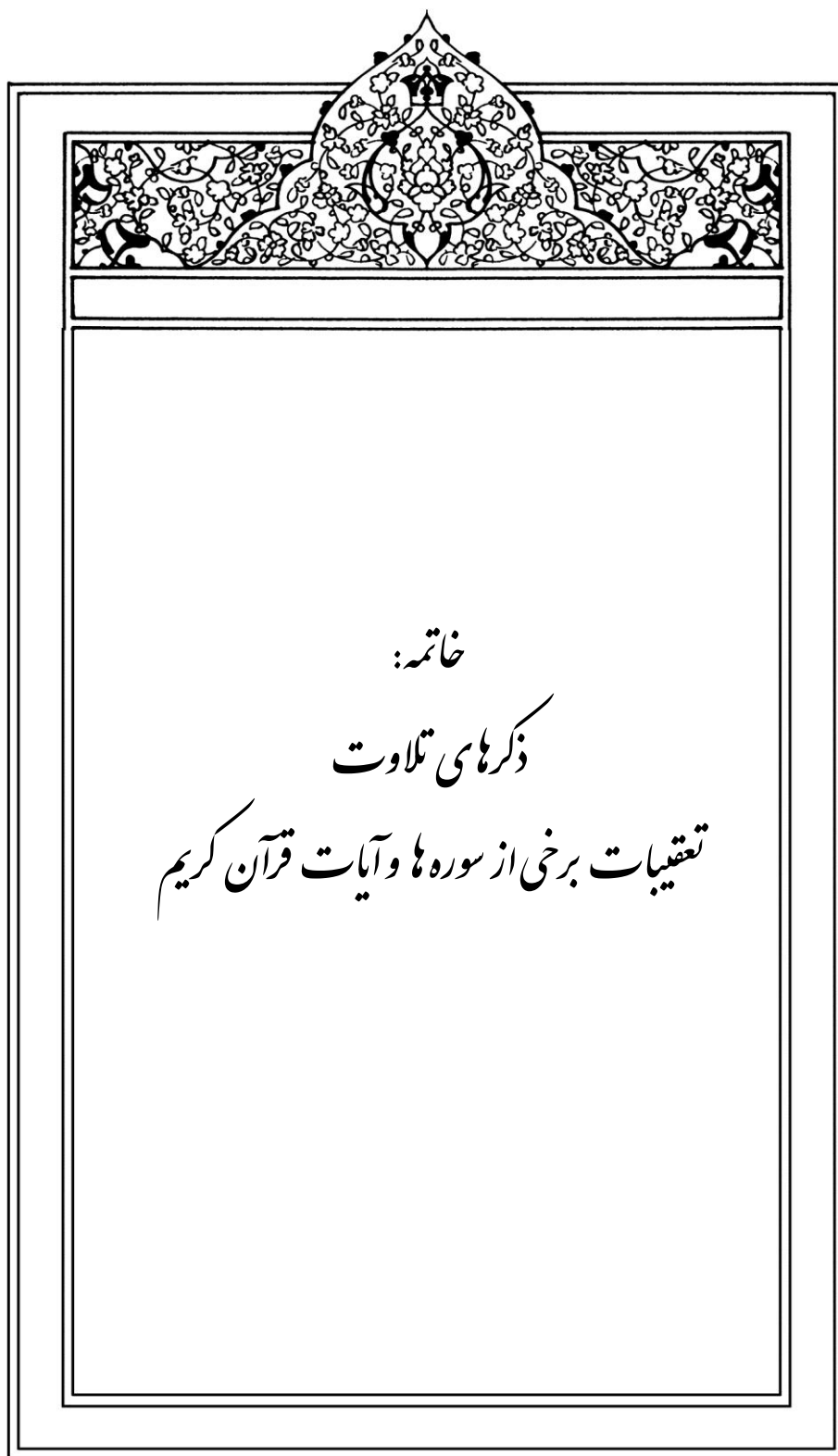
۱. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۰۹؛ (کتاب القرآن، باب ادعية التلاوة، ح ۶).

۲. مُحَجَّجَةُ الْبَيْضَاء فِي تَهْذِيبِ الْإِحْيَاء (نوشته محدث بزرگ ملامحسن کاشانی) / ۲ / ۲۷۷.

مُحْكِمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَاجْعَلْهُ لِي أُنْسًا فِي قَبْرِي وَأُنْسًا فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرْقِيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۱

بار خدایا، همانا خواندم آنچه را که فرمان داده بودی از کتابت را که بر پیامبر راستگویت ﷺ نازل کرده‌ای، پس ای خدا (به خاطر این توفیق) حمد و ستایش از آن توسست؛ بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارند؛ و به آیات محکم و متشابه آن ایمان دارند؛ و آن را در قبر و رستاخیز، مونس و همنشین من قرار ده، و مرا در زمره افرادی قرار ده که با خواندن هر آیه‌ای از آن، يك درجه در اعلا علیین بالا می‌بری، دعایم را اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

۱. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۰۷ و دعای دیگر در صفحه ۲۰۸، کتاب القرآن، باب ادعیه التلاوة.



خاتمه:

ذکرهای تلاوت

تعقیبات برخی از سوره ها و آیات قرآن کریم

پیش‌گفتار

قرآن، کلام خداوند است و آنگاه که قرآن می‌خوانیم در واقع خدای مهربان با ما سخن می‌گوید، ادب اقتضا می‌کند که در هنگام تلاوت یا شنیدن کلام وحی، خود را مخاطب آیات الهی ببینیم و در معنای سخنانش تأمل کنیم؛ در وقت شنیدن آیات شوق‌انگیز، اشتیاق خود را نشان دهیم و به گاه شنیدن آیات ترساننده، ترس و خشیت خورا؛ دیگر آنکه گه‌گاه به مناسبت معنای آیات، سخنان شایسته‌ای بگوییم و در گفتگو با پروردگارمان شرکت کنیم.

زمانی که به سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌نگریم، می‌بینیم در هنگام تلاوت برخی از آیات، ذکرهایی را بر زبان مبارکشان جاری می‌ساختند؛ این ذکرها، متناسب با محتوای همان آیاتی است که تلاوت می‌فرمودند.

در این قسمت سعی شده تا ذکرهای مزبور را گردآوری نماییم، تا با الگو قرار دادن قرائت آن بزرگواران، تلاوت خود را پرمعنا تر و لذت‌بخش‌تر کنیم.

۱. شروع قرآن با «استعاذه»

«استعاذه»، در لغت به معنای: «پناه خواستن، پناه بردن» است. و در اصطلاح قرائت: گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است. براساس دستور خداوند در قرآن کریم، باید شروع قرآن با «استعاذه» باشد. ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱. و هنگامی که قرآن می‌خوانی، پس از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده به خدا پناه ببر. راوی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌فرماید که آن حضرت قبل از خواندن قرآن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می‌گفتند.^۲

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنگام احتجاج بر علیه هارون الرشید، هربار که می‌خواستند به آیه‌ای از قرآن استدلال نمایند، ابتدا می‌گفتند: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۳، سپس آن آیه را قرائت فرمودند. حنان بن سدید می‌گوید: روزهای (مختلف) پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم، حضرت نخست با صدای بلند «استعاذه» و سپس «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» می‌فرمودند.^۴

یادسپاری: برای اطلاع بیشتر در رابطه با نحوه استعاذه و حکم شرعی آن، به مبحث استعاذه، همین نوشته مراجعه فرمایید.

۱. نحل / ۹۸.

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۰۱ (باب ۵۷ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۶).

۳. عیون أخبار الرضا / ۱ / ۱۸.

۴. وسائل الشیعه / ۴ / ۷۵۸ (باب ۲۱ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۳).

۲. شروع قرآن با «تَسْمِيَه» و ختم آن با «تَصْدِيق»

«بَسْمَلَه» و «تَسْمِيَه»، معادل عبارت «بِسْمِ اللَّهِ» در زبان فارسی است و به معنای: گفتن ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است.

خداوند بزرگ در نخستین آیاتی که بر پیامبرش ﷺ وحی فرمود، دستور می دهد که در آغاز شروع تبلیغ اسلام، این وظیفه خطیر را با نام خدا شروع کند.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾^۱

بعضی از مفسرین کلمه «قرآن» را بعد از «اقْرَأْ» در تقدیر می دانند؛ یعنی: «اقْرَأِ الْقُرْآنَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي...»، قرآن را با نام پروردگارت بخوان.^۲

از این رو بر مسلمانان نیز لازم است که قرآن را با «بسم الله» شروع کنند علمای علم قرائت، جملگی ذکر «بسم الله» را آغاز قرائت هربخشی از قرآن را لازم می دانند و هیچیک از آنان، آغاز قرائت را بدون «بَسْمَلَه» جایز نمی دانند.^۳

«تصدیق»، در لغت به معنای «باور کردن، به راستی و درستی امری گواهی دادن» است. در اصطلاح قرائت: «باور کردن و گواهی دادن به راستی و درست بودن آیات تلاوت شده با گفتن جمله «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» است».

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جواب عالم یهودی که از او پرسید: شروع و ختم قرآن با چیست؟ حضرت پاسخ فرمودند: شروع و ابتدای قرآن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و پایان و ختم قرآن «صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» است.^۴

۱. علق ۱/.

۲. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۱۵۵.

۳. النشر فی القراءات العشر / ۱ / ۲۶۳.

۴. بحار الانوار / ۶۰ / ۲۴۳ (کتاب السماء و العالم، باب ۳۶، باب نادر).

۳. وقف بر فواصل آیات

«فواصل»، (جمع فاصله) در لغت به معنای: «جدا کننده دو چیز از یکدیگر» است. و در اصطلاح قرائت: «کلمه آخر آیه است».^۱

به آخر آیات، «فواصل» گفته می‌شود، برای اینکه بین آیات قبل و بعد، فاصله و جدایی می‌اندازد.

قرآن کریم از ۱۱۴ سوره و هر سوره از آیاتی تشکیل گردیده است. محدوده آیات در هر سوره، بر اساس وحی الهی و با دستور پیامبر گرامی اسلام ﷺ مشخص گردیده است و کوتاهی و بلندی هر آیه به مطالب مندرج در آن بستگی ندارد و صرفاً امر توقیفی است.

یکی از وجوه اعجاز قرآن، نظم و ترتیب این آیات در یک سوره است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای مشخص بودن فواصل آیات، بر آخر آیات توقف می‌کردند، از این رو وقف بر آخر آیات، «سنت نبوی» شمرده شده است.^۲

از اُمِّ السَّلَمَه (همسر پیامبر گرامی اسلام ﷺ) نقل شده است: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقْطَعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً».^۳

پیامبر همیشه قرائتش را آیه آیه قطع می‌کرد (یعنی بر آخر آیات توقف می‌کردند). از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «يُكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي نَفْسٍ وَاحِدٍ».^۴

کراهت دارد سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ با یک نفس خوانده شود.

همه فقهای شیعه، وقف بر فواصل آیات را جزء مستحبات قرائت شمرده‌اند.^۵

۱. الاتقان / ۹۶/۲.

۲. النشر فی القراءات العشر / ۲۲۶.

۳. مجمع البیان / ۵/۵۶۷.

۴. کافی / ۳/۳۱۴ (کتاب الصلاة، باب قراءة القرآن، ح ۱۱).

۵. العروة الوثقی، فصل فی مستحبات القراءة، الخامس: الوقف علی فواصل الآیات.

۴. بعد از تلاوت سوره «حمد»، «تَحْمِيد» (گفتن: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)

«تَحْمِيد»، گفتن یا نوشتن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» یا «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مصدر منحوت (تراشیده شده) آن «حَمَدْلَه» است.

«تَحْمِيد»، از اذکاری است که مسلمانان آن را مدام بر زبان جاری می کنند، زیرا بنابر احادیث، گفتن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» به جا آوردن شکر نعمت های بزرگ و کوچک خداوند است، و هیچ چیز نزد خداوند دوست داشتنی تر از گفتن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ» نیست.^۱ آغاز سوره حمد با تحمید و ستایش پروردگار شروع می شود و با ابراز ایمان به مبدء و معاد (خداشناسی و ایمان به رستاخیز) ادامه می یابد و با تقاضای توفیق برای پیمودن صراط مستقیم که همان صراط انبیاء و صدّیقین و جانشینان برحق پیامبران الهی است پایان می گیرد.

حداقل شرط مسلمانی، ایمان به خداوند و روز رستاخیز و پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که همه باید این اعتقاد را در وجود خود مُحَقَّق سازند و با خواندن سوره حمد در نمازهای یومیّه، خداوند را بر تحقق این اعتقادات در وجود خود، با گفتن «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» به حمد و سپاس الهی پردازند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِذَا قَرَأْتَ الْفَاتِحَةَ فَفَرَّغْتَ مِنْ قِرَاءَتِهَا، فَقُلْ: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».^۲

هنگامی که سوره فاتحه را خواندی و از خواندن آن فارغ شدی، بگو: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: هنگامی که پشت سر امام (جماعت) هستی و او سوره حمد را خواند و از خواندنش فارغ گشت، پس بگو: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و «آمین» نگو.^۳

۱. دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۶۸۳.

۲. مجمع البیان ۳۱/۱.

۳. همان.

راوی می‌گوید: هرگاه امام رضا علیه السلام از خواندن سوره فاتحه (حمد) فارغ می‌شدند، می‌گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».^۱

سِرِّ «حمد و سپاس الهی» بعد از قرائت «سوره حمد» شاید برای این باشد: مسلمانان وقتی که این سوره را تلاوت و در آیات آن تفکر می‌کنند درمی‌یابند که مضامین این آیات در وجودشان مُحَقَّق شده است، از این رو «به شکرانه این توفیق الهی» سزاوار است «به حمد و سپاس الهی» بپردازند؛ اما افرادی که در تحقق مضامین این آیات در وجود خود شک دارند، با گفتن «آمین» از خداوند می‌خواهند تا آنها را به سوی صراط مستقیم هدایت کنند، از این رو در روایات از گفتن «آمین» نهی گردیده است.

همه فقهای شیعه، براستحباب ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بعد از فراغت سوره حمد، فتوا داده‌اند (در نماز یا غیرنماز).^۲

۱. عیون اخبار الرضا/ ۲/ ۱۸۳ (باب ذکر اخلاق الرضا و وصف عبادته).

۲. العروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی مستحبات القراءة، التاسع ...

۵. بعد از تلاوت سوره اخلاص گفتن: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي»

سوره «اخلاص»، از توحيد ويگانگي خداوند سخن مي گويد و در چهار آيه کوتاه، چنان توصيفي از يگانگي خداوند کرده که نیاز به اضافه ندارد.

در روايات زيادي، سوره «اخلاص»، معادل يك سوم قرآن شمرده است، زيرا مجموعه قرآن، مشتمل بر «احكام» و «عقائد» و «تاريخ» است و اين سوره بخش «عقائد» را به طور فشرده بيان مي کند، و در روايات فراوان ديگر سفارش گرديده است که بعد از خواندن اين سوره، به وحدانيت خداوند و اوصافي که در اين سوره براي او بيان شده است شهادت دهيد و بگوييد «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» خداوند، پروردگار من اين چنين است.

امام صادق عليه السلام مي فرمايد: هرگاه پدرشان از قرائت سوره اخلاص، فارغ مي شدند مي گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي».^۱

فضيل بن يسار مي گويد: امام باقر عليه السلام به من امر فرمودند ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخوانم و وقتی از آن فارغ شدم، سه بار بگويم «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي».^۲

راوي مي گويد: هنگامی که امام رضا عليه السلام ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را قرائت مي کرد، آهسته مي گفتند «هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و وقتی که از خواندن سوره، فارغ مي شدند، سه بار مي گفتند: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».^۳

همه فقهای شيعه بر استحباب ذکر «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» يا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» بعد از قرائت سوره اخلاص، فتوا داده اند؛ (در نماز يا غير نماز)^۴

۱. وسائل الشيعه / ۴ / ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءه في الصلوة، ح ۲).

۲. مجمع البيان / ۵ / ۵۶۸.

۳. وسائل الشيعه / ۴ / ۷۵۶، ح ۷.

۴. العروة الوثقى، كتاب الصلوة، فصل في مستحبات القرائة، التاسع ...

۶. بعد از تلاوت سوره «تَبَّتْ» (مَسَد) برابر ابولهب نفرین گردد

در سوره تَبَّتْ (مَسَد)، حمله شدیدی به یکی از دشمنان اسلام و پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله شده است.

محتوای سوره، نشان می‌دهد که ابولهب و همسرش، دشمنی خاصی نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داشتند و از هیچ‌گونه کارشکنی و بدزبانی مضایقه نداشتند. در روایات آمده است: وقتی این سوره را می‌خوانید بر علیه ابولهب، دعا و لعن و نفرین کنید.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِذَا قَرَأْتُمْ «تَبَّتْ» فَادْعُوا عَلَى أَبِي هَبٍ فَإِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»^۱.

هنگامی که (سوره) تَبَّتْ را قرائت کردید، پس بر علیه ابولهب دعا (و لعن و نفرین) کنید، زیرا او از تکذیب‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه از نزد خداوند آورده بود، می‌باشد. بدیهی است که این لعن و نفرین، لعن و نفرین بر خط و روش ابولهب است و اختصاص به ابولهب ندارد، هرکس بر علیه اسلام نقشه می‌کشد باید مورد لعن و نفرین قرار گیرند، مرگ بر آمریکا و سایر مستکبران از همین دستور نشأت گرفته است.

۷. بعد از تلاوت سوره «نصر»، تسبیح و تحمید و استغفار خداوند

این سوره در مدینه و بعد از هجرت نازل شده است و در آن بشارت و نوید از پیروزی عظیمی می‌دهد که به دنبال آن، مردم گروه‌گروه وارد دین خدا می‌شوند و لذا به شکرانه این نعمت بزرگ، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را دعوت به «تسبیح» و «حمد» الهی و «استغفار» می‌کند.^۱

این سوره به ما می‌آموزد که ممکن است به هنگام پیروزی، واکنش‌های نامطلوبی در انسان پیدا شود و گرفتار «غرور و خودبرتربینی» گردد و یا در برابر دشمن دست به «انتقام جویی و تصفیه حساب شخصی» زند، این سه دستور به ما آموزش می‌دهد که در لحظه حساس پیروزی، به یاد صفات جلال و جمال خدا بیفتیم و همه چیز را از او بدانیم و در مقام استغفار برآییم تا هم غرور و غفلت ما زایل گردد و هم از انتقام جوئی برکنار مانیم.

ابن مسعود می‌گوید: هنگامی که سوره نصر، نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار می‌گفت: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».^۲ خداوندا، منزهی، و تو را حمد و ستایش می‌کنم، خداوندا، مرا ببخش که تو بسیار توبه‌پذیر و مهربانی.

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالْآخِرَةِ لَا يَقُومُ وَلَا يَقْعُدُ وَلَا يَجِيءُ وَلَا يَذْهَبُ إِلَّا قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»؛ فَسَأَلْنَاهُ عَنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: «إِنِّي أُمِرْتُ بِهَا، ثُمَّ قَرَأَ ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾».^۳

ام سلمه (همسر گرامی پیامبر اسلام) می‌گوید: پیامبر روزهای آخر (زندگی خود) بلند نمی‌شد و نمی‌نشست، و رفت و آمد نمی‌کرد مگر اینکه می‌گفت: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»، علتش را از او جویا شدیم، حضرت فرمودند: دستور داده شدم به آن، سپس سوره نصر را خواندند.^۴

۱. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۳۹۴

۲. مجمع البیان / ۴ / ۵.

۳. همان / ۵ / ۴۵۴.

۴. همان.

۸. بعد از تلاوت سوره «کافرون» اقرار به «بندگی خداوند یگانه»

این سوره در مکه نازل شده است و لحن و محتوای آن نشان می‌دهد در زمانی نازل شده که مسلمانان در اقلیت بودند و کفار در اکثریت و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از ناحیه آنها سخت در فشار بودند و اصرار داشتند او را به سازش با شرک بکشانند، پیامبر صلی الله علیه و آله دست ردّ بر سینه همه آنها می‌زند و آنها را به کلی مأیوس می‌کند، بدون آنکه بخواهد با آنها درگیر شود.

این سرمشقی است برای همه مسلمانان که در هیچ شرائطی در اساس دین و اسلام با دشمنان سازش نکنند و هر وقت چنین تمّایی از ناحیه آنها صورت گیرد، آنها را کاملاً مأیوس کنند.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: هنگامی که گفتم: «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» پس بگو: «وَلِكَيْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي»، (ولكن من عبادت می‌کنم خداوند را و دینم خالصانه برای اوست)، و هنگامی که از سوره فارغ شدم، سه بار بگو: «دینی الاسلام»، (دین من اسلام است).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم می‌گفت: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ربع قرآن است، و هنگامی که از آن فراغت می‌یافت می‌فرمود: «أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ، أَعْبُدُ اللَّهَ وَحْدَهُ»، (تنها خداوند را عبادت می‌کنم، تنها خداوند را عبادت می‌کنم).^۲

تعبیر به «ربع القرآن» شاید به خاطر این باشد که حدود یک چهارم قرآن، مبارزه با شرک و بت پرستی است و عصاره آن در این سوره (کافرون) آمده است.

۱. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۳۸۰.

۲. مجمع البیان / ۵ / ۵۵۱.

۹. بعد از تلاوت سوره «تين» گفتن: «وَنَحْنُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ».

سوره «تين» بر محور آفرينش زيبای انسان، و مراحل تكامل و انحطاط او دور می زند، و اين مطلب با سوگندهای پرمعنایی در آغاز سوره شروع شده است. و بعد از شمردن عوامل پيروزی و نجات انسان، سرانجام با تأكيد معاد و حاکمیت مطلقه خداوند پايان می گیرد.^۱

خداوند در آيه آخر خطاب به انسان ها می فرماید: ﴿الَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾.^۲

«آيا خداوند بهترين حكم كنندگان و داوران نيست»؟

در احاديث مختلف از پيامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومين عليه السلام آمده است كه قاريان قرآن بعد از خواندن اين آيه، به «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» بودن خداوند، گواهی دهند.

در حديثی آمده است: هرگاه پيغمبر اکرم ﷺ سوره «والتين» را تلاوت می فرمود، وقتی به آيه ﴿الَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾ می رسيد، می فرمود: «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ».^۳ آری خداوند بهترين حكم كنندگان است و من براين امر گواهم. و در حديثی يگراز اميرمؤمنان علی بن ابی طالب عليه السلام آمده است: هرگاه سوره «والتين» را خوانديد، در آخرش بگوئيد: «وَنَحْنُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ» و ما برآن از گواهانيم.^۴

راوی می گوید: هرگاه امام رضا عليه السلام سوره «والتين» را قرائت می نمودند، در پايان آن (يعنی بعد از آيه ﴿الَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ﴾) آيا خداوند بهترين حكم كنندگان نيست؟) می گفتند: «بَلَىٰ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ»^۵، آری خداوند بهترين حكم كنندگان است و من براين امر گواهم.

۱. تفسير نمونه / ۲۷ / ۱۳۶.

۲. تين / ۸.

۳. مجمع البيان / ۵ / ۵۱۲.

۴. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۸ (كتاب القرآن، باب ۲۷، ح ۲، باب ما ينبغي ان يقال عند قراءة بعض الآيات و السور، ح ۲).

۵. وسائل الشيعه / ۴ / ۷۵۶ (كتاب الصلاة، باب ۲۰ از أبواب القراءة في الصلاة، ح ۸).

۱۰. بعد از تلاوت سوره «قیامت» گفتن: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَىٰ»

سوره «قیامت» بر محور مسائل مربوط به معاد و روز قیامت دور می‌زند و در پایان در جواب منکرین معاد جسمانی که دم از محال بودن آن می‌زدند، دست انسان را گرفته و او را به آغاز خلقتش باز می‌گرداند، مراحل عجیب جنین و تطورات شگفت انگیز انسان را در این مراحل به او نشان می‌دهد تا بداند خداوند بر همه چیز قادر و توانا است، و سپس این سؤال را مطرح می‌کند: «آیا چنین خداوندی، قادر نیست مردگان را زند کند؟».

در روایتی آمده است: هنگامی که آیات ﴿الْيَسْ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾ نازل گردید، رسول خدا ﷺ عرضه داشت: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَىٰ»، (منزهی توای خداوند، آری چنین قدرتی را داری).

همین معنی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است.^۱

راوی می‌گوید: هرگاه امام رضا علیه السلام سوره «قیامت» را قرائت می‌کردند، در پایان آن، (یعنی بعد از آیه ﴿الْيَسْ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى﴾، آیا چنین پروردگاری قادر نیست که مردگان را زنده کند؟) می‌گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ بَلَىٰ»، (منزهی توای خداوند، آری چنین قدرتی را داری).

۱. مجمع البیان / ۵ / ۴۰۲؛ بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۹ کتاب القرآن، باب ۲۷، ح ۳.

۱۱. پس از تلاوت «سوره شمس»، سخنان «خداوند و رسولش را تصدیق کنید» سوره «شمس» در حقیقت سوره «تهذیب نفس» و «تطهیر قلوب از ناپاکی‌ها و ناخالصی‌ها» است و بر محور همین معنی دور می‌زند، منتها در آغاز سوره به یازده موضوع مهم از عالم خلقت و ذات پاک خداوند برای اثبات این معنی که فلاح و رستگاری در گرو تهذیب نفس است، قسم یاد شده و بیشترین سوگندهای قرآن را به طور جمعی در خود جای داده است؛ و در پایان سوره به ذکر نمونه‌ای از اقوام متمرّد و گردنکش که به خاطر ترك تهذیب نفس، در شقاوت ابدی فرو رفتند و خداوند آنها را به مجازات شدیدی گرفتار کرد، یعنی قوم ثمود می‌پردازد و با اشاره کوتاهی به سرنوشت آنها، سوره را پایان می‌دهد.^۱

و اگر سفارش شده که بعد از پایان این سوره «خدا و رسولش را تصدیق کنید»، برای این است که انسان محتوای این سوره را باور کند و به تهذیب نفس بپردازد تا گرفتار سرنوشت قوم ثمود نگردد.

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: سزاوار است وقتی که سوره شمس می‌خوانید در پایانش گفته شود: «صَدَقَ اللَّهُ وَصَدَقَ رَسُولُهُ»، راست گفت خداوند، راست گفت پیامبرش.^۲

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۳ وَقَفَ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي نَفْسِي تَقْوَاهَا وَأَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا».^۴

ابن عباس می‌گوید: هنگامی که رسول خدا، آیه ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَالْهَمَّهَا فُجُورُهَا وَتَقْوَاهَا﴾ را تلاوت می‌فرمود، توقف می‌کردند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي نَفْسِي تَقْوَاهَا وَأَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا، وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا».

۱. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۳۶.

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۳).

۳. شمس / ۷ و ۸.

۴. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۲۰ (کتاب القرآن باب ۲۷ ما ینبغی أن ینال عند قرائت بعض الآیات والسور، ح ۳).

۱۲. هنگام تلاوت سوره‌های «مُسَبِّحات»، «تَسْبِیح» (گفتن: سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى) «تَسْبِیح»، در لغت به معنای «خدا را به پاکی یاد کردن، او را از هرگونه عیب و نقصی دور و مبرا دانستن»؛ و به معنای نماز هم آمده است.^۱

«تَسْبِیح»، مصدر منحوت (تراشیده شده) «سُبْحان» است، مانند: «سَبَّخْه» که مُخَفَّف «سُبْحان الله» می‌باشد.

«تَسْبِیح»، از جمله اذکاری است که گفتن آن به مسلمانان توصیه شده و در نماز بسیار گفته می‌شود و برخی از آنها واجب است، ...

«مُسَبِّحات»، سوره‌هایی است که با (سَبَّحَ اللَّهُ) یا (يُسَبِّحُ اللَّهُ) آغاز می‌شود و آن پنج سوره است: سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن ... این سوره‌ها (مُسَبِّحات) با تسبیح الهی شروع می‌شود، در سه مورد «تَسْبِیح» به صورت صیغه ماضی «سَبَّحَ» آمده است (حدید، حشر و صف) و در دو مورد به صورت صیغه مضارع، یعنی «يُسَبِّحُ»، (جمعه و تغابن)، این تفاوت تغییر شاید اشاره به این نکته باشد که در گذشته و آینده و همیشه، موجودات این جهان، تسبیح ذات اقدس او گفته و می‌گویند.

«حقیقت تسبیح»، عبارت است از: «نفی هرگونه عیب و نقص و گواهی همه موجودات جهان به پاکی ذات مقدس او از هرگونه عیب و نقص».^۲

در روایات سفارش شده است: وقتی این سوره‌ها (مُسَبِّحات) خوانده می‌شود با گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ الْأَعْلَى» به تسبیح ذات اقدس خداوند پردازید.^۳

۱. العین، ماده «سبح».

۲. تفسیر نمونه ۲۳/ ۲۹۶.

۳. بحار الانوار/ ۹۲/ ۲۱۷ به نقل از «الخصال» ابن بابویه قمی

محمد بن علی بن الحسین بن بابوی قمی در این کتاب از امام صادق نقل می‌کند که امیرمومنین (علیه السلام) در یک جلسه به یاران خود چهارصد باب (مطلب) در موضوعات مختلف پیاموخت، و این حدیث به «حدیث اربعمائه» مشهور گردیده است، علامه مجلسی در بحار الانوار، این چهارصد مطلب را در موضوعات مختلف به صورت جدا جدا آورده است.

۱۳. بعد از خواندن «حواميم»، حمد و شكر الهی به جا آوردن

«حواميم»، نام گروهی سوره‌های چهارم تا چهل و ششم قرآن كريم در ترتيب مصحف است که با حروف مقطعه «حَمَّ» آغاز می‌شوند. این سوره‌ها به ترتيب عبارتند از: غافر (مؤمن)، فُصِّلَتْ، شوری، زُخْرُف، جاثیه و احقاف. به مجموع این سوره‌ها، «ذوات حَمَّ» یا «آل حَمَّ» نیز گفته‌اند. در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «الْحَوَامِيمُ تَاجُ الْقُرْآنِ»؛ سوره‌های حواميم تاج قرآن است.^۱

و در روایتی، ابن عباس می‌گوید: «لِكُلِّ شَيْءٍ لِبَابٌ وَلِبَابُ الْقُرْآنِ الْحَوَامِيمُ»؛ برای هر چیزی، مغزی است و مغز قرآن سوره‌های «حواميم» است.^۲ و در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «الْحَوَامِيمُ رِيحَانُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاشْكُرُوهُ كَثِيرًا مَحْفَظُهَا وَتِلَاوَتُهَا».^۳ «حواميم»، گل‌های خوشبوی قرآن است، پس (هنگامی که آن سوره‌ها را قرائت کردید) حمد و شكر الهی را بسیار به جا آورید به خاطر (توفیقی که خداوند برای حفظ و تلاوت این سوره‌ها (که نصیب شما فرموده است).

۱. مجمع البيان / ۵ / ۵۱۲.

۲. همان.

۳. همان.

۱۴. هنگام تلاوت «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» گفتن: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى»
 سوره «اعلی» از دو بخش تشکیل یافته، بخشی که در آن روی سخن به شخص
 پیامبر ﷺ است و دستوراتی را در زمینه تسبیح پروردگار و ادای رسالت به او
 می‌دهد و اوصاف هفت گانه ای از خداوند بزرگ در این رابطه می‌شمرد.
 و بخش دیگری که از مؤمنان خاشع و کافران شقی، سخن به میان می‌آورد، و عوامل
 سعادت و شقاوت این دو گروه را به طور فشرده بیان می‌کند.
 و در پایان سوره اعلام می‌دارد که این مطالب تنها در قرآن مجید نیامده است،
 بلکه حقایقی است که در کتب و ضحف پیشین، ضحف ابراهیم و موسی نیز بر
 آن تأکید شده است.
 در آغاز سوره، خداوند دستور می‌دهد: «نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را از هر عیب و
 نقصی پاک و منزّه بشمار».
 در روایات متعددی آمده است: هنگامی که پیغمبر ﷺ یا ائمه هدی علیهم‌السلام، آیه
 «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»^۱ را می‌خواندند، بعد از آن به این دستور عمل می‌کردند و
 می‌فرمودند: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى».^۲
 راوی می‌گوید: هنگامی که امام رضا علیهم‌السلام آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» قرائت
 می‌کردند، آهسته می‌گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى».^۳
 از حضرت علی علیهم‌السلام نقل شده است که آن حضرت «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را
 خواندند، پس از آن گفتند: «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى» و او در نماز بود. به او گفته شد آیا
 در قرآن اضافه می‌کنی؟ حضرت فرمود: «نه، همانا امر شدیم پس همان را گفتیم».^۴

۱. اعلیٰ ۱/ (نام پروردگار بلند مرتبه‌ات را از هر عیب و نقصی منزّه دار).

۲. (منزّه است پروردگار بلند مرتبه من)، همان به نقل از تفسیر نورالثقلین/ ۵/ ۵۳۳.

۳. وسائل الشیعة/ ۴/ ۷۵۶ (باب ۲۰ از ابواب القراءة فی الصلاة، ح ۸).

۴. بحار الانوار/ ۹۲/ ۲۲۰ (کتاب القرآن، باب ۲۷، ح ۳).

۱۵. تکرار آیاتی که در آن «أَمْرُو نَهْي» آمده و عبرت گرفتن از آنها

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به ابن مسعود فرموده‌اند: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ، إِذَا تَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى، فَاتَيْتَ عَلَى آيَةٍ فِيهَا أَمْرٌ وَنَهْيٌ، فَرَدِّدْهَا نَظْرًا وَاعْتِبَارًا فِيهَا، وَلَا تَسُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَإِنَّ نَهْيَهُ يَدُلُّ عَلَى تَرْكِ الْمَعَاصِي، وَأَمْرُهُ يَدُلُّ عَلَى (عَمَلِ) الْبِرِّ وَالصَّالِحِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى، يَقُولُ: ﴿فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْنَا لَهُمْ لَيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾»^{۱ و ۲}

ای ابن مسعود! هنگامی که کتاب خدای متعال را می‌خوانی و به آیه‌ای می‌رسی که در آن امر و نهی است، بار دیگر آن را برای عبرت گرفتن تکرار کن، و این کار را از یاد مبر، زیرا که نهی آن دلیل بر فرو گذاشتن گناهان است، و امر آن دلیل بر نیکوکاری و صلاح. این است که خدای متعال می‌گوید: «چگونه باشد (حال مردمان) هنگامی که آنان را برای روزی که شکی در آن نیست گرد آوریم، و هر کس پاداش آنچه را کرده است تمام دریافت کند و بر کسی ستم نرود».

۱. آل عمران / ۲۵.

۲. الحیاء، محمد رضا حکیمی، با ترجمه احمد آرام / ۲ / ۱۷۱ به نقل از مکارم الاخلاق، ص ۵۳۰.

۱۶. پس از تلاوت آیاتی که ابتدای آنها «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا» آمده است، گفتن: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و یا «لَبَّيْكَ رَبَّنَا».

امام صادق علیه السلام فرمودند: يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتِّلَ فِي قِرَاءَتِهِ... وَإِذَا مَرَّ بِـ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ يَقُولُ: «لَبَّيْكَ رَبَّنَا».^۱

سزاوار است برای بنده، هنگامی که نماز می‌خواند، قرائتش را به صورت ترتیل (شمرده و آرام) بخواند، و هرگاه به آیاتی برسد که در آن ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ آمده، بگوید: «لَبَّيْكَ رَبَّنَا»: (اجابت کردیم پروردگار ما)

راوی می‌گوید: هنگامی که امام رضا علیه السلام ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ را قرائت می‌نمودند، آهسته می‌گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، (اجابت کردیم خداوند، دعوت را اجابت کردیم).

۱. تهذیب الاحکام / ۲ / ۱۲۴، ح ۴۷۲.

۱۷. بعد از تلاوت «فَبَايَ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ» گفتن: «لَا بَشِيءَ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»^۱ سوره «الرَّحْمَان»، بیانگر نعمت های مختلف معنوی و مادی خداوند است که بر بندگان خود ارزانی داشته و خداوند در این سوره، پس از یادآوری نعمت ها، ۳۱ بار از بندگان (انس و جن) اقرار بر نعمت های خود می گیرد «پس کدامین نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟»؛ از این رو در روایات آمده است که هنگام تلاوت و تکرار این آیات، سزاوار است اقرار کنید «خداوندا هیچ يك از نعمت هایت را انکار نمی کنیم».

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: هر کس سوره «الرَّحْمَان» را بخواند و هنگامی که به آیه «فَبَايَ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (پس کدامین نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید) می رسد، بگوید: «لَا بَشِيءَ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»، (خداوندا هیچ یک از نعمت هایت را انکار نمی کنیم) اگر این تلاوت در شب باشد و در همان شب بمیرد، شهید خواهد بود، و اگر در روز باشد و در همان روز بمیرد نیز شهید خواهد بود.^۱

در روایتی دیگر، حماد بن عثمان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «يُسْتَحَبُّ أَنْ يُقْرَأَ فِي دُبْرِ الْعَدَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ «الرَّحْمَنُ»، ثُمَّ تَقُولُ: كُلَّمَا قُلْتَ «فَبَايَ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، قُلْتَ: لَا بَشِيءَ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ».^۲

مستحب است که بعد از نماز عشاء، روز جمعه سوره «الرَّحْمَن» خوانده شود، سپس هروقت آیه «فَبَايَ الْآءِ رَبُّكُمَا تُكَذِّبَانِ» را خواندی، (شایسته است) بگویی «لَا بَشِيءَ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ».

۱. تفسیر نمونه / ۲۳ / ۹۴.

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۷۵۵ (باب ۲۰ از ابواب القراءه فی الصلاة، ح ۴).

۱۸. «سجده نمودن» هنگام خواندن آیاتی که در آن سجده آمده باشد

سجده به معنای خضوع و تسلیم و اطاعت می‌باشد و عبارت است از فروتنی برای عبادت و پرستش خداوند متعال.

سجده باعث قرب و نزدیکی انسان به درگاه خداوند می‌شود و لذا در حدیثی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم که فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِذَا كَانَ سَاجِدًا»، نزدیک‌ترین حالت بنده به خداوند، زمانی است که در سجده باشد.

طبق روایات اهل بیت عصمت و جلال چهار سجده واجب داریم و بقیه سجده‌های قرآن، مستحب است.^۱

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرموده است: «إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ مَا ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نِعْمَةً عَلَيْهِ إِلَّا سَجَدَ وَلَا قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا سُجُودٌ إِلَّا سَجَدَ...»^۲.

پدرم علی بن الحسین، هیچ نعمتی از نعمت‌های خداوند را یادآور نمی‌شد مگر (برای آن) سجده می‌کرد و هیچ آیه‌ای از قرآن را نمی‌خواند که در آن (ذکری از) سجده باشد مگر این که سجده می‌کرد.

یادآوری: موارد و نحوه سجده و اذکاری که باید گفته شود در مبحث (سجده کردن در هنگام خواندن یا شنیدن آیات سجده‌دار) آمده است.

۱. تفسیر نمونه / ۲۷ / ۱۷۴.

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۱۰۸۲ باب ۷ از ابواب سجده‌تی للشکر، ح ۸.

۱۹. «صلوات فرستادن» هنگام قرائت: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...»^۱ مقام پیامبر ﷺ آن قدر والاست که آفریدگار هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آن‌ها گذارده شده است بر او درود می‌فرستند، اکنون که چنین است شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام بگویید و در برابر فرمان او تسلیم باشید».^۲ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۳ را خواندید: «فَصَلُّوا عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ كُنْتُمْ أَوْ فِي غَيْرِهَا...»، بر او درود بفرستید، چه در نماز باشید یا در غیر نماز.^۴ زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «... وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ كُلَّمَا ذَكَرْتَهُ أَوْ ذَكَرَهُ ذَاكِرٌ فِي أَذَانٍ وَغَيْرِهِ».^۵

و درود بفرست بر پیامبر هر وقت که یادش کردی یا کسی دیگری یادش کرد، در اذان باشد یا غیر اذان.

۱. احزاب / ۵۶.

۲. تفسیر نمونه / ۱۷ / ۴۱۶.

۳. احزاب / ۵۶؛ «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام بگویید و تسلیم فرمانش باشید».

۴. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۷ باب ۲۷ از کتاب القرآن، ح ۱.

۵. کافی / ۳ / ۳۰۳ (کتاب الصلاة، باب بدء الاذان والاقامة، ح ۷).

۲۰. تقاضای بهشت و پناه بردن به خداوند، هنگام تلاوت آیاتی که در رابطه با بهشت و جهنم است

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «... إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذَرَمَةً، وَلَكِنْ يُرْتَّلُ تَرْتِيلاً، وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَسَلِّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ وَإِذَا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَقِفْ عِنْدَهَا وَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»^۱.

«همانا قرآن را نباید به صورت هَذَرَمَه (تُند و سریع و نامفهوم) خواند بلکه باید به صورت ترتیل (منظم و شمرده و مفهومی) خوانده شود، و هنگامی که مرور کردی به آیه‌ای که در آن یاد از بهشت شده پس توقف کن و با خواهش و تمنا از خداوند بهشت را بخواه، و هنگامی که مرور کردی به آیه‌ای که در آن یاد از جهنم شده، پس توقف کن و پناه ببر به خداوند از آتش جهنم».

و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «يَنْبَغِي لِمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، إِذَا مَرَّ بِآيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِيهَا مَسْأَلَةٌ أَوْ تَخْوِيفٌ أَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ خَيْرَ مَا يَرْجُو وَيَسْأَلُهُ الْعَافِيَةُ مِنَ النَّارِ مِنَ الْعَذَابِ»^۲.

«سزاوار است برای کسی که قرآن را می‌خواند، هنگامی که مرور می‌کند به آیه‌ای از قرآن که در آن درخواستی و یا بیمی داده شده، درخواست کند نزد آن آیات، بهتر از آنچه که امید می‌رود و درخواست نماید سلامت از آتش جهنم و از عذاب (آخرت)». رجاء ابن ضحاک می‌گوید: امام رضا علیه السلام در راه خراسان (از مدینه تا خراسان)، شب‌ها زیاد قرآن می‌خواندند، وقتی که به آیه‌ای می‌رسید که در آن یاد از بهشت و آتش (جهنم) شده بود، گریه می‌کرد و از خداوند بهشت را درخواست می‌نمود و به خداوند پناه می‌برد از آتش (جهنم)^۳.

از امام صادق علیه السلام در معنای «حق تلاوت» نقل شده است: «إِنَّ حَقَّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ يَسْأَلُ فِي الْأُولَى وَيَسْتَعِذُّ مِنَ الْآخِرَى»^۴.

(حق تلاوت، وقف کردن نزد یاد بهشت و جهنم است که اولی درخواست شود و از دومی به خداوند پناه برده شود).

۱. کافی / ۲ / ۶۱۷ (کتاب فضل القرآن، باب فیکم یقرأ القرآن ویختم، ح ۲).

۲. وسائل الشیعه / ۴ / ۸۲۸ (باب ۲ از ابواب قراءة القرآن، ح ۲).

۳. بحار الانوار / ۹۲ / ۲۱۸ باب ۲۷ از کتاب القرآن، ح ۲.

۴. مجمع البیان / ۱ / ۱۹۸.

۲۱. پس از تلاوت بعضی دیگر از آیات... گفتن...

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: سزاوار است هنگام خواندن ﴿عَالِلَهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^۱، گفته شود: «اللَّهُ خَيْرٌ، اللَّهُ خَيْرٌ، اللَّهُ أَكْبَرُ» «خداوند بهتر است، خداوند بهتر است، خداوند بزرگ تر است»، و هنگام خواندن ﴿ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾^۲، گفته شود: «كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ» «دروغ گفتند کسانی که برای خداوند شریک و شبیه قرار دادند». هنگام خواندن ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِّرُهُ تَكْبِيرًا﴾^۳ (در اجابت به فرمان خداوند بگو) «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ»، خداوند بسیار بزرگ است، خداوند بسیار بزرگ است، راوی می گوید پرسیدم، اگر کسی چیزی از این ها را نگوید؟ حضرت فرمودند: براو چیزی نیست.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که آیه ﴿قُولُوا عَامَنَّا بِاللَّهِ﴾^۴ را قرائت کردید پس (در اجابت از فرمان خداوند) بگویید «عَامَنَّا بِاللَّهِ» (ایمان آوردیم به خداوند) و سپس بقیه آیه را تا ﴿وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^۵، بخوانید.

خداوند در این آیه، مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و دستور می دهد: «بگویید ایمان آوردیم به خداوند و به آنچه که از ناحیه او بر ما نازل شده است...» ادب اقتضا می کند در اجابت از فرمان او؛ «ایمان خود به خداوند و به کتاب های آسمانی او را بر زبان جاری کنیم» بگوییم: «عَامَنَّا بِاللَّهِ» و تا آخر آیه را تکرار کنیم.

۱. نمل/ ۵۹؛ «آیا خداوند بهتر است یا بت هایی که همتای او قرار می دهند؟!».

۲. انعام/ ۱؛ «اما کافران برای پروردگار خود، شریک و شبیه قرار می دهند».

۳. اسراء/ ۱۱۱؛ «بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلت (حامی و) سرپرستی برای اوست، و او را بسیار بزرگ بشمار».

۴. بقره/ ۱۳۶؛ «بگویید ایمان آوردیم به خداوند».

۵. بحار الانوار/ ۹۲ / ۲۱۷ (باب ۲۷ از ابواب کتاب القرآن، ح ۱، حدیث اربعمائه)

پرسش‌های چهار گزینه‌ای احکام تلاوت قرآن کریم

۱. برای همراه داشتن قرآن، وضو گرفتن... و برای خواندن و نوشتن آن، وضو گرفتن... می‌باشد.

الف) واجب - واجب ب) مستحب - واجب

ج) واجب - مستحب د) مستحب - مستحب

۲. اگر کلمه‌ای از قرآن در کتاب دیگری باشد، مَسّ آن... است.

الف) حرام ب) مکروه ج) مستحب د) بی‌اشکال

۳. رساندن جایی از بدن شخصِ جُنُب به خط قرآن... و به جلد و حاشیه و بین خط‌های آن... می‌باشد.

الف) حرام - مکروه ب) حرام - حرام

ج) حرام - مباح د) مکروه - مکروه

۴. با تیمُّمی که به جهت تنگی وقت انجام داده، مَسّ قرآن در حال نماز جایز... و در غیر نماز جایز...

الف) است - نیست ب) نیست - است

ج) است - است د) نیست - نیست

۵. رعایت کردن مطالبی را که علمای تجوید بیان کرده‌اند، از اظهار و ادغام و انقلاب و اخفای تنوین و نون ساکن.

الف) واجب است ب) جایز نیست

ج) شایسته است د) الف و ج صحیح است

۶. دانستن مخارج حروف براساس آنچه را که علمای تجویدی بیان کرده‌اند... و تلفظ حروف از مخارجشان در صورتی که قاری ملتفت آن نباشد.....

الف) واجب است . کفایت نمی‌کند ب) واجب است . کفایت می‌کند

ج) واجب نیست . کفایت می‌کند د) مستحب است . کفایت نمی‌کند

۷. سوره‌هایی که دارای سجده واجب می‌باشند، عبارت است از: سجده، علق،

الف) قیامت، نجم ب) فصلت، نجم

ج) حج، فصلت د) احزاب، حج

۸. وجوب و استحباب سجده، مختص... آیات مذکوره می‌باشد.

الف) قاری و شنونده ب) نویسنده

ج) بیننده د) هر سه مورد صحیح است

۹. آنچه سبب سجده می‌شود... می‌باشد.

الف) تمامی آیه سجده ب) جمله‌ای است که امر به سجده شده

ج) مقداری از آیه سجده د) هر سه مورد صحیح است

۱۰. با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده که به قصد ترجمه باشد....

الف) به احتیاط واجب باید سجده کند

ب) به احتیاط مستحب باید سجده کند

ج) سجده واجب می‌شود

د) سجده واجب نمی‌شود

۱۱. وجوب سجده وقتی است که آیات سجده را از شخص... بشنوند که به قصد

قرائت قرآن بخواند.

الف) مکلفی ب) غیر مکلفی ج) دیوانه‌ای د) هر سه مورد

۱۲. قرائت سوره‌هایی که سجده واجب دارند بر شخص... حرام می‌باشند.

الف) جُنُب ب) نفساء ج) هر دو د) هیچ‌کدام

۱۳. در چه حالاتی قرائت قرآن، مکروه می‌باشد؟

الف) در حالت رکوع ب) در حالت جنابت بیش از هفت آیه

ج) در حالت سجده د) هر سه مورد صحیح است

۱۴. مَسّی که محوکننده خط قرآن می‌باشد، برای فاقد طهارت ... می‌باشد.

الف) با دست جایز است ولی با زبان مکروه

ب) با دست حرام است ولی با زبان جایز

ج) با دست و زبان هر دو حرام

د) با دست و زبان هر دو جایز

۱۵. مَسّ نمودن خط قرآن از پشت شیشه‌ای که خط آن پیدا باشد و همچنین خطی

که در آئینه منعکس شده باشد بر فاقد طهارت ...

الف) از پشت شیشه جایز ولی در آئینه جایز نیست

ب) در آئینه جایز ولی از پشت شیشه جایز نیست

ج) هر دو جایز است

د) هر دو جایز نیست

۱۶. رو به قبله کردن در سجده تلاوت ... و در حالت قرائت قرآن ... می‌باشد.

الف) مستحب - مستحب ب) واجب - واجب

ج) واجب - مستحب د) مستحب - واجب

۱۷. در قرائت قرآن «اخلاص» شرط است و اگر به قصد «ریا» باشد آن قرائت باطل

خواهد بود، با توجه به این حکم، کدام يك از قرائت‌های ذیل «ریا» به حساب

می‌آید؟

الف) قرائت برای خدا باشد ولی بعضی از مستحبات قرائت برای خودنمایی باشد

ب) قرائت برای خدا باشد ولی انتخاب مکان یا زمان برای خودنمایی باشد.

ج) قرائت برای خدا ولی اعمال خارجیّه برای خودنمایی باشد مثل انتخاب لباس

د) هر سه مورد «ریا» به حساب می‌آید

۱۸. «بسم الله الرحمن الرحيم» جزئی از هر سوره ... و خواندن آن ... است. (به

استثنای سوره براءت).

الف) نمی‌باشد - مستحب ب) می‌باشد - واجب

ج) نمی‌باشد - اختیاری د) می‌باشد - مستحب

۱۹. در قرائت قرآن، رعایت کدام يك از موارد ذیل، واجب می باشد؟

- الف) تلفظ حروف از مخرجشان و رعایت مد واجب و لازم
 ب) قرائت به صورت ترتیل و وقف نمودن بر فواصل آیات
 ج) تلفظ حروف از مخرجشان و اثبات همزه قطع و حذف همزه وصل در وسط کلام
 د) هر سه مورد واجب می باشد

۲۰. اگر کسی به وسیله «آیات سجده» سخن بگوید، بدون اینکه قصد تلاوت قرآن را داشته باشد، در این صورت سجده....

- الف) برگوینده واجب و بر شنونده واجب نمی باشد
 ب) بر شنونده واجب و برگوینده واجب نمی باشد
 ج) بر هیچ يك واجب نمی باشد د) بر هر دو واجب می باشد
 ۲۱. آوردن کلمه «عَلَى» در جمله «صَدَقَ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» برای تجلیل از... می باشد.

- الف) خداوند متعال ب) پیامبر اسلام ﷺ
 ج) حضرت علی علیه السلام د) هر سه مورد صحیح است
 ۲۲. قرائت قرآن در حال رکوع... و در حالت سجده... می باشد.

- الف) مکروه - مستحب ب) مستحب - مکروه
 ج) حرام - مستحب د) مکروه - مکروه
 ۲۳. خواندن سوره هایی که سجده واجبه دارند بر شخص... حرام می باشد.

الف) جُنْب ب) حائض ج) نَفْسَاء د) هر سه مورد
 ۲۴. اگر کسی به وسیله (آیات سجده) سخن بگوید، بدون اینکه قصد تلاوت قرآن را داشته باشد، در این صورت سجده برگوینده واجب... و بر شنونده واجب... .

الف) نیست - نیست ب) است - است
 ج) است - نیست د) نیست - است
 ۲۵. اگر آیات سجده را مکرر شنید و در حداقل و حداکثر آن شك کند... به حداقل اکتفا نماید و اگر تعداد سجده واجب را بداند ولی در تعداد سجده های انجام شده شك کند، باید بنا را بر... بگذارد.

- الف) جایز است - اکثر ب) جایز است - اقل
 ج) جایز نیست - اکثر د) جایز نیست - اقل

۲۶. در سجده آیات سجده‌دار، مجرد سجده کفایت... وگفتن «الله اکبر» در اول آن....

الف) می‌کند. لازم نیست ب) می‌کند. مستحب

ج) نمی‌کند. لازم است د) الف و ب صحیح است

۲۷. کسی که قرائتش صحیح نیست و توان یادگیری صحیح هم... به آن چه که می‌داند، اکتفا کند.

الف) نداشته باشد، نمی‌تواند ب) داشته باشد، نمی‌تواند

ج) نداشته باشد، می‌تواند د) ب و ج صحیح است

۲۸. رعایت کدام يك از گزینه‌های ذیل، در قرائت قرآن در نماز، مستحب می‌باشد؟

الف) قرائت با صدای خوش و نیکو ب) قرائت با ترتیل

ج) وقف بر فواصل آیات د) هر سه مورد

۲۹. اگر زن در استحاضه قلیله بخواند جایی از بدن خود را به قرآن برساند، باید... و وضویی که قبلاً برای نماز گرفته بنابر احتیاط واجب...

الف) غسل کند و وضو بگیرد. کافی نیست

ب) غسل کند و وضو بگیرد. کافی است

ج) وضو بگیرد. کافی است

د) وضو بگیرد. کافی نیست

۳۰. با خواندن یا شنیدن ترجمه آیات سجده که به قصد ترجمه باشد....

الف) به احتیاط مستحب باید سجده کند ب) سجده واجب می‌شود

ج) به احتیاط واجب باید سجده کند د) سجده واجب نمی‌شود

فهرست منابع

۱. قرآن کریم (با ترجمه آیت الله مکارم).
۲. نهج البلاغه (صبحی صالح، با ترجمه آیت الله مکارم).
۳. اجوبة الاستفتاءات، مقام معظم رهبری، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۸۱.
۴. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن الحسن الطوسی، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۵. الکافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۶. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ملا محسن کاشانی، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.
۷. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ هـ.
۸. النشر فی القراءات العشر، ابن الجزری، کتابفروشی جعفری تبریز.
۹. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
۱۰. پرتویی از اسرار نماز، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۱۱. پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، ولی الله نقی پورفر، انتشارات اسوه، ۱۳۷۱.
۱۲. تحریر الوسیله، امام خمینی رحمته الله.
۱۳. تفسیر صافی، فیض کاشانی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۴. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود، انتشارات علمیه اسلامی، تهران.
۱۵. تفسیر موضوعی قرآن، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.
۱۶. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. تفسیر نورالثقلین، شیخ عبد علی بن جمعه، المطبعة العلمية بقم.
۱۸. توضیح المسائل، مراجع بزرگوار تقلید.
۱۹. حدائق الناظره فی احکام العترة الطاهرة، یوسف بحرانی، مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۰. دانشنامه جهان اسلامی، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.

۲۱. سفینه البحار، شیخ عباس قمی (۲ جلدی)، مؤسسة الوفاء، بیروت.
۲۲. عروة الوثقی (۲ جلدی با حاشیه ۱۰ تن از مراجع)، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران.
۲۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام.
۲۴. قرآن در آینه احکام، هادی حجت، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن الحسن الطبرسی، مكتبة آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ هـ.
۲۶. مستدرک الوسائل، محدث نوری (۳ جلدی)، المكتبة الاسلامية، تهران، ۱۳۸۲ هـ.
۲۷. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی رحمته الله.
۲۸. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، دارالکتب السلامیه، تهران، ۱۳۹۰ هـ.
۲۹. وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، (۲۰ جلدی)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ هـ.

مجموعه تألیفات قرآنی از مؤلف:

۱. آیات الاحکام (برای مسابقات حفظ آیات الاحکام) حفظ موضوعی
۲. اسالیب حفظ القراءة، روش های حفظ قرآن کریم
۳. بررسی رسم الخط عثمان طه، زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۴. حلیة القراءة، تجوید قرائت قرآن کریم، سطح یک (تجوید عمومی)
۵. حلیة القراءة، تجوید قرائت قرآن کریم، سطح دو (تجوید تکمیلی)
۶. حلیة القراءة، تجوید الصلاة مَصَوَّر (قابل استفاده به صورت پرده نگار)
۷. حلیة القراءة، شرح منظومه جزریه، تجوید قرائت قرآن کریم (تجوید تخصصی)
(همراه با راهنمای تدریس تجوید قرائت قرآن کریم)
۸. حلیة صحّة القراءة، روان خوانی و تجوید قرائت قرآن کریم
۹. حلیة صحّة القراءة، روان خوانی و تجوید قرائت مَصَوَّر (به صورت پرده نگار)
۱۰. صحّة القراءة، روخوانی قرآن کریم، سطح یک (برای دوره ابتدایی)
۱۱. صحّة القراءة، روخوانی قرآن کریم، سطح دو (برای دوره دبیرستان)
۱۲. صحّة القراءة، روخوانی و روان خوانی قرآن کریم (بر اساس رسم الخط عربی)
۱۳. صحّة القراءة، تعلیم قراءۃ القرآن الکریم (به زبان عربی)
۱۴. صحّة القراءة، تعلیم تلاوت قرآن کریم (به زبان اردو)
۱۵. صحّة القراءة، رسم و ضبط مصاحف، کتابت و علامت گذاری قرآن کریم
(همراه با راهنمای تدریس روخوانی و روان خوانی قرآن کریم)
۱۶. مفاهیم القراءة، آشنایی با ترجمه و مفاهیم قرآن کریم (با رویکرد «اصول عقائد»)
۱۷. کتابت و جمع آوری قرآن کریم (رساله علمی سطح ۳ حوزه علمیه قم)
۱۸. مُعْجَمُ مُصْطَلَحَاتِ الْقِرَاءَةِ، لغتنامه اصطلاحات قرائت تجوید قرآن کریم
برای استفاده از تألیفات، به سایت اندیشوران حوزه علمیه قم، قسمت علوم قرآنی،
علی حبیبی احمدآبادی مراجعه فرمایید.

سایت ما در سروش: @habibi.tajvid

قم - شیخ علی حبیبی - همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹